

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

۵۵

۶۸ صفحه

مهر ۱۴۰۲

قیمت ۱۰۰/۰۰۰ تومان

The World of Energy Magazine

دنیای انرژی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران



توسعه خدمات فنی مهندسی کاتالیست های فرایندی
اولویت مهم در صنایع نفتی و پتروشیمی

شانزدهمین کنفرانس سالانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران
بیست و سوم مهرماه ۱۴۰۲ - مرکز همایش های بین المللی صداوسیما تهران

الگوای ایران در خصوصی سازی پدترین قسمت تجربه های دنیا بود * سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در حال انجام است * بازی جهانی نفت بر هم خورد مهره ها از نو چیده شدند * بخش خصوصی با تعارضات متعددی در اقتصاد دولتی کشور مواجه است * چرا بهینه سازی مصرف سوخت در کشور به درستی اجرا نمی شود * روایتی آمارک از سیاست تثبیت ارز مرجع محصولات پالایشی و پتروشیمی * میدان ارزش از هساله تا بدران



صادرات انواع گریدهای قیر و

فرآورده های نفتی

به بیش از ۳۰ کشور در ۳ قاره

www.infinitygalaxy.org



تولیدکننده پارافین مایع، جامد و وازلین
در گریدهای صنعتی و بهداشتی
WWW.ROSHAK.CO.COM

شرکت روشن پارافین کیهان



تامین کننده انواع روغن های پایه و مواد افزودنی روغن
۲۲۵ ۷۸۱۵۲۰۰۰ www.dayanoilco.com

شرکت تامین روانکار دایان



تولیدکننده انواع فرآورده های نفتی پایه روغن موتور، روغن ضد زنگ، روغن هیدرولیک، روغن

www.pardismotoroil.com

شرکت روغن موتور پردیس



There is no substitute



شرکت روغن موتور قم

www.qmoil.com

قم، شهرک صنعتی سلفچگان

تلفن: ۰۲۵-۳۳۶۷۳۹۰۵

فکس: ۰۲۵-۳۳۶۷۳۹۳۳



سومین همایش ملی قیر با ارزش

en
rence

با حضور: معاونین و رؤساء سازمان های متولی
کل استانی عمران کشور در حوزه قیر،
اساتید برتر دانشگاهی در حوزه قیر و آسفالت
و فعالین حوزه صادرات قیر

با محوریت افزایش دانش
فنی و تخصصی قیر
Focused On Increasing
Technical And Specialized
Knowledge Of Bitumen

QR Code

مهرماه هتل اسپیناس پالاس
از ساعت 17:00 تا 22:00 | ۲۲ شهریور
17 September - Espinas Palace Hotel



سومین همایش ملی قیر با ارزش برگزار شد.

DEIPA
شرکت پالایش نفت و قیر دریا
تأسیس ۱۳۶۲



۶ مهرماه هتل اسپیناس پالاس
28 September, Espinas Palace Hotel

با حضور: معاونین و رؤساء سازمان های متولی
عمران کشور در حوزه قیر،
اساتید برتر دانشگاهی در حوزه قیر و آسفالت
و فعالین حوزه صادرات قیر

دنیای انرژی

« صاحب امتیاز: اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت و گاز و پتروشیمی ایران

« مدیرمسئول: دکتر سیدحمید حسینی

« سردبیر: امیر عباس امامی

« شورای سیاست گذاری : سیدحمید حسینی، منصور معظمی، محمدحسین عادل، رضا پدیدار، جهانبخش

محبی نیا حسین امیری، مرتضی فیروزی، علی نقوی، سیدعماد حسینی، آیه کاتبی، سیدمهدی حسینی

احمد معروفخانی، فریدون اسعدی

« همکاران این شماره : هادی ابراهیمی، مهسا معیری و هیئت تحریریه دنیای انرژی

« سازمان آگهی‌ها: سولماز فرهادی ۵-۸۸۵۰۸۲۵۱

« صفحه آرایی: سید محمدسیدی

« چاپ و لیتوگرافی: چاپ نقش جوهر

« طرح جلد و نظارت چاپ: کانون تبلیغاتی عکس معاصر

« مقالات، یادداشت‌ها و مصاحبه‌های ارائه شده در ماهنامه دنیای انرژی لزوماً تأیید اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی ایران نیست.

ماهنامه تخصصی حوزه انرژی

مهر ماه ۱۴۰۲

۵۵

The World of Energy Magazine



کاهش ارزشی صادرات!

دکتر سید حمید حسینی - مدیر مسئول



واریز نشدن درآمدهای نفتی بر مبنای بودجه مصوب میباشد و "اگر ایران"، نفت را شاگرد تنبل دولت در نیم‌سال اول ۱۴۰۲ نامیده است. همچنین صادر کننده کشور این روزها عمده و قتش باید صرف نقل وانتقال ارز، ایفای تعهدات ارزی، تهیه اسناد فیک باشد و کمتر انگیزه گسترش صادرات و گشایش بازارهای جدید را دارد ولذا امسال فعلا صادرات از نظر ارزشی هشت درصد کاهش یافته است.

در این شرایط وزیر صمت که با رای بالای مجلس واستقبال پخش خصوصی سکندار این وزارت خانه شد به علت عدم آشنایی با ساختار قدرت وسازو کارهای اجرایی، خود را هیچ کاره میدانند واعتراف میکند که وزیر التماس می باشد و هیچ اختیاری ندارد. وی فکر می کند باید همه امور تولید، توزیع وتجارت داخلی وخارجی به ایشان سپرده شود وبقیه وزارت خانه ها وسازمانها گوش به فرمان ایشان باشند. باید از ایشان پرسید در حوزه ای که شما اختیار هم داشتید چه کاری انجام دادید؟، در آن سوی مرزها نیز ظاهرا با توجه به اعلام قطع کمک های آمریکا به اوکراین، احتمال پایان یافتن جنگ اکراین وروسیه را تقویت کرده، زیرا اروپا علیرغم حمایت لفظی توان پرداخت هزینه های جنگ را ندارد و احزاب ملی گرا وپوپولیست در حال فتح انتخابات اروپا هستند ولذا این گمانه ها یکی از دلایل اصلی کاهش ۱۲ درصدی قیمت نفت در این هفته بوده است. از سویی در امریکا،بودجه موقتی که مصوب شد مبلغش کاهش یافته و دولت منبعی برای کمک به اکراین در اختیار ندارد، ضمنا همراهی رئیس مجلس سنا با دموکراتها در تصویب بودجه موقت، باعث برکناری رییس پارلمان جمهوریخواه (کوین مک کارتی)گردید.

شاید افکار مارتین هایدگر فیلسوف آلمانی مبنی بر اینکه زندگی به شکل گریز ناپذیری سخت است، آرامش دهنده باشد، وی میگوید اگر بخواهم با شما رو راست باشم باید بگویم که این ربطی به جایی که هستید و جوری که زندگی می‌کنید ندارد. من به آن می‌گویم: "اصل بقای سختی". یعنی سختی از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود ولی نابود نمی‌شود. حتی هزاران سال پیش "بودا" از قصر بلورین خود گریخت تا مفهوم زندگی را بیابد و در آخر گفت: "زندگی رنج است"؛ رنج، یا به زبان بودا "دوکا"ست . در قران هم آمده که "لقد خلقنا الانسان فی کبد" به گفته اغلب مفسرین کبد به معنی رنج ومشقت میباشد.

در چرایی وضعیت فعلی یکی یا هر سه حالت زیر وجود دارد : حاکمیت نمی تواند مسئله را حل کند؟. حاکمیت نمی داند چگونه مسئله را حل کند؟ و حاکمیت نمی خواهد مسئله را حل کند؟؛ والبته این هر سه دلایل خود را دارد . فکر می‌کنم مسئولان فعلی کشور هر سه حالت را با هم دارند. این سیستم تک حزبی و به شدت خالص ساز، اولاً نمیخواهد مسأله را حل بکند چون اعتقادی به توسعه ندارد، ثانياً: تعارض منافع، مانع بزرگی برای حل مشکلات و مسائل است .ثالثاً:اگر بخواهد هم نمی‌داند که چه باید بکند.

درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام، میعانات، گاز مایع، گاز شهری وفرآورده های نفتی روزانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار میباشد، با این حال تخصیص نیافتن ارز کالاهای اساسی سوال برانگیز میباشد، در مصاحبه اخیر رئیس سازمان برنامه وبودجه معلوم شده که ۳۳ درصد درآمدهای بودجه در نیمه اول امسال محقق نشده است . قاعدتا با توجه به وصول صددرصدی درآمدهای مالیاتی، نشانه تحقق نیافتن یا

بخش خصوصی با تعارضات متعددی در اقتصاد دولتی کشور مواجه است!

صفحه ۱۲

الگوی ایران در خصوصی سازی بدترین قسمت تجربه های دنیا بود

صفحه ۲۰

چرا بهینه سازی مصرف سوخت در کشور به درستی اجرا نمی شود؟!

صفحه ۲۴

توسعه خدمات فنی مهندسی کاتالیست های فرایندی، اولویت مهم در صنایع نفتی و پتروشیمی!

صفحه ۳۲

عرضه قطره چکانی مواد مورد نیاز تولیدکنندگان پارافین در بورس

صفحه ۳۶

روایتی آماری از سیاست تثبیت ارز مرجع

محصولات پالایشی و پتروشیمی

صفحه ۴۰

میدان آرش، از مساله تا بحران

صفحه ۴۲

ایران پلاست رویکرد توسعه صنایع تکمیلی در سال رونق تولید

صفحه ۴۵

آیا آمریکای لاتین تبدیل به خاورمیانه جدید نفتی می شود؟

صفحه ۴۸

Biden administration to hold smallest auction for offshore oil drilling rights in Gulf of Mexico

صفحه ۶۱

تهران - خیابان دکتر بهشتی، خیابان مفتاح شمالی، خیابان نقدی، پلاک ۱۰، طبقه اول

WWW.OPEX.IR

MAIL@OPEX.IR

88508250

88511611

بخش خصوصی

پیشران رشد اقتصادی وتوسعه پایدار

شانزدهمین کنفرانس سالاانه اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی در روز یکشنبه ۲۳ مهرماه سال جاری در مرکز همایش های صداوسیما برگزار می گردد.شعار محوری این کنفرانس " بخش خصوصی، پیشران رشد اقتصادی و توسعه پایدار " موضوع سخنرانی اندیشمندان این کنفرانس خواهد بود. همچنین موضوع پنل اول: چشم‌انداز صنایع پایین‌دستی نفت، گاز و پتروشیمی، پنل دوم: همکاری با بخش خصوصی و رفع چالش‌های تنظیم‌گری و تعارض منافع و پنل سوم: حمایت از بخش خصوصی به‌عنوان موتور محرک اقتصادی کشور و دستیابی به عدالت اقتصادی می باشد . ماهنامه دنیای انرژی در این خصوص، نقطه نظرات کارشناسان و تحلیل گران حوزه اقتصاد و انرژی را پیرامون این محورها جویا شده است که در ادامه می آید:

تجربه اجرای سیاست خصوصی سازی نیاز به آسیب شناسی دارد

نصراله زارعی – کارشناس ارشد حوزه نفت



تجربه اجرای سیاست‌های خصوصی سازی ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی نیاز به مرور، عارضه یابی و آسیب شناسی دارد و اینکه چرا بخش خصوصی واقعی حضور نداشته یا تمایلی به حضور هم اگر بوده عمدتا به شکست انجامیده است .رانت و غیر رقابتی بودن واگذاری، مانع و سدی بر ورود بخش خصوصی و علاقمندان به حوزه صنعت نفت بوده است. همچنین جاذبه‌های پائین سرمایه گذاری در صنعت نفت برای بخش خصوصی واقعی از بُعد بروکراسی‌های کارفرمایی و بازدهی پایین توام با ریسک در این بخش مهم است؛ از سوی دیگر بستر حضور و مشارکت بخش خصوصی نیاز به هموار سازی و ایجاد جذابیت‌های مالی بیش از گذشته دارد .قوانین و مقررات و دستور العمل‌های متعدد، مزاحم و متضاد نیاز به غربال‌گری قوانین دارد همچنین در حوزه حمایت‌های مالی نیز نیاز به ابلاغ تکالیف الزام آور به بانک‌ها جهت تسهیل در تأمین مالی بخش خصوصی دارد .

در بخش افزایش جاذبه‌های اقتصادی، وجود انعطاف در تعیین فرمول و محاسبات اقتصادی و مهم، نرخ برگشت سرمایه نیز نیاز به حمایت آگاهانه و مؤثر کارفرما در تنظیم بخش قراردادهای واگذاری دارد . تکمیل زنجیره ارزش در صنعت نفت و خصوصا پتروشیمی بیش از دو دهه جز برنامه‌های راهبردی وزارت نفت و دولت‌ها جهت ارزش افزوده بیشتر و جلوگیری از خام

فروشی بوده و علی رغم تأکیدات همه مقامات و مسئولین، توفیق چندانی حاصل نشده است کما اینکه امروز در حد تکرار شعارها بدان نگاه می‌شود. وجود قوانین و مقررات مزاحم و متضاد، عدم اقبال بانک‌ها و مؤسسات مالی به سرمایه گذاری در این بخش به دلیل وجود بازارهای زود بازده و با بازده بالاتر و وجود ذی نفعان قدرتمند در بخش واردات که رقابت را برای بخش خصوصی واقعی مشکل یا غیر ممکن نموده است نیز از چالش‌های موجود سد راه رشد بخش خصوصی بوده است. هزینه تمام شده محصولات داخلی با محصولات مشابه وارداتی عمدتا بالاتر است که دلایل این موضوع را باید در مباحث و شرایط کلان کسب و کار و اقتصاد کشور جویا شد.

بخش خصوصی می‌تواند ایران را به هاب انرژی منطقه تبدیل کند

ابراهیم خوش گفتاررئیس هیات‌مدیره‌سندیکای تولیدکنندگان برق



با توجه به سیاست‌های منطقه‌ای و مشکلات تحریم، بخش خصوصی ایران می‌تواند با روش‌ها و اجرای سیاست‌هایی، نقش مثبتی در هاب انرژی منطقه ایفا کند. سیاست ابلاغی بر این اساس بود که ایران هاب انرژی شود و سوآپ انرژی را برعهده گیرد. تولید برق و صادرات به عراق، ترکیه، افغانستان و پاکستان که امروز به دلیل سیاست‌های دولتی نیازمند واردات برق هستیم از جمله سیاست‌هایی بود که قرار بود پیاده سازی شود و این مهم را بخش خصوصی می‌توانست به خوبی دنبال کند. همچنین در ادامه

سیاست هاب انرژی شدن نیز با توجه به اینکه ایران دومین ذخیره گاز دنیا را در اختیار دارد اما به دلیل عدم اجرای همان سیاست‌های ابلاغی که بخش خصوصی می‌توانست گردونه تولید و صادرات را برعهده گیرد امروز متأسفانه نیازمند واردات گاز هم شده‌ایم. بخش خصوصی می‌تواند حتی با صرفه جویی در کاهش مصرف گاز، آن میزان گاز صرفه جویی شده را هم صادر کند. بنابراین بخش خصوصی توانایی اجرا و پیاده سازی سیاست‌های ابلاغی را دارد که باید عرصه برای حضور این بخش فراهم شود.

رقابت بخش خصوصی با دولت امکان پذیر نیست!

امیر تقی خان تجریشی کارشناس سرمایه گذاری و تامین مالی



در زمان‌هایی منابع مالی در دست دولت است و تنها او می‌تواند سرمایه گذاری را انجام دهد بنابراین عملا به عنوان رقیب بخش خصوصی ظاهر می‌شود و منابع مالی بخش خصوصی قابل رقابت با منابع دولتی نمی‌شود این است که بخش خصوصی در این اقتصاد دولتی کنار می‌کشد و دولت یک‌ه تاز شده و این یک‌ه تازی متأسفانه به دلیل بهره وری پایین، عدم منافع ملی را ایجاد کرده است. بخش عمده‌ای از اقتصاد ما در دست دولت است و سرمایه گذاری هم از این قضیه مستثنی نیست و چون دولت به دلیل داشتن منابع مالی سرمایه گذاری را خود انجام داده و این گونه است که اقتصاد ما با شیوه و روش‌های دولت سالیان سال شکل گرفته است. در سرمایه گذاری دولتی سود و زیان و یا مزیت مهم نیست و بخش دولتی فقط چیزی که دیکته شده است را انجام می‌دهد درحالی‌که در بخش خصوصی این گونه نیست. در سرمایه گذاری بخش خصوصی ما مدیران میانی داریم که الزاما تصمیم ساز هستند و نه تصمیم گیر و این مدیران می‌توانند حتی ذی نفع هم باشند و به همین دلیل است که سالیان سال سرمایه گذاری اقتصاد دولتی ما در صناعی شکل می‌گیرد که مزیتی در آن دیده نمی‌شود و این اصرار سرمایه گذاری دولتی دهه‌ها در برخی صنایع وجود دارد.

نکته دوم که در سرمایه گذاری اقتصاد دولتی در ایران باید مورد توجه قرار گیرد این است که دولت با کسری بودجه مواجه است و درآمد نفتی دولت صرف هزینه‌های جاری می‌شود. اگر به بودجه نگه کنیم می‌بینیم که میزان سرمایه گذاری کم شده و برای اولین بار در طول تاریخ از زمانی که متغیرهای اقتصاد کلان را مرور می‌کنیم متوجه آمار استهلاک میزان سرمایه گذاری می‌شویم که این استهلاک بیشتر شده است. به عبارتی تشکیل سرمایه گذاری منفی داریم که اینها دو روی یک سکه است. اگر دولت در مواقعی که منابع مالی در اختیارش بود درست سرمایه گذاری می‌کرد و یا حتی در هزینه‌کردها، مدیریت درستی را پیاده می‌کرد قطعاً ما امروز دچار چالش‌های اقتصادی نمی‌شدیم. بازار سرمایه با ابزارهایی که دارد می‌تواند منبع مناسبی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی باشد زیرا بخش خصوصی در صورت داشتن منابع مالی می‌تواند بزرگ شود و رشد یابد که برای اطمینان می‌توانیم به تاریخچه تامین مالی بخش انرژی از بازار سرمایه مراجعه کنیم که بسیار سازنده بوده و بازار سرمایه راهکارهای متنوعی در این زمینه برای رشد بخش خصوصی ارائه می‌دهد.

نخواهیم بخش خصوصی در سیاست مطیع ما باشد

محسن رنائی – جامعه شناس



به بخش خصوصی‌مان اعتماد کنیم و نخواهیم در حوزه سیاست مطیع ما باشد. فقط بگذاریم وظیفه خود را به‌خوبی انجام بدهد. اگر او را از سیاست اخراج کنید، او از اقتصاد خروج خواهد کرد. فعالان اقتصادی از من می‌پرسند که ”چه دارایی‌هایی را بخرم و بگذارم و بروم؟” این پرسشی است که در ربع قرن گذشته برای نخستین بار از من پرسیده می‌شود و معنای تازه‌ای دارد که در گذشته ندیده بودم و نشان می‌دهد که اقتصاد ایران دارد وارد دوران تازه‌ای می‌شود. در زمان دولت آقای هاشمی سؤال سرمایه‌دار از یک مشاور اقتصادی این بود که کجا سرمایه‌گذاری تولیدی انجام بدهم؟ بروم بلوچستان که وام ترجیحی با سود سه درصد می‌دهند یا در اصفهان با وام ۱۲ درصد سرمایه‌گذاری کنم؟ . در زمان دولت آقای خاتمی پرسش فعال اقتصادی این بود که استان‌های محروم و وام کم‌بهره را رها کن؛ بگو در استان‌هایی مثل اصفهان یا تهران یا خراسان در چه حوزه‌ای سرمایه‌گذاری کنم؟ در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد پرسش فعالان اقتصادی این شد که تولید را رها کن؛ بگو سرمایه‌ام را طلا بخرم یا دلار یا زمین؟ همچنین سؤال کارآفرینان در دولت آقای روحانی این بود که بگو در کدام کشور همسایه سرمایه‌گذاری کنم؟ گرجستان، ارمنستان، امارات یا ترکیه؟ و در دو سال اخیر (دولت آقای رئیسی) پرسش این شده بود: خودم و سرمایه‌ام به چه کشوری برویم؟ این روند نشانه تخریب بلندمدت محیط کسب‌وکار در ایران است. در سه دهه گذشته به خاطر بی‌ثباتی‌های فزاینده اقتصادی و سیاسی و ابهام در افق اقتصاد و سیاست و افزایش مستمر ریسک و نااطمینانی (عدم اطمینان/ عدم قطعیت)، سرمایه‌گذار دائماً خود را سرگردان‌تر و پریشان‌تر یافته است و مجبور بوده برای گریز از مخاطرات حاصل از افزایش نااطمینانی، دائماً گزینه‌های کمتر و کمتری را در برابر خودش ببیند، تا جایی که به یک گزینه می‌رسد: خودم با سرمایه‌ام به کدام کشور بگریزم؟

می‌خواهم خلاص شوم. هیچ‌چیزی سر جای خودش نیست و هیچ افقی در برابرم نیست. زیر بار بی‌ثباتی‌های اقتصادی و سیاسی و فساد اداری و مداخلات دولتی خرد شده‌ام؛ دیگر توان ادامه ندارم. می‌خواهم از این کشور بروم، اما به خاطر تحریم‌های بانکی نمی‌توانم سرمایه‌ام را ببرم. می‌خواهم سرمایه‌ام را اینجا بگذارم و خودم بروم. به من بگو سرمایه‌ام را همین‌جا به چه دارایی‌هایی تبدیل کنم که امنیت داشته باشد، تا با خیال راحت بروم؟. این تصمیم نشانه «پایان عصر انتخاب» در اقتصاد ایران است. سرمایه‌گذار دیگر افقی برای سرمایه‌اش نمی‌بیند؛ می‌گوید پس بگذار خودم را آزاد کنم. من این وضعیت را آغاز مرحله «خروج از بازی به هر قیمتی» می‌دانم. یعنی بازیگر اقتصادی دیگر به هزینه خروج از بازی اقتصاد نگاه نمی‌کند او فقط تصمیم به‌خروج می‌گیرد. اتاق بازرگانی آخرین امید و ملجأ بخش خصوصی است. آخرین جایی است که می‌توانند کنار هم بنشینند و برای دردهایشان راهکاری بیابند. این نقطه همدلی و همزیستی را از بخش خصوصی نگیرید. بخش خصوصی به‌اندازه کافی خسته و دل‌شکسته است، آخرین نقطه

اعتماد و اتکایش را به آخرین نقطه فشار و زمینه‌ای برای تصمیم به خروج از بازی تبدیل نکنید. احزاب زمین‌گیر شده‌اند؛ فعالیت نهادهای مدنی و سمن‌ها امنیتی شده است؛ نهادهای سنتی و تاریخی بی‌هویت شده‌اند؛ نهادهای مدنی دیگر، مثل سازمان‌های نظام‌مهندسی و نظام پزشکی، رازیر کنترل حکومتی بردید؛ دو جا مانده است که هنوز رمقی دارد که مستقل از حکومت فعالیت کند: دانشگاه و بخش خصوصی. این روزها برای هر دو نقشه‌کشیده‌اند.

نمی‌دانم از این یکدست‌سازی چه خیری دیدند که دست برنمی‌دارند؟ آیا دولت یکدست و مجلس مطیع، مشکلات کشور را حل کرد؟ چرا هنوز متوجه نشده‌اند که مشکلات کشور را باید با مشارکت و همت همه جامعه و همه نهادهای مدنی حل کنند و نظام و دولت دیگر به‌تنهایی توان حل بحران‌ها را ندارند؟ اگر تب خروج در اقتصاد در گیرد ما با فروپاشی هم‌زمان اقتصاد و سیاست روبه‌رو می‌شویم؛ در این صورت حتی تأمین نیازهای ضروری زندگی مردم نیز ناممکن می‌شود. اگر فروپاشی اقتصاد پیش از فروپاشی سیاست شروع شود، فروپاشی سیاست، هم تسریع می‌شود و هم بسیار ویرانگر خواهد بود.

اقتصاد ذی نفعانه جایگاهی برای رشد بخش خصوصی ندارد!

پیمان مولوی عضوانجمن اقتصاددانان ایران

اگر نخواهیم شعاری صحبت کنیم باید ابتدا بپرسیم کدام بخش خصوصی؟ وقتی رتبه آزادی اقتصادی ایران در بین ۱۶۵ کشور دنیا ۱۵۹ است چگونه می‌توانیم از فعالیت‌بخش خصوصی حرف بزنیم. به عبارتی کشور ما با این رتبه جز ۱۰ کشور آخر دنیاست. ما در اندازه کشورهایی

مثل لیبی، آرژانتین، ونزوئلا، سودان، سوریه و زیمبابوه هستیم. رتبه ما در اجرای قوانین و مقررات ۱۳۰ است. در حوزه حفاظت از مالکیت دارایی‌ها ۱۴۵ است. در حوزه قدرت پول ۱۵۴ است و در حوزه تجارت خارجی یعنی واردات و صادرات و تعرفه‌ها و غیره از ۱۶۵ کشور دنیا رتبه ۱۶۴ را دارد. حال سوال اینجاست که کدام بخش خصوصی توانمندی می‌تواند در ساختاری که رتبه آزادی اقتصادی آن ۱۵۹ فعالیت کند؟ . اندازه دولت در این رتبه اقتصادی ۶۰ است به عبارتی برخلاف آنچه دولت در ایران بزرگ است این‌طور نیست بلکه آنچه در ایران بزرگ است ذی نفعان اقتصادی است که در حوزه‌های مختلفی حضور دارند. اقتصادی که در آن آزادی اقتصادی ۱۵۹ باشد یعنی این اقتصاد شدیداً ذی نفعانه است. رتبه اقتصاد دولت در ایران ۶۰ است در حالیکه در آمریکا ۸۴ است یعنی دولتی بودن اقتصاد آمریکا از ایران بیشتر است.

وقتی از کم شدن فعالیت بخش خصوصی صحبت می‌کنیم منظورمان مالکیت بخش خصوصی نیست چون این مالکیت وجود دارد منظور ما این است که آیا بدون ارتباط با تمامی این بخش‌ها و رتبه‌هایی که گفته شد آیا بخش خصوصی امکان بقا دارد واضح است که پاسخش خیر است. در اقتصاد ایران از زمانی که تحریم‌ها شروع شد فعالیت بخش خصوصی خیلی کم‌رنگ شد و این اقتصاد شدیداً ذی نفعانه شده است. ما شاهد گروه‌های دینفع در همه حوزه‌ها هستیم و ادامه همین روند منجر به حذف همان ته مانده‌های

”

وجود قوانین و مقررات مزاحم و متضاد، عدم اقبال بانک‌ها و مؤسسات مالی به سرمایه‌گذاری در این بخش به دلیل وجود بازارهای زودبازده و بازده بالاتر و وجود ذی نفعان قدرتمند در بخش واردات که رقابت را برای بخش خصوصی واقعی مشکل یا غیر ممکن نموده است نیز از چالش‌های موجود سد راه رشد بخش خصوصی بوده است

بخش خصوصی می‌شود و در بازار کسب و کارهایی شکل می‌گیرد و یا جایگزین می‌شود که ارتباط مستقیمی با آن اقتصاد ذی نفعانه داشته باشد. بخش خصوصی قابلیت رقابت با این بخش‌ها را نخواهد داشت و ته مانده بخش خصوصی واقعی در برابر گروه‌های اقتصادی قرار می‌گیرند که با منابع بانکی و رانت‌های متعدد در ارتباط هستند و این نابرابری منجر به تحلیل بخش خصوصی واقعی می‌شود.

در مجموع پیشران اقتصاد نه بخش خصوصی و نه بخش دولتی بلکه پیشران توسعه اقتصادی اولویت‌های اقتصادی است. باید اقتصاد در اولویت برنامه ریزی‌ها باشد. پیشران اقتصاد کاهش ریسک‌های کشوری، سیاسی و اقتصادی است. اولویت اقتصاد ایجاب می‌کند که آیا می‌خواهیم مانند کشور چین که اقتصاد دولتی و بازار آزاد دارد باشیم و یا مانند اقتصاد آمریکا که با اقتصاد غیردولتی و مبتنی بر بازار آزاد دارد را انتخاب کنیم. در تمام این گونه اقتصادها چیزی که باعث رشد وتوسعه می‌شود حضور شرکت‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی است، اگر در همین اقتصاد دولتی توانستیم اجازه رونق این بخش‌ها را داشته باشیم در آن زمان بخش خصوصی پیشران اقتصاد می‌شود و این هم در شرایطی است که اقتصاد در اولویت باشد. اگر اقتصاد در اولویت نباشد بخش خصوصی نمی‌تواند مسیر موفقی را طی کند و یا پیشران باشد.

توسعه صنایع پایین دستی و تولید محصولات با ارزش افزوده

محمدعلی مقدسی مشاور مدیرعامل پتروشیمی زاگرس

صنعت نفت و پتروشیمی ایران از جمله بزرگترین و مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است که تأثیر بسیار زیادی بر روی اقتصاد ملی و درآمدهای کشور دارد. این صنعت در زمینه تولید نفت، گاز طبیعی و محصولات پتروشیمیایی متنوعی فعالیت می‌کند که به عنوان منابع اصلی درآمدی کشور شناخته می‌شوند. با وجود تمام این امکانات و

منابع غنی، چشم‌انداز صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی در ایران همچنان با چالش‌ها و فرصت‌هایی روبرو است.

یکی از چالش‌های اصلی این صنعت وابستگی به قیمت‌های نفت در بازار جهانی است. تغییرات ناگهانی در قیمت نفت می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روی درآمدها و اقتصاد کشور داشته باشند. به همین دلیل، توسعه صنایع پایین دستی و تولید محصولات با ارزش افزوده می‌تواند به کشور کمک کند تا وابستگی به صادرات نفت را کاهش دهد و از سوی دیگر قیمت‌های بسیار متغییر در نرخ خوراک و سوخت مورد نیاز این صنایع، سرمایه‌گذاران را در سرمایه‌گذاری دچار تردید می‌کند. یکی دیگر از چالش‌ها در صنعت پتروشیمی تنوع محصولات است. با توجه به پتانسیل‌های بزرگ در تولید محصولات پتروشیمی ایران، تنوع بیشتر و توسعه محصولات با ارزش افزوده می‌تواند در آمد کشور را افزایش دهد. این حوزه شامل: تولید مواد شیمیایی پیشرفته، پلاستیک‌های با کیفیت بالا، و محصولات بازارهای جدید می‌شود. در این راستا، توجه به فناوری و به‌روزرسانی تجهیزات و فرآیندهای تولیدی نیز بسیار حیاتی است. توسعه فناوری‌های پیشرفته در صنعت نفت و پتروشیمی می‌تواند کارایی و کیفیت تولید را بهبود بخشد و باعث کاهش هدررفت‌ها و در نتیجه کاهش مصرف انرژی شود. در نهایت، حفظ محیط زیست و استفاده پایدار از منابع نیز از اهمیت ویژه‌ای در چشم‌انداز صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی ایران برخوردار است. اتخاذ استانداردهای بالاتر محیط زیستی و استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به کاهش آلودگی محیط زیست کمک کرده و تأثیرات منفی احتمالی این صنعت بر روی طبیعت را کاهش دهد. نگاه کارشناسی عمیق، بهره بردن از علوم تحقیق و تحلیل بازارهای داخلی و بین‌المللی همواره می‌تواند راهی برای توسعه صنایع پائین دستی باشد. همچنین هیچگاه از این موضع نباید غافل شد که کشورهای توسعه یافته همواره علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری و تمرکز بر حلقه‌های نهایی صنایع نفت و پتروشیمی هستند؛ زیرا هم ارزش افزوده بسیار بالایی دارد و هم با توجه به قوانین سختگیرانه محیط زیستی در آن کشورها، می‌توانند الزامات مورد نیاز را با هزینه بسیار کمتری نسبت به صنایع مادر رعایت نمایند. در نتیجه، چشم‌انداز صنایع پایین دستی نفت، گاز و پتروشیمی ایران به افقی وسیع از فرصت‌ها و چالش‌ها پیش روی این صنعت نگاه می‌کند. توسعه تنوع محصولات، بهبود فناوری، حفظ محیط زیست، و کاهش وابستگی به قیمت‌های نفت در بازار جهانی از مواردی هستند که به توسعه پایدار این صنعت و تحقق اهداف اقتصادی کشور کمک می‌کنند.

اهمیت تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت با رویکرد توسعه پایدار

محسن حائری نژاد – مدیر عامل شرکت توسعه فناوری های انرژی آرمان پاسارگاد

ایران یکی از منابع مهم انرژی در دنیا بشمار می رود وجود میدان های عظیم نفتی و گازی ایران را به یکی از کشورهای ژئوپلتیک در منطقه تبدیل کرده است. پس از سالها صنعت نفت نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصاد را دارد، از این رو روند شتابان توسعه اقتصادی و صنعتی در بسیاری از کشور های جهان و ایران تا حدود بسیار زیادی به این صنعت ارتباط دارد. ایران به عنوان یک

کشور رو به رشد دارای منابع غنی و بزرگ نفت و گاز است و با این پتانسیل بالقوه انرژی، به دلیل همجواری با منابع انرژی دریای خزر و خلیج فارس و نیز دسترسی به آبراه های بین المللی، برای مبادله انرژی از جایگاه بسیار ویژه ای در جهان برخوردار است. صنعت پتروشیمی، نقش پر اهمیتی در ایجاد ارزش افزوده منابع نفتی کشور (به عنوان یک ثروت دارایی) دارد. توسعه چشمگیر صنایع پتروشیمی در سالهای اخیر و رشد فزاینده ای که با راه اندازی پروژه های جدید پتروشیمی به لحاظ حجم و تنوع محصولات این صنایع حاصل می شود بستر مناسبی را برای توسعه صنایع پایین دستی به عنوان مصرف کنندگان محصولات پتروشیمی فراهم نموده است. توسعه فعالیت حوزه پایین دستی و مرتبط با نفت و گاز و پتروشیمی و تعامل و ارتباط بهتر صنایع بالا دستی و پایین دستی پتروشیمی ضمن ایجاد ارزش افزوده بالاتر ، زمینه بهتری را برای رقابت تولیدات داخلی در بازارهای جهانی فراهم خواهد کرد. یکی از موارد مهم جهت ایجاد ارزش افزوده در صنعت پایین دستی دسیتابی به تکنولوژی های جدید و لایسنس جهت تکمیل حلقه زنجیره ارزش است. دانش فنی در پالایشگاه های نفت و گاز، پتروشیمی، صنایع شیمیایی، میعانات گازی، معادن و بسیاری صنایع بزرگ دنیا رشد قابل توجهی نموده است. دست یابی به لایسنس License و دانش فنی مورد نیاز این پروژه ها برای صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی ایران بسیار حائز اهمیت می باشد.

تنوع سازی سبد محصولات پتروشیمی

جوادعشقی نژاد کارشناس بازار سرمایه

کشور ما از منابع عظیم نفت و گاز برخوردار است و از صادرکنندگان این حوزه به حساب می آید (مزیت رقابتی کشور). مقایسه نرخ خوراک پتروشیمی ها (خوراک گاز و مایع) نشانگر عدم استفاده بهینه از این مزیت رقابتی در ایران است. در حال حاضر قیمت گاز در هنری هاب آمریکا ۹ سنت می باشد در حالی که گازخوراک تحویلی به صنعت پتروشیمی در ایران در حدود ۱۵ سنت است. در بخش خوراک مایع تخفیف ۵ درصدی نسبت به قیمت های جهانی به مجتمع های پتروشیمی داده شده که پایین بودن این تخفیفات جذابیت سرمایه گذاری در این بخش را کاهش داده است. گپ تکنولوژیکی ایران با کشورهای همسایه که با کمک شرکتهای غربی عموماً از تکنولوژی روز دنیا استفاده می کنند و عدم استفاده بهینه از مزیت رقابتی در این صنعت باعث توانایی رقابت پایین با رقبا و کاهش سودآوری شرکت های فعال در این صنعت شده است. حاشیه سود و توان مالی پایین شرکتهامیل فعالین این صنعت به سرمایه گذاری در پایین دست صنعت پتروشیمی را کاهش داده است. به همین دلیل شرکتها صرفاً به ادامه فعالیت در همین وضعیت پرداخته و توجهی به تکمیل زنجیره ارزش خود ندارند.

توسعه صنعت پتروشیمی کشور با هدف متنوع سازی سبد محصولات، تکمیل زنجیره ارزش و جلوگیری از خامفروشی افزون بر اینکه نقش تعیین کننده ای در اقتصاد ایران دارد، می تواند سبب ارتقای جایگاه ایران در بازارهای منطقه ای و جهانی شود. از این رو، بر اساس لایحه برنامه هفتم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کل کشور ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی تا پایان این برنامه به سالانه ۱۳۱۵ میلیون تن می رسد که



نسبت به ظرفیت تولید حدود ۹۲ میلیون تنی کنونی نزدیک به ۴۳ درصد افزایش خواهد داشت.افزون بر این، با برنامه‌ریزی انجام‌شده به‌منظور اجرای طرح‌های تولید پروپیلن و زنجیره آن به‌عنوان محصولی راهبردی در صنایع پایین‌دستی، ظرفیت تولید پروپیلن و زنجیره آن نیز در انتهای برنامه هفتم توسعه به ۱۱۶ میلیون تن می‌رسد. هم‌اکنون ظرفیت تولید پروپیلن در صنعت پتروشیمی حدود یک میلیون تن در سال است و کل پروپیلن تولیدی در صنعت پتروشیمی در واحدهای پایین‌دست آن مصرف می‌شود، اما مقدار نیاز واحدهای مصرف‌کننده پروپیلن در ظرفیت اسمی بیش از ظرفیت تولید یک میلیون تنی این محصول در صنعت پتروشیمی است. علاوه بر نیاز داخلی به این محصول، پروپیلن و پلی پروپیلن از ارزش افزوده بالایی برخوردارند. محصول متانول نیز از جمله محصولات پتروشیمی است که در سال‌های پیش ظرفیت‌سازی بالایی برای تولید آن در کشور انجام شده است و اکنون بیشتر این محصول صادر می‌شود که با سرمایه‌گذاری در پلنتهای MTO و تکمیل زنجیره ارزش این محصول، ارز آوری بالایی برای کشور حاصل می‌شود. همچنین تا پایان برنامه هفتم توسعه، ظرفیت تولید پایین‌دستی زنجیره اتیلن به ۱۱.۹ میلیون تن و ظرفیت تولید پایین‌دستی زنجیره آروماتیک به ۳ میلیون تن خواهد رسید. رسیدن به اهداف ذکر شده در برنامه هفتم جز با تغییر نگرش متصدی این حوزه (وزارت نفت) نسبت به قیمت گذاری خوراک پتروشیمی ها و ایجاد مشوق های لازم برای سرمایه گذاری جدید در این حوزه دور از ذهن می‌باشد.

چابکی و انگیزه فراوان بخش خصوصی

مهرداد عباد-عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران

در کتب علمی، رشد اقتصادی معادل افزایش تولید کالا و خدمات در اقتصاد یک کشور است. رشد اقتصادی معمولاً بر حسب افزایش ارزش کل بازار کالاها و خدمات اضافی تولید شده با استفاده از معیاری بنام تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می گردد. چند ده سالی است که شوربختانه استراتژی تولید ایران بر مبنای خودکفایی و تولید همه محصولات بنا نهاده شده و باعث عدم شتاب گیری رشد اقتصادی شده است. با این استراتژی عملاً ضرب المثل همه کاره و هیچ کاره را اجرایی نمودیم چرا که کشور‌های در حال توسعه و توسعه یافته می دانند، با تمرکز بر تولید کالاهایی که می تواند برایشان مزیت رقابتی صادراتی داشته باشد توانسته اند در بخش های مورد نظر سهم بازار قابل توجهی داشته باشند. در کشور ما با عدم برنامه ریزی و تمرکز به این راه قدم گذاشتیم که کالاهای مختلف بی کیفیتی را تولید کنیم و با وجود قیمت گذاری های دستوری، کیفیت پایین و بسته بندی ضعیف نتوانیم بازارهای صادراتی قابل توجهی را تصاحب کنیم. در این بین به واسطه تحریم های چند ده ساله، فشار زیادی به اقتصاد ایران وارد شده که جبران آن و بازگرداندن قطار پیشرفت به ریل آن، درایت، مدیریت و تدبیر جدیدی را طلب می کند.

با توجه به اینکه بیش از هشتاد درصد اقتصاد ایران دولتی است شاید یکی از مهمترین عوامل در رشد تولید این بخش ها افزایش بهره وری و راندمان

تولید آنها است. همچنین اجرای پروژه های صنعتی سبز که باعث مصرف کمتر سوخت های فسیلی گردد نیز به طور غیر مستقیم به افزایش رشد اقتصادی کمک می نماید. همگان اطلاع دارند که به دلیل کمبود فن آوری، ماشین آلات مستهلک و قدیمی و مدیریت منابع انسانی و اجرایی ناکارآمد باعث شده که راندمان و کارآیی پایین بیاید لذا تمرکز بر بالا بردن آن مسلماً منافع زیادی برای کشور دارد. در اکثر کشورهای توسعه یافته جرقه ابتدایی رشد اقتصادی توسط شرکت های بخش خصوصی با حمایت خالصانه دولت هایشان بوده است و در این میان شرکت های کوچک و متوسط کمک شایانی به رشد اقتصادی کشورها نموده اند. شاید مهمترین آن کمک شرکت های کوچک و متوسط به رشد اقتصادی آلمان پس از جنگ جهانی دوم بود که با ایجاد شبکه ای قدرتمند توانستند اقتصاد آلمان را از خاک بر بام اروپا بنشانند. در ایران نیز احتمالاً نباید از این قاعده مستثنا باشیم

از طرف دیگر با توجه به رکود اقتصادی موجود، تحریم های بین المللی، عدم تمایل به سرمایه گذاری داخلی و خارجی، فرسودگی ماشین آلات، مسائل و مشکلات کارگری و کارمندی و عدم کفایت برخی مدیران و رویکردهای موجود نباید انتظار زیادی از افزایش تولید بخش دولتی (تولیدی که قیمت فروش آن از قیمت تمام شده پایین تر نباشد) داشت لذا پیشنهاد می شود همانند تمامی کشورهای در حال توسعه جهت نیل به اهداف توسعه اقتصادی کشور توجه و تمرکز ویژه‌ای به بخش خصوصی مخصوصاًسه حوزه شرکت های خیلی کوچک، کوچک و متوسط گردد.

تولیدات آینده این شرکت ها می تواند خون تازه ای به اقتصاد ما تزریق کند و تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد. ظرفیت تولید موجود قابلیت افزایش ندارد و تنها می بایست مراقب بود که میزان آن کاهش پیدا نکند.شرکت های خیلی کوچک و کوچک با توجه به چابکی و انگیزه فراوان در صورتیکه بیشتر مورد حمایت واقعی و نه شعاری قرار گیرند و از طرف دیگر نقشه راه تولیدات صنعتی تدوین گردد می توانیم شاهد رشد اقتصادی در میان مدت باشیم. موضوع توسعه پایدار و فعالیت های سبز چند ده سالی است که مورد توجه ویژه برخی دولت ها قرار گرفته است. وقوع تغییرات اقلیمی موجب سرعت عمل برخی از دولت ها شده و از طرف دیگر برخی از شعارهای محیط زیستی و سبز در شعارهای پوپولیستی خود استفاده می نمایند. دولت های ایران نیز گاهی معاهدات بین المللی که جهت توسعه پایدار بوده را امضا نموده اما در اجرای آن تلاش قابل توجهی ننموده اند. متأسفانه نقشه راه توسعه ایران، توسعه پایدار را به همراه نمی آورد همانطور که شاهد هستیم در برنامه توسعه پیش روی کشور تنها سه جمله در خصوص مسائل زیست محیطی پیشنهاد شده است. البته وجود تحریم ها شاید باعث و یا بهانه ای برای دولت های ایران بوده که در راه توسعه پایدار هزینه کمتری در بودجه های جاری کشور لحاظ‌نمایند.

در این فضا شاید مسئولیت بخش خصوصی نیز بیشتر باشد تا صنایع و تولید کنندگان بخش خصوصی که خود عامل ایجاد آلاینده های محیط زیستی هستند، در راه کاهش آلاینده های تولیدی خود و ایجاد توسعه پایدار در کسب و کار خود فعالیت نمایند و از طرف دیگر در حوزه ها و فناوری های جدید می بایست شرکت های دانش بنیان خصوصی ورود نمایند تا با فعالیت در حوزه های بازیافت و باز‌مصرف منابع و مواد مصرفی، بازجذب کربن، سوخت های فوق پاک جدید مانند هیدروژن و .. بتوانیم چرخ حرکت به

سمت توسعه پایدار را تکانی بدهیم.

شرط حیات پایین دستی ها

مجیدعباسپور-استاد دانشگاه و تحلیلگر حوزه انرژی

صنایع پایین دستی عمدتاً صنایعی هستند که به پتروشیمی منتهی می‌شوند. سیاستی که دولت در این راستا طراحی کرد ابتدا افزایش ۷ هزار تومانی قیمت صنایع بود که این تصمیم صنایع را با مشکلاتی مواجه نمود بنابراین دولت قیمت صنایع را کاهش داد. متأسفانه براساس سیاست هایی که در کشور داریم هرچه بتوانیم به سوخت مایع ارزش افزوده دهیم کاملاً منطقی است، اما مصرف روزانه ما نشان می دهد که سیاست های استفاده درست از انرژی را نداریم و سوخت مصرفی مرتباً افزایش پیدا می کند (آمار استفاده ۱۳۰ میلیون لیتر بنزین در روز که به سیستم حمل نقل و سوخت خودروها باز میگردد).

اگر با این میزان پیش رویم برای تامین سوخت خوراک پتروشیمی ها با مشکل جدی مواجه خواهیم بود. البته نمیتوان این موضوع را با یک سیاست بررسی کرد؛ چراکه در کنار یکدیگر معنا پیدا می کنند. مثلاً اگر بتوانیم در مصرف سوخت صرفه جویی کنیم این امکان وجود دارد که بتوانیم این میزان را به پتروشیمی و صنایع پایین دستی اختصاص و ارزش افزوده آن را چندین برابر افزایش داد. از این جهت، سیاستهایی مرتبط با بهینه سازی و تکنولوژی هایی که در این زمینه است از موضوعاتی است که باید به صورت جدی به آن توجه کرد. زمانی که نفت خام برای تبدیل به پتروشیمی ها عرضه می‌شود مراحلی را طی می‌کند که این مراحل حاوی استانداردهایی است، طبق تحقیقات صورت گرفته، استانداردهای مانسبت به استانداردهای جهانی دارای اختلاف ۲۵ تا ۳۰ درصدی است که نشان می دهد ما در صنایع به صورت بهینه عمل نمی کنیم.

موضوع دیگر که باید مورد توجه نهادهای بالادستی قرار گیرد، لزوم تامین انرژی مورد نیاز کشور از طریق انرژیهای تجدید پذیر است. نکته دیگر این است که باید رویکرد کشور به سمتی حرکت کند که بخشی از انرژی به ویژه برق از روش های دیگر تامین شود. اخیراً امریکا گزارشی منتشر کرد که بر طبق ان ۲۵درصد انرژی برق خود را از طریق انرژیهای تجدید پذیر و پنل های خورشیدی تامین می کنند. متأسفانه این میزان در کشور ما ۰.۰۸ درصد است، که این نشان می دهد که ما اغلب از سوختهای فسیلی برای تامین انرژی استفاده می کنیم. متأسفانه این مسئله موجب شده است که در تولید گازهای گلخانه‌ای در جایگاه ششم دنیا قرار بگیریم.

بنابراین اگر بتوانیم در مصرف و تامین سوخت تجدید نظر کنیم میتوانیم خوراک پتروشیمی ها را تامین کنیم که به دنبال آن پتروشیمی های کشور ناچار به قطعی برق و گاز در بحبوحه مصرف برق و گاز و زیان ناشی از آن نشوند. بالا بردن راندمان، افزایش چاه نفت نیز و تزریق دی اکسید کربن به چاه‌ها برای تقویت فشار از مسائل دیگری است که باید به انها توجه شود که اگر اجرایی شود میتوان امیدوار بود که صنایع پتروشیمی ها نیز به نحو مطلوب ادامه حیات دهند.

بگذارید بخش خصوصی راه خودش را برود

علیرضامنقبی-رئیس مجمع عالی واردات



رشد و توسعه اقتصاد یبدون حضور فعال بخش خصوصی امکان پذیر نخواهد بود.یک فعال بخش خصوصی از آنجایی که منفعت خود فکر می کند، قطعاً از مسیر و راهی خواهد رفت که هم خودش منفعتی که مدنظرش هست برسد و هم تلاش می کند یک اقتصاد پویا شکل بگیرد. اگر این کار را نکند اقتصاد از پویایی خارج شده و سودی برای او نخواهد داشت. امروزه اگر می‌بینیم اقتصاد کشور نابسمان و و دچار بی برنامهگی است؛ به این دلیل بوده که افرادی در بخش های اقتصاد فعالیت دارند، که جز منافع شخصی و خودشان یا سازمانی، هیچ چیز دیگری برایشان اهمیتی ندارد. چراکه درصورت شکست هزینه اش از جیب بیت المال پرداخت می شود. بنابراین منفعت جامعه برایشان اهمیتی ندارد. این درحالی است که اگر بخش خصوصی متضرر شود، باید هزینه آن را از جیب خود پرداخت کند.

مساله دیگر اینکه، در این چند دهه به ویژه در دولت فعلی مدام از شفافیت سخن می گویند، اما تنها در حد شعار و آثار آن را در هیچ سازمان، ارگان، بخش‌های خصولتی یا وابسته به دولت مشاهده نمی کنیم که یک بیلان شفاف ارائه دهند. به عنوان یک فعال اقتصادی درخواستم از دولتمردان و ارکان حاکمیتی این است که به اسم حمایت از بخش خصوصی، دست اندازهای متعدد پیش پای بخش خصوصی ایجاد نکنند و اجازه دهند بخش خصوصی راه خودش را برود.

دولتمردان باید این حق را به بخش خصوصی بدهند که فعالیت خود را داشته باشد، این درحالی است که امروز کاری کرده‌اند که بخش خصوصی

”

اتاق بازرگانی آخرین امید و ملجأ بخش خصوصی است.

آخرین جایی است که می‌توانند کنار هم بنشینند و برای

دردهایشان راهکاری بیابند. این نقطه همدلی و همزیستی

را از بخش خصوصی نگیرید. بخش خصوصی به‌اندازه کافی

خسته و دل شکسته است، آخرین نقطه اعتماد و اتکایش

را به آخرین نقطه فشار و زمینه‌ای برای تصمیم به خروج از

بازی تبدیل نکنید



www.amea-bitumen.com



www.amea-baseoil.com

MARK YOUR CALENDAR!

8th AMEA Bitumen & Base Oil Conference

Will be held on
November 22nd, 2023 in Mumbai, India

Organized By



www.amea-conferences.com

**BOOK NOW &
SAVE 20%**

Early Bird Fees!
Register by
October 12th, 2023

REGISTER BY: BITUMEN SHOP

+989128176903



BITUMENSHOP

مفلس است و فشار بر روی آن بسیار زیاد است. بنابراین دیگر نمی‌تواند پیشران باشد و خیلی هنر کند می‌تواند زیرساخت‌ها را درست کند، بنابراین این بخش خصوصی است که می‌تواند پیشران باشد. اما در اینجا لازم است که اشاره کنم بخش خصوصی ما با چندین مساله مواجه است، اول اینکه بسیار کوچک است و با بخش خصوصی کوچک نمیتوان به توسعه رسید. بنابراین باید بخشهای خصوصی کوچک را ادغام کنیم تا بزرگ شوند تا بتوانند به عنوان پیشران در توسعه اقتصادی ایران نقش موثری داشته باشند. گاهی این مسئله با همکاری شبکه‌های خارجی امکان پذیر است زیرا به این شکل راهیابی به بازارهای جهانی راحتتر خواهد بود. دوم اینکه دولت باید برخی قوانینی را وضع کند تا به این ترتیب انگیزه ادغام این بنگاه‌های کوچک افزایش یابد، همچنان که تعداد زیادی بیمه کوچک داریم که بانک مرکزی میتواند قوانینی وضع کند که آنها نیاز به سرمایه زیادی داشته باشند و به این شکل با یکدیگر ادغام شده و این سرمایه را تامین کنند. در این شرایط میتوان به اثر بخشی و پیشسازی بخش خصوصی در توسعه اقتصاد کشور امیدوار بود. درخصوص تعارض منافعی که بین بخش خصوصی و دولت وجود دارد، نیز ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اساسا دولت قرار نیست که کاسب و به دنبال انتفاع باشد، بلکه این مردم هستند که باید نفع ببرند. بنابراین اگر پروژه‌ای وجود دارد که هم بخش خصوصی و هم دولت می‌توانند آن را انجام دهند اولویت با بخش خصوصی خواهد بود از طرفی نیز دولت باید بابت خدمات خود از مردم مالیات اخذ کند و به دنبال نفع خود نباشد، بنابراین نیاز است که تعارض بین آنها به نفع بخش خصوصی باشد.

جایی برای تنفس نداشته و عملا در حال خفگی است. بخش خصوصی را به حال خود رها کنید، نیازی نیست که از آن حمایت کنید زیرا بخش خصوصی بلد است که چگونه با خودش رقابت و رفاقت کند. از طرفی، شاهد هستیم که عملا برخی از ارگان‌ها و سازمان‌ها سکانت اقتصاد کشور را به دست دارند، که نتیجه آن امروز در شاخص‌های اقتصادی، تولید و تجارت می‌بینیم. نه رقابتی در کار است و نه پویایی یا رشد و توسعه‌ای.

ادغام بخش‌های خصوصی کوچک، پیش شرط پیشسازی بخش خصوصی در توسعه اقتصاد

علی سرزعیم/اقتصاددان

دولتی که به دنبال کسب سود و منفعت خودش باشد، نمی‌تواند در توسعه اقتصادی کشور موثر باشد. از این منظر با ادغام بخش‌های خصوصی کوچک میتوان به پیشسازی این بخش در توسعه اقتصاد کشور امیدوار بود. اما اینکه چگونه بخش خصوصی میتواند در توسعه پایدار اقتصادی کشور پیشران باشد، باید توجه داشت که الگوهای متعددی در توسعه مطرح است، توسعه‌هایی که دولت در آن پیشران بوده و توسعه‌هایی که بخش خصوصی در آن پیشران است. به دلایل شرایطی که در آن قرار داریم دولت نمی‌تواند در توسعه کشور پیشران باشد، این موضوع به دلیل پول نفت در دهه ۷۰ شمسی بالعکس بوده و دولت میتوانست سرمایه‌گذاری کند. اما اکنون با دولتی مواجه هستیم که همواره کسری بودجه داشته،



پیام باقری، نایب رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در گفتگو با دنیای انرژی

بخش خصوصی با تعارضات متعددی در اقتصاد دولتی کشور مواجه است!



نکته بسیار کلیدی در تقویت بخش خصوصی کشور، اصلاح ساختارهای حکمرانی اقتصاد کشور است. به طور معمول بخش خصوصی

با تعارضات متعددی در اقتصاد دولتی کشور مواجه است.

فعالیت‌های بخش خصوصی به طور معمول متأثر از درآمدهای نفتی بوده است

علیرغم اینکه وظیفه اصلی دولت حمایت، هدایت و نظارت بر حسن انجام فعالیت هاست، اما متأسفانه حضورش در همه حوزه‌ها آنقدر ریشه دار شده که عملاً

رویکرد دولتی رایج نوعی فرهنگ کاری در کشور تبدیل کرده است. به نحوی که دولت در بالادست و بخش خصوصی در پایین دست قرار گرفته است

دلیل عدم تمایل سرمایه گذاران برای ورود به صنایع مختلف این است که در عمده بخش‌ها دولت رقیب اصلی آنها محسوب می‌شود.

گفت و گو – مریم میخانک بابایی

فعالیت بخش خصوصی از مولفه‌های اقتصاد توسعه به حساب می‌آید. اقتصاد دولتی در دنیا نتوانسته است مسیر توسعه را طی کند. دولت‌ها نقش راهبری و نظارت به حسن انجام کار را دارند و فراتر از آن فقط رسیدن به مسیر توسعه را با پیچ و خم مواجه می‌کند. اقتصاد ایران در شرایط حال حاضر که نیازمند سرمایه گذاری و حضور بیشتر بخش خصوصی است تا سرمایه‌ها در مسیر توسعه هدایت شود، با شرایط پیچیده تری نسبت به گذشته مواجه است. مقررات تنظیم شده برای تسکین موقت مشکلات اقتصادی از سوی دولت به کار گرفته می‌شود، اما این مقررات ممکن است شکاف بین بخش خصوصی و دولت را بیشتر کند. هر چه دولت برای حضور بخش خصوصی و تسهیل در فضای کسب و کار، مقررات تنظیم کند این در کلان اقتصاد راهبردی تر است و بر عکس آن هر چه دولت برای خود که نقش کارفرما را دارد مقررات وضع کند شاید در عمل مشکلاتش بر طرف شود اما به کم رنگ تر شدن حضور بخش خصوصی و سرمایه گذاری کمتر در حوزه انرژی و یا دیگر بخش‌ها دامن می‌زند. ما برای تحلیل و بررسی بیشتر گفتگویی را با پیام باقری نایب رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران انجام دادیم، او راهکار باز شدن گِره جدی اقتصاد دولتی و راه برون رفت از این وضعیت را بیشتر توضیح می‌دهد.

زمینه را برای تسریع و تسهیل توسعه فراهم می‌کنند. شرکت‌های کوچک و متوسط هم به ویژه در اقتصادهای نوظهور به عنوان موتور پیشران توسعه پایدار شناخته می‌شوند و از این رو سیاست‌های متعددی برای تقویت SMEها تدوین و پیاده سازی می‌شود. اتاق بازرگانی در جایگاه پارلمان بخش خصوصی همواره تلاش کرده ارتقاء جایگاه بخش خصوصی را به عنوان یکی از اهداف کلانی که تحقق آن، منافع ملی کشور را تأمین خواهد کرد، دنبال کند. نکته بسیار کلیدی در تقویت بخش خصوصی کشور، اصلاح ساختارهای حکمرانی اقتصاد کشور است. به طور معمول بخش خصوصی با تعارضات متعددی در اقتصاد دولتی کشور مواجه است. به بیان ساده تر علیرغم اینکه عمده قوانین در جهت حمایت از بخش خصوصی تنظیم

در حال حاضر با توجه به بحرانی بودن وضعیت اقتصاد کشور، شرایط بخش خصوصی را چطور ارزیابی می‌کنید؟
قاعداً وضعیت بخش خصوصی در صنایع مختلف، متفاوت است، با این حال پیش از هر چیز باید به این مساله توجه شود که در همه کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، اقتصاددانان و صاحب‌نظران این حوزه، بخش خصوصی را اساسی ترین رکن توسعه اقتصادی برمی‌شمردند و باور دارند که نباید و نمی‌توان از نقش این بخش در زیست بوم اقتصاد کشور‌ها چشم‌پوشی کرد. واقعیت این است که ظرفیت‌های بخش خصوصی در خلق ثروت، ایجاد ارزش افزوده و اشتغالزایی بسیار گسترده است و به واسطه همین ظرفیت‌ها، شرکت‌های پیشرو در بطن اقتصاد شکل می‌گیرند و

شده‌اند اما می‌بینیم که در اجرا با کاستی‌های جدی مواجه می‌شوند که در غالب موارد کارکردهای این قوانین را تضعیف کرده و یا از میان می‌برد. اقتصاد ما در سطح کلان، ساختارهایی دولتی دارد و به همین واسطه برای سال‌ها و دهه‌های متمادی از طریق وجوهات حاصل از فروش و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی اداره شده است. به این ترتیب که درآمدهای نفتی مستقیماً به بودجه کشور تزریق می‌شد و به همین دلیل فعالیت‌های بخش خصوصی به طور معمول متأثر از درآمدهای نفتی بود. رابطه دولت با بخش خصوصی طی این سال‌ها زیر سایه همین درآمدهای سرشار نفتی، در قالب کارفرما و پیمانکار شکل گرفت و در واقع دولت هیچوقت به بخش خصوصی به عنوان شریک تجاری یا سرمایه گذار نگاه نکرد. به همین دلیل زیرساخت‌های سرمایه گذاری و توسعه و تقویت بخش خصوصی از ابتدا به درستی در کشورمان شکل نگرفته است. در حوزه صنایع زیرساختی نظیر انرژی عمده قراردادهای به صورت B2G است که دولت را در جایگاه بهره بردار نهایی محصولات و خدمات بخش خصوصی قرار می‌دهد. در چنین فضایی، بخش خصوصی به طور کامل از سیاست‌های کارفرمای دولتی خود متأثر می‌شود. قطعاً اگر این سیاست‌ها با هدف تنظیم روابط فیما بین از طریق چارچوب‌های عادلانه و دوسویه قراردادی، روش‌مند کردن واگذاری امور به بخش خصوصی و نیز تنظیم مبادلات مالی با بخش خصوصی تدوین شود، قطعاً زمینه برای توسعه و تقویت فعالان اقتصادی فراهم خواهد شد. در غیر این صورت کمبودها و محدودیت‌های منابع دولتی در جایگاه کارفرمای بخش خصوصی، به طور عمده به این بخش تحمیل شده و همانطور که امروز شاهدیم، تأثیرات منفی بسیاری در روند فعالیت آن می‌گذارد.

این تحلیل شما در مورد دولت کارفرما و بخش خصوصی پیمانکار، هر فردی را به یاد این موضوع می‌اندازد که معمولاً کارفرماها تسلط مقتدرانه‌ای بر پیمانکاران دارند و پیمانکاران باید از کلیه تصمیمات کارفرماها تبعیت کنند و نمی‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها دخالت کنند؛ آیا منظور شما همین است؟

طبیعتاً بخش خصوصی و یا بنگاه‌های اقتصادی نمی‌توانند در تصمیم‌گیری‌های کلان دخالتی داشته باشد. اما اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌ها این امکان را دارند که بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور تأثیر بگذارند. به بیان ساده تر، بنگاه‌های اقتصادی که با دولت وارد معامله می‌شوند، به طور معمول نمی‌توانند بر شرایط مناقصه تأثیر بگذارند اما تمرکز موضوع در تشکل‌های اقتصادی می‌تواند امکان تأثیرگذاری بر حوزه‌هایی مانند شرایط مناقصات و یا ساختار قراردادهای را فراهم آورد. تشکل‌های اقتصادی و در راس آنها اتاق بازرگانی مأموریت‌های بنیادینی برای بهبود فضای کسب و کار بخش خصوصی دارند که تنها از مسیر تعامل با سازمان‌ها و نهادهای سیاستگذار امکان پذیر است. معرفی ظرفیت‌ها، انتقال انتظارات و رفع موانع پیش روی بخش خصوصی مهمترین مأموریت تشکل‌ها محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد که اتاق‌های بازرگانی در برخی موارد قادر به تغییر پارادایم‌های تصمیم‌گیری کشور به نفع بخش خصوصی نیستند؛ آیا این استدلال را قبول دارید؟

پیش از هر چیز باید این مساله را مد نظر قرار داد که مأموریت‌های اتاق بازرگانی به پشتوانه قوانین پشتیبان از جمله قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و با هدف استفاده حداکثری از قوانین موجود به منظور تقویت

ظرفیت‌های بخش خصوصی تعریف شده‌اند. مهمترین و اصلی ترین مأموریت اتاق بازرگانی، بهبود فضای کسب و کار بخش خصوصی از مسیر تسهیل روابط بین الملل، بهبود شاخص‌های خرد و کلان اقتصادی کشور، ایجاد گفت‌وگو مشترک با ذینفعان و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی کشور است. در حال حاضر بالغ بر ۵۷ هزار بنگاه اقتصادی و شخصیت حقوقی در سراسر کشور، مجموعه اعضای اتاق بازرگانی را تشکیل می‌دهند و اتاق تلاش می‌کند از طریق رایزنی، مذاکره، پیشنهاد راهکار و یا حتی ورود به فصول قانونگذاری روند فعالیت اعضای خود را تا حدی تسهیل کند. به عنوان مثال ما در حال حاضر در اتاق پیگیر پیشنهادهای هستیم که برای برنامه هفتم توسعه ارائه کردیم و امیدواریم از این طریق بتوانیم زمینه را برای تقویت بخش خصوصی و توسعه فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند.

در تدوین برنامه هفتم برای تسهیل کسب و کار در اتاق بازرگانی چه اقداماتی انجام شده است؟

بر اساس یک مجموعه اقدامات کارشناسی از تمام بخش‌ها یک بررسی دقیق و موسع صورت گرفته و پیشنهادات بخش خصوصی در تدوین برنامه هفتم توسعه در همه زمینه‌های آن لحاظ شده است و در این رابطه پیشنهادهای به مجلس ارائه شده و اتاق بازرگانی به عنوان نماینده بخش خصوصی در مجلس حضور دارد تا از احکام پیشنهادی دفاع کند و همانطور که نهادهای دیگری هم در مجلس حضور دارند تا از احکام خود دفاع کنند پیگیری این موضوعات هم از رسالت اتاق بازرگانی است.

بدون تردید دولت به خوبی از نقش و سهم بخش خصوصی در توسعه و پیشرفت کشور آگاه است، اما به نظر می‌رسد تعارض منافعی که به آن اشاره کردید، حکمرانی دولت را به نوعی تحت تأثیر قرار داده است؟

بله؛ کاملاً درست است. مساله اینجاست که تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای دولت در غالب موارد از مسیر مشارکت بخش خصوصی



رابطه دولت با بخش خصوصی طی این سال‌ها زیر سایه همین درآمدهای سرشار نفتی، در قالب کارفرما و پیمانکار شکل گرفت و در واقع دولت هیچوقت به بخش خصوصی به عنوان شریک تجاری یا سرمایه گذار نگاه نکرد. به همین دلیل زیرساخت‌های سرمایه گذاری و توسعه و تقویت بخش خصوصی از ابتدا به درستی در کشورمان شکل نگرفته است.

قابل اجراست. زیرا دولت منابع مالی و امکانات اجرایی کافی برای عملیاتی کردن پروژه‌های زیرساختی و ورود به همه حوزه‌های اقتصادی و صنعتی را ندارد و ناگزیر است در بسیاری از حوزه این امر را به بخش خصوصی بسپارد. با این وجود شاهد بوده‌ایم که طی سال‌های اخیر علیرغم ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ همچنان تصدی گری دولت در حوزه‌های متعدد اقتصاد کشور کاهش نیافته و حتی در برخی از حوزه‌ها دامنه فعالیت و تعداد دستگاه‌های اجرایی و حجم نیروی انسانی دولت افزایش هم یافته است. قاعدتا این مسیر نمی‌تواند به تقویت بخش خصوصی و شکل‌گیری روند توسعه پایدار، منسجم و فراگیر در اقتصاد کشور منجر شود. علیرغم اینکه وظیفه اصلی دولت حمایت، هدایت و نظارت بر حسن انجام فعالیت هاست، اما متأسفانه حضورش در همه حوزه‌ها آنقدر ریشه دار شده که عملاً رویکرد دولتی را به نوعی فرهنگ کاری در کشور تبدیل کرده است. به نحوی که دولت در بالادست و بخش خصوصی در پایین دست قرار گرفته و ارتباط این دو بخش در سایه کم توجهی به ضوابط، قوانین و سیاست‌ها شکل گرفته است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص تحقق ۳۰ درصدی برنامه ششم توسعه هم کاملاً موید همین مساله است. باور من این است که اگر قوانینی مانند سیاست‌های کلی اصل ۴۴، اقتصاد مقاومتی و امثالهم اجرایی می‌شدند، قطعاً امروز می‌توانستیم شاهد شرایط بسیار مطلوب تری در اقتصاد کشور باشیم. اما متأسفانه استمرار تصدی گری دولت در حوزه‌های متعدد با رویکرد کنترل بازار از طریق قیمتگذاری دستوری مساله‌ای است که اقتصاد را در وجوه مختلف با مشکل مواجه کرده است.

مداخله دولت در اقتصاد در برخی از موارد به منظور کنترل بازار صورت گرفته است. از دیدگاه شما این نوع مداخلات چه تاثیری بر اقتصاد کشور داشته‌اند؟

قطعاً نمی‌توان تنظیم بازار را به طور کلی یک سیاست نادرست دانست، اما این امر مستلزم اتخاذ راهبردهای هوشمند و کارآمد، خصوصاً در حوزه پولی و مالی است. کنترل بازار از طریق قیمتگذاری دستوری محصولات خروجی از کارخانجات، بدون تردید پویایی اقتصاد را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در واقع ما به جای آنکه مدیریت بازار را بر اساس سیاست‌های مالی و پولی اصلاح کنیم، این اقدام را با استقرار نظام قیمت گذاری دستوری از محیط کارخانه‌ها آغاز کرده و هزینه‌های آن را بر دوش بخش مولد کشور گذاشته‌ایم. بدون تردید چنین سیاستی در ساختارهای اقتصاد آزاد، فاقد کارآمدی‌های لازم است و به تضعیف بخش خصوصی منجر می‌شود. تطویل دوره بازگشت سرمایه در صنایع متعدد، به تدریج سرمایه‌ها را به سمت حوزه‌های غیرمولد سوق داده است. تغییر این روند مستلزم کاهش ریسک‌های سرمایه گذاری و جلب اطمینان بخش خصوصی برای ورود به صنایع و بخش‌های مولد است. اینکه امروز با بیش از ۸۰ هزار پروژه نیمه تمام در بخش‌های زیرساختی مواجهیم نشان می‌دهد که رویکرد دولت در تصدی گری، مداخله در اقتصاد و عدم اجرای دقیق و صحیح قوانین چه عواقب بحران زایی در پی دارد. گره اقتصاد ایران، با جذب سرمایه و تسهیل سرمایه گذاری باز می‌شود. ما فقط در حوزه انرژی شامل نفت، گاز، احداث پالایشگاه، نیروگاه‌ها، ترمیم شبکه برق کشور، سرمایه گذاری درافزایش راندمان نیروگاه‌ها، کاهش تلفات ظرفیت‌های گسترده توسعه‌ای داریم که به فعلیت رساندن آنها مستلزم تامین سرمایه است. امروز بسیاری

از کشورهای دنیا مساله جذب سرمایه را با جدیت دنبال کرده و با تسهیل گری، سرمایه گذاران را برای مشارکت در پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای ترغیب کرده‌اند. چرا که جذب سرمایه یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه و کلیدی ترین مسیر توسعه یافتگی است. در حال حاضر فقط در حوزه بالادست صنعت نفت نیازمند بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری جدید هستیم. در صنعت برق هم با توجه به ناترازی ۱۳ تا ۱۵ هزار مگاواتی برق و رشد سالانه ۵ تا ۶ درصدی مصرف با نیاز شدید به سرمایه گذاری مواجه هستیم. در حوزه گاز هم علیرغم دسترسی به منابع غنی گازی در کشور، با ناترازی جدی مواجهیم، چرا که سرمایه گذاری لازم برای استخراج مخازن گازی و همچنین واردات تکنولوژی‌های جدید انجام نشده است.

این شرایط را ناشی از تصدی گری دولت می‌دانید؟

بله؛ دولت ترجیح می‌دهد که همه امور حتی در حوزه تولید هم از مسیر انحصار اختیارات او گذر کند و به همین دلیل همواره این نگرانی را برای واگذاری امور به بخش خصوصی داشته که ممکن است این بخش توانایی اداره امور محوله را نداشته باشد. نکته دیگر اینکه دولت به شکل مستمر در حال بزرگ تر شدن است. زمانی برخی از وزارتخانه‌ها در هم ادغام می‌شدند تا تصدی گری دولت کاهش پیدا کرده و زمینه برای کوچکتر و چابک تر شدن آن فراهم شود. در واقع این اقدام برای محدود شدن ماموریت‌ها، اقدامات و حوزه تصدی گری دولت انجام شده بود اما در نهایت بی نتیجه باقی ماند. نکته مهم این است که تقویت بخش خصوصی موضوعی است که در بیانات مقام معظم رهبری هم بارها به آن اشاره شده که لازم است تمام ظرفیت‌های کشور در این مسیر بسیج شوند. دلیل عدم تمایل سرمایه گذاران برای ورود به صنایع مختلف این است که در عمده بخش‌ها دولت

رقیب اصلی آنها محسوب می‌شود. به طور قطع رقیبی که به تمام ابزارها و امکانات مجهز است، می‌تواند سرمایه گذاران بخش خصوصی را از گردونه خارج کند. از این رو اگر به دنبال توسعه سرمایه گذاری در کشور هستیم، پیش از هر اقدامی باید دولت را از فضای رقابتی با بخش خصوصی خارج کرده و آن را بر حکمرانی و سیاستگذاری متمرکز کنیم.

به نظر می‌رسد از مسیر تقویت بورس به عنوان بازاری که مبتنی بر عرضه و تقاضاست و فضایی کاملاً شفاف برای سرمایه گذاران خرد و کلان دارد، می‌تواند ما را به سمت اقتصاد آزاد سوق دهد، اما می‌بینیم که دولت بر همین بازار سرمایه هم نظارت و تاثیرگذاری دارد. نظر شما در این زمینه چیست؟

در کشورهایی با اقتصاد پیشرفته، بازار سرمایه عمدتاً بر بازار پولی غلبه دارد و عمده توسعه زیرساختی از مسیر بازار سرمایه اتفاق می‌افتد. چرا که منابع مالی برای توسعه زیرساخت‌ها از طریق بورس فراهم می‌شود. اما متأسفانه در کشور ما سیستم بانکی هدایت بازار را در دست گرفته و عمده بخش تامین سرمایه از مسیر بازار پول انجام می‌شود. بورس در کشورهای توسعه یافته یکی از قدرتمندترین مراکز تامین مالی محسوب می‌شود اما در ایران ما هنوز هم برای توسعه بازارهای سرمایه راه درازی را در پیش داریم. چرا که ابتدا برای تامین مالی بر بازار پول متکی بوده‌ایم و سرمایه‌ها عمدتاً از طریق سیستم بانکی تامین می‌شود. به همین دلیل است که امروز عدم همراهی سیستم بانکی برای تامین مالی پروژه‌های نیمه تمام، عملاً کشور را با مشکلی جدی در توسعه زیرساختی مواجه کرده است. نکته اینجاست که ماموریت بانک‌ها تغییر کرده، به نحوی که بانک بیشتر مالک پروژه‌ها و طرح‌ها است و بی



مساله اینجاست که تصمیمات و سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای دولت در غالب موارد از مسیر مشارکت بخش خصوصی قابل اجراست. زیرا دولت منابع مالی و امکانات اجرایی کافی برای عملیاتی کردن پروژه‌های زیرساختی و ورود به همه حوزه‌های اقتصادی و صنعتی را ندارد و ناگزیر است در بسیاری از حوزه این امر را به بخش خصوصی بسپارد.

توجه به سیاست‌های کلان کشور، به حوزه‌هایی ورود می‌کند که برای خودش هم سودآور باشد. نتیجه اینکه عمده سرمایه گذاری‌ها در حوزه ساختمان و یا فروشگاه‌ها با مشارکت بانک‌ها انجام می‌شود اما در صنایع زیرساختی کمتر شاهد این همراهی بوده‌ایم.

البته من همچنان بر این باورم که اگر بورس را با راهبری صحیح و شفاف و همزمان با کوچک سازی دولت و رونق بخشی و بنگاه‌های اقتصادی تقویت کنیم، می‌توانیم شاهد تحولات گسترده‌ای در اقتصاد کشور باشیم. این مهم اما مستلزم خروج دولت از تصدی گری است. شکل گیری بازارهای مبتنی بر عرضه و تقاضا، عدم مداخله دولت در قیمت گذاری و تنظیم بازار، پیش شرط‌های بازگشت سرمایه به بخش‌های مولد است.



ایمان ناصری، مدیر بخش خاورمیانه شرکت بین المللی FGE در گفتگو با دنیای انرژی

بازی جهانی نفت برهم خورد مهره‌ها از نو چیده شدند!

گفت وگو- پونه ترابی



حرکت دنیا به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر برای تولیدکنندگان منابع فسیلی در درازمدت یک تهدید است اما این تهدید در ابتدا دامن نفت‌های گران مانند کانادا، برزیل، مکزیک و... را خواهد گرفت. شاید تا صد سال دیگر تقاضا برای نفت‌های خاورمیانه من جمله ایران وجود داشته باشد، اما با کاهش میزان تقاضا قیمت واقعی نفت پایین‌تر از قیمت‌های امروز خواهد بود تاریخ، ثبات روزگار طلای سیاه را به یاد ندارد، سرنوشت این ماده جادویی، از ابتدا تا کنون همواره زیر سایه سیاست و روابط بین کشورها دستخوش تغییر بوده و تحولات اخیر نیز مهر تاییدی بر این مدعی است. شاید بتوان گفت منشأ تحولات بازار جهانی نفت، این بار روسیه یا به عبارت دقیق‌تر جنگ روسیه و اوکراین است. جنگی که کم‌تر کسی گمان می‌کرد حتی به یک سال بکشد اما جهان همچنان نظاره‌گر این منازعه است. آنچه که باعث اهمیت این جنگ در بازار نفت می‌شود، نقش مهم روسیه در تامین نفت و گاز جهان و تحریم این کشور توسط اروپا است. می‌توان گفت این جنگ پازل روابط چند ساله در بازار جهانی نفت را برهم زد و مهره‌های بازی از نو چیده شدند. از سوی دیگر پافشاری عربستان بر ادامه روند کاهش تولید نفت، باعث شده است قیمت جهانی نفت برای کاهش پافشاری کند و به کم‌تر از ۹۰ دلار نرسد. اما اتفاق جدید دیگری که پرونده آن دوباره و به تازگی باز شده و می‌تواند روی معاملات تاثیرگذار باشد، افزایش تولید و صادرات نفت ایران است؛ اراقمی که هر چند چندان شفاف نیستند اما نام نفت ایران را مجدد بر سر زبان‌ها انداخته‌اند. جزئیات این تحولات از نگاه ایمان ناصری، مدیر بخش خاورمیانه شرکت بین المللی FGE به تفصیل شرح داده شده است که در ادامه می‌خوانید:

اخیرا شاهد افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی بودیم؛ بر این اساس پیش‌بینی شما از قیمت نفت در آینده چیست؟ به نظر شما روند صعودی قیمت نفت ادامه‌دار خواهد بود یا بازار به تعادل می‌رسد؟

قیمت نفت به دو دلیل در بازه ۹۰ تا ۹۵ دلار در حرکت است؛ دلیل نخست اعلام عربستان برای تمدید مدت کاهش اختیاری سقف تولید خود تا پایان ماه دسامبر به میزان یک میلیون بشکه در روز است. دلیل دیگر این است که طبق آمار و ارقام، میزان تقاضای چین به نفت افزایش یافته است. ادامه این فضا می‌تواند قیمت‌ها را به بالای صد دلار برساند. البته قیمت‌های صد دلار به عنوان قیمت ثابت و پایدار نخواهد بود و آن چیزی که قیمت پایدار نفت را تعیین می‌کند، نهایتا میزان عرضه و تقاضا نه تاثیر اخبار مثبت و منفی بر خوانش بازیگران از وضعیت بازار است.

چه اتفاقی می‌تواند میزان عرضه را در بازارهای جهانی افزایش و در نتیجه قیمت را کاهش دهد؟

عاملی که می‌تواند قیمت نفت را به زیر ۹۰ دلار برگرداند، میزان ظرفیت مازاد اوپک است، درحال حاضر با کاهش تولید نفت عربستان و کشورهایی که به طور اختیاری ظرفیت تولید خود را کاهش دادند،

ظرفیت مازاد اوپک به ۵.۵ میلیون بشکه در روز رسیده است. درواقع کاهش تولید نفت از سوی عربستان از یک سو و استفاده از ظرفیت مازاد اوپک از سوی دیگر در بازار تعادل ایجاد کرده و باعث می‌شود قیمت نفت برنت به ۸۵ تا ۹۰ دلار بازگردد.

بر این اساس قیمت نفت در سال آینده چقدر خواهد بود؟ قیمت نفت در سال آینده بسته به حرکت اوپک و عربستان بین ۸۵ تا ۹۰ دلار خواهد بود.

به نظر شما دلیل و هدف عربستان برای کاهش تولید نفت چیست؟

عربستان نیز مانند سایر کشورهای تولیدکننده، تولید خود را با توجه به خوانشی که از بازار جهانی دارد کاهش یا افزایش می‌دهد. عربستان مستقل از پیش‌بینی اوپک، پیش‌بینی کرده است که بازار با یک میلیون بشکه در روز مازاد عرضه مواجه است. به طور کلی نگاه به برقراری تعادل در بازار نفت می‌تواند به نوع نگاه به حرکت میزان حجم انباشته شده در مخازن بستگی داشته باشد. یکی از توجیهات عربستان برای کاهش تولید این است که از یک طرف تولید در کشورهای غیراوپک پلاس

بیشتر بوده واز طرف دیگر میزان مصرف در چین و سایر بازارهای عمده مصرفی، به اندازه‌ای که انتظار می‌رفت نبوده است. بنابراین بازار کشش این مقدار از عرضه را ندارد و برای برقراری تعادل باید میزان تولید را کاهش داد. در این راستا عربستان در ابتدا قرار بود تا دوماه میزان تولید خود را کاهش دهد، اما این کاهش تولید را در دو مرحله برای چهار ماه دیگر تمدید کرد و قرار شد کاهش تولید را شش ماه ادامه دهد. باید به این نکته توجه داشت که عربستان و روسیه در سال‌های اخیر نقش محوری و کلیدی در اوپک داشتند و درحالی که برخی عربستان را به این متهم می‌کنند که این کشور به دنبال قیمت‌های بالای نفت است، اصرار عربستان بر این بوده است که به دنبال قیمت‌های بالا نیست و با هدف برقراری تعادل در بازار حرکت می‌کند. عربستان بر این موضوع تاکید دارد که تعیین قیمت در دستان این کشور نیست.

در این میان، اخباری مبنی بر افزایش تولید و صادرات نفت توسط ایران به گوش می‌رسد؛ به نظر شما انتشار چنین اخباری روی آینده بازار نفت چه تاثیری دارد؟

به دلیل تحریم‌ها درمورد میزان تولید و صادرات نفت ایران آمار رسمی منتشر نشده است. تاثیر عدم قطعیت میزان نفتی که ایران وارد بازار می‌کند، حتی از قطعیت کاهش یک میلیون بشکه در روز عربستان بیشتر است. در حالی که تخمین ما از وضعیت ماه‌های اخیر صادرات نفت خام و فرآورده ایران حدود ۲.۵ میلیون بشکه در روز است، از طرف دیگر برخی ارزیابی‌ها بر این باورند که ایران در بهترین حالت می‌تواند ۱.۵ میلیون بشکه در روز صادر کند و تفاوت این دو رقم می‌تواند روی نگاه بازیگران به بازار تاثیرگذار باشد.

میزان تولید نفت ایران را چقدر ارزیابی می‌کنید؟ میزان تولید نفت ایران بین ۳.۲ یا ۳.۳ بشکه در روز است. درحال حاضر حساسیت نسبت به اعلام میزان تولید نفت ایران کم‌تر شده و این میزان تولید منطقی به نظر می‌رسد و در گزارش‌های ثانویه اوپک نیز به آن اشاره شده است. اما میزان صادرات نفت ایران در برقراری تعادل در بازار اهمیت پیدا می‌کند. طبق رصد کشتی‌ها و میزان مصرف داخل، به نظر می‌رسد میزان صادرات نفت خام ایران ۱.۵ میلیون بشکه در روز است. از سوی دیگر صادرات ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه میعانات گازی و حدود یک میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی، میزان کل صادرات نفتی ایران را به روزی ۲.۵ تا ۲.۶ بشکه در روز می‌رساند. البته برخی از افراد نیز به شدت اغراق‌آمیز درمورد صادرات نفت ایران صحبت می‌کنند و میزان صادرات نفت خام را بیش از ۲ میلیون بشکه در روز (که به معنای حجم کل صادرات بالغ بر ۳.۲ میلیون بشکه در روز است) تخمین می‌زنند.

با توجه به اینکه ایران از تعهدات کاهش تولید اوپک معاف بود، به نظر شما افزایش میزان تولید و صادرات نفت ایران، از سوی اعضای اوپک واکنشی در پی نخواهد داشت؟

ایران از تعهدات کاهش تولید اوپک تا زمانی که تحریم‌ها برقرار باشد، معاف است. مگر اینکه بین کشورهای عضو این اجماع حاصل شود که از آنجایی که میزان تولید و صادرات نفت ایران به سال‌های قبل از تحریم

نزدیک شده است، باید تعهد کاهش تولید نیز توسط این کشور اجرا شود. اما موضوع مهم آن است که مبنایی برای میزان تولید و صادرات نفت ایران وجود ندارد و بعید است تعهد کاهش تولید برای ایران نیز اجرا شود.

به نظر شما چه دلیلی باعث شده است حساسیت‌های تحریمی درمورد تولید و صادرات نفت علیه ایران کاهش پیدا کند؟

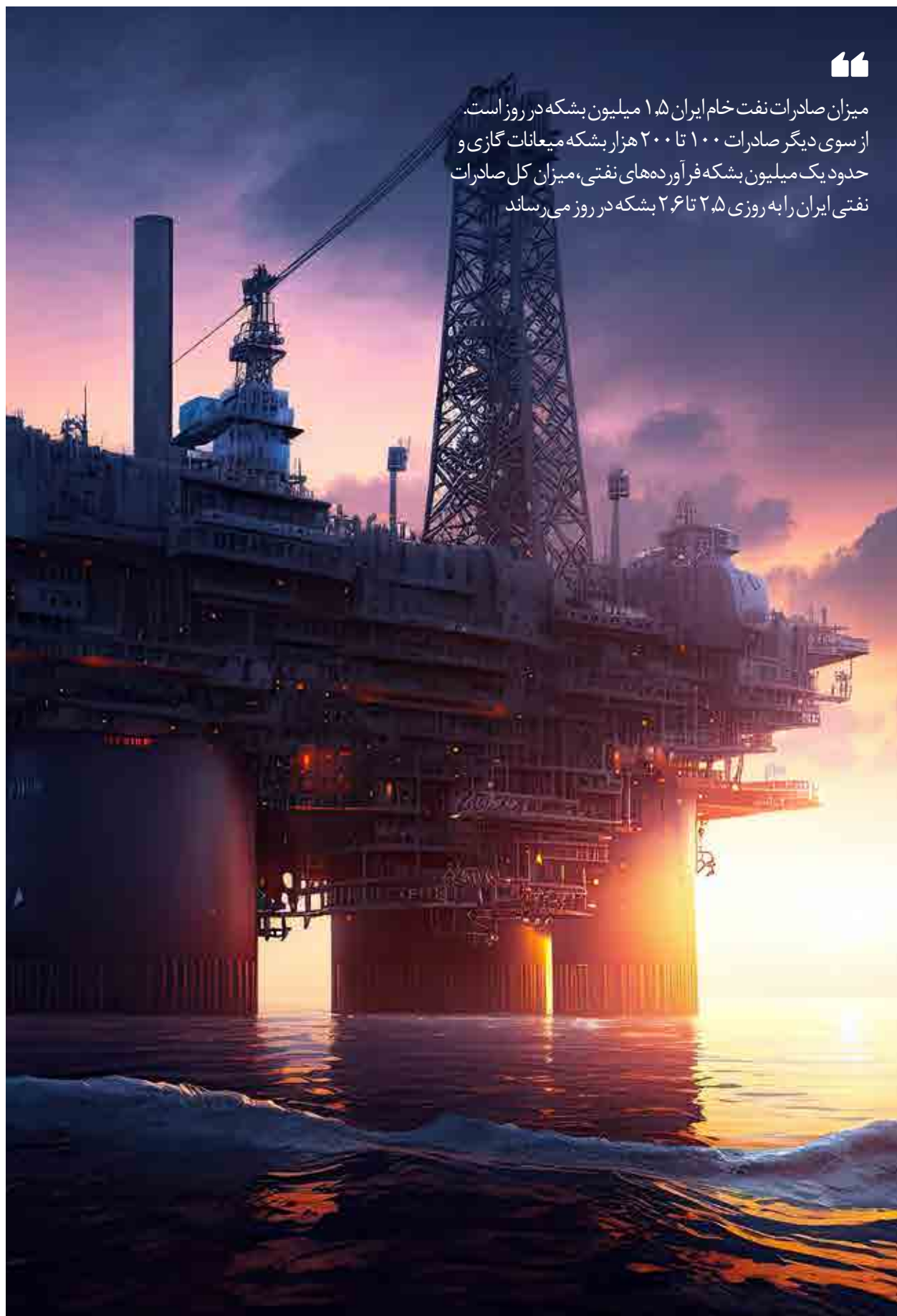
باید گفت سخت‌گیری آمریکا کم‌تر شده است و وضعیت بحرانی بازارهای انرژی در یک سال اخیر پس از جنگ روسیه و اوکراین و تمایل آمریکا و اروپا در برگرداندن برخی از بشکه‌های تحریمی به بازار در ازای حذف برخی بشکه‌های روسی و کمک به کاهش قیمت هم می‌تواند به این موضوع کمک کرده باشد؛ ایران و آمریکا اخیرا در زمینه تبادل زندانی و طلب‌های ایران مذاکراتی داشتند و احتمالا در حاشیه این مذاکرات توافقاتی صورت گرفته است. حتی شاید صحبتی مبنی بر اینکه آمریکا فعلا تحریم جدید علیه ایران اعمال نخواهد کرد، صورت گرفته باشد. این موضوع می‌تواند برای خریداران جدید نفت ایران یک ضمانت باشد مبنی بر اینکه خریداران نفت ایران وارد لیست تحریم نخواهند شد. البته نباید از این موضوع چشم‌پوشی کرد که ایران به مشتریان خود تخفیف هم می‌دهد. بر بازار پوشیده نیست که چینی‌ها بعد از جنگ روسیه و اوکراین درخواست تخفیف بیشتری از ایران کردند و این تخفیف می‌تواند بازار نفت ایران را در آسیا گسترش دهد.

میزان تخفیفی که ایران به مشتریان خود می‌دهد چقدر است؟ گفته می‌شود ایران بیش از ۱۰ دلار به ازای هر بشکه در مقصد به مشتریان نفت خود تخفیف می‌دهد. البته شنیده‌ها از میزان تخفیف در محل دریافت (چین) به خریداران، بسته به وضعیت بازار در سال گذشته بین ۱۵-۵ دلار متغیر بوده است.

با توجه به سرمایه‌گذاری کشورها در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، به نظر شما سوخت‌های فسیلی تا چه زمانی در دنیا مورد استفاده قرار خواهند گرفت؟

به طور کلی یک تفاوت بزرگ طی چند سال گذشته در رویکرد کشورهای اوپک و کشورهای تولیدکننده سوخت‌های فسیلی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر را شاهد هستیم. باید گفت انرژی‌های تجدیدپذیر همیشه با مشکل اقتصاد پروژه روبه‌رو بودند و به دلیل اینکه هزینه تمام شده آن‌ها بالا است، برخی از این منابع از لحاظ قیمتی در جایگاه دوم یا سوم نسبت به سوخت‌های فسیلی قرار می‌گیرند. حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر با توجه به جنگ روسیه و اوکراین در اروپا شدت گرفته است، زیرا کشورهای اروپایی خود را زندانی گاز روسیه دیدند.

واکنش کشورهای عضو اوپک و کشورهای تولیدکننده نفت به حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر چه بوده است؟ کشورهای اوپک و کشورهای تولیدکننده نفت، طی چند سال اخیر تصمیم گرفتند به کمپین حرکت به سمت انرژی‌های تجدید پذیر بپیوندند. اما به جای اینکه اعلام کنند درحال حرکت به سمت این انرژی‌ها هستند، هدف خود را دوری از آلایندگی اعلام کرده‌اند. درواقع



میزان صادرات نفت خام ایران ۱,۵ میلیون بشکه در روز است. از سوی دیگر صادرات ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه میعانات گازی و حدود یک میلیون بشکه فرآورده‌های نفتی، میزان کل صادرات نفتی ایران را به روزی ۲,۵ تا ۲,۶ بشکه در روز می‌رساند

کننده‌های قدیمی این بازارها ارائه می‌کند و جای خود را در بازارهای اصلی نفت خام از جمله چین و هند باز کرده است. در این میان همیشه این ریسک وجود داشته است که اگر روسیه عاقدانه صادرات را قطع کند، می‌تواند روی بازار تاثیر بگذارد و قیمت‌ها را حتی تا ۲۰۰ دلار هم بالا ببرد، درواقع در چنین شرایطی سقفی برای قیمت وجود ندارد.

تحریم روسیه از سوی آمریکا و اروپا چقدر روی مبادلات انرژی دنیا تاثیرگذار بوده است؟

اگر تحریم‌هایی که روی روسیه اعمال شد مانند تحریم‌هایی بود که علیه ایران و ونزوئلا اعمال شده است، یعنی تحریم مالی برای خریداران، می‌توانست تاثیر زیادی بگذارد. اما نوع تحریمی که علیه روسیه اعمال شد جور دیگری بود و اروپا و آمریکا مایل بودند نفت روسیه با قیمت پایین‌تری به بازار عرضه شود تا درآمد روسیه کاهش یابد. البته در آن سوی ماجرا نیز اروپا هم به دلیل اینکه نفت را از سایر تامین‌کننده‌ها گران‌تر می‌خرد، به نوعی جریمه پرداخت می‌کند.

چین و هند در کجای این ماجرا قرار دارند؟

چین و هند تقریباً خریدار همه آنچه هستند که قبل از آغاز این ماجرا توسط اتحادیه اروپا و کشورهای آسیایی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی خریداری می‌شد. یعنی این دو کشور به تنهایی تمام آنچه که قبلاً اروپا، کره و ژاپن می‌خریدند را می‌خرند. در این میان هند حدوداً دو میلیون بشکه در روز خریداری می‌کند، درحالی که این میزان قبل از جنگ صفر بود. چین هم پیش از این خریدار نفت روسیه از طریق خط لوله و سواحل شرق روسیه بود اما اکنون حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز بیشتر از طریق دریا و غرب روسیه خریداری می‌کند. بنابراین چین و هند در روز ۲,۵ میلیون بشکه از روسیه نفت خام می‌خرند.

فرآورده چطور؟

فرآورده‌های روسیه به یک مقصد مشخص نمی‌رود. برای مثال عربستان بخشی از فرآورده‌های روسیه را با تخفیف از روسیه می‌خرد. همچنین بندر فجیره در امارات عربی متحده، ترکیه، برزیل و کشورهای واردکننده آمریکای لاتین و آفریقا هم خریدار بخشی از فرآورده‌های نفتی روسیه که قبلاً به اروپا و آمریکای شمالی می‌رفتند، هستند.

با وجود این اتفاقات، گاز اروپا از کدام بازارها تامین می‌شود؟

گازی که اروپا از روسیه دریافت می‌کرد از طریق خط لوله و LNG بود که البته صادرات LNG از روسیه به اروپا همچنان ادامه دارد. اما افت شدیدی که در واردات گاز خط لوله از روسیه بعد از جنگ حاصل شده است از طریق افزایش میزان خرید LNG نه تنها از قطر بلکه تمام تامین‌کننده‌های LNG من جمله آمریکا جبران شده است. افزایش مصرف LNG توسط اروپا باعث شده است قیمت آن افزایش یابد و تقاضای سایر کشورها کم شود. از سوی دیگر کاهش تقاضای اروپا به گاز از طریق سیاست‌های جایگزینی با نفت یا کاهش مصرف و صرفه جویی و البته ورشکستگی یا خروج برخی از صنایع از اروپا رخ داده است. در این میان آفریقا هم در تامین گاز اروپا از طریق خط لوله نقش محدودی بازی می‌کند.

این کشورها کمپین تشویق به استفاده از تکنولوژی‌های پاک‌در مصرف سوخت‌های فسیلی را جایگزین کمپین حذف سوخت‌های فسیلی که هزینه بسیار هنگفتی را برای کشورهای در حال توسعه و کم‌درآمد به دنبال دارد کرده اند. در سال‌های اخیر عمان، امارات، قطر و عربستان بیشتر و بحرین، ایران و عراق کمتر به این سمت حرکت کرده‌اند.

عمر استفاده از انرژی‌های فسیلی در دنیا چقدر است و نفت و گاز تا چه سالی در دنیا خریدار دارند؟

تا دهه ۲۰۴۰ یعنی ۱۵ تا ۲۰ آینده نقش سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی و تولید با کند و متوقف شدن رشد تقاضای نفت به مرور کم‌رنگ خواهد شد اما از دهه ۴۰ به بعد با سرعت و شدت بیشتری از حجم تقاضای فعلی نفت کاسته می‌شود. تقاضای نفت در سال ۲۰۵۰ برابر با سال ۲۰۱۹ و حدود ۱۰۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود. به طور کلی حرکت دنیا به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر برای تولیدکنندگان منابع فسیلی در درازمدت یک تهدید است اما این تهدید در ابتدا دامن نفت‌های گران مانند کانادا، برزیل، مکزیک و... را خواهد گرفت. شاید تا صد سال دیگر تقاضا برای نفت‌های خاورمیانه من جمله ایران وجود داشته باشد، اما با کاهش میزان تقاضا قیمت واقعی نفت پایین‌تر از قیمت‌های امروز خواهد بود.

به سراغ نفت روسیه و تاثیرات جنگ این کشور با اوکراین روی بازارهای جهانی نفت برویم، به نظر شما جنگ مذکور چه تاثیری روی بازارهای جهانی داشت؟

روسیه یکی از تامین‌کننده‌ها و صادرکنندگان بزرگ نفت و گاز به دنیا محسوب می‌شود، به طوریکه میزان صادرات نفت خام، فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی روسیه در صدر جدول صادرکنندگان انرژی است. بازارهای هدف این کشور عمدتاً اروپا و آمریکا بودند که با آغاز جنگ روسیه و ادامه‌دار شدن، تصمیم گرفتند روسیه را به خاطر این تهاجم تحریم و خرید نفت خام، فرآورده‌های نفتی و گاز را از روسیه محدود کنند. البته شروع بازی با ابزار انرژی را ابتدا روسیه با کاهش حجم گاز صادرات آغاز کرد اما ضربه دوم در این جنگ را طرفی از مناقشه انجام داد که خط لوله انتقال گاز از روسیه به اروپا را منفجر کرد و باعث شد حجم قابل توجهی از صادرات روسیه به اروپا از بین برود. هنوز هم مشخص نیست چه کسی این کار را انجام داد. برخی معتقد هستند خود روسیه این کار را انجام داد تا صادرات گاز به اروپا را به صورت غیرعاقدانه قطع کند؛ اما برخی دیگر بر این باورند که آمریکا این کار را انجام داد، زیرا آمریکایی‌ها از برنده‌های بازی دعوای گازی روسیه و اروپا بود.

کاهش صادرات گاز از روسیه به اروپا چه تبعاتی در پی داشت؟

کاهش حجم گاز ارسالی روسیه به اروپا به همراه تحریم خرید فرآورده‌های نفتی و نفت خام از سوی آمریکا و اروپا از روسیه باعث شده است بازار انرژی به دلیل اهمیت این بازیگر از لحاظ سهم بازار، بازار دچار تلاطم شود و این تلاطم باعث شده است تجارت نفت خام، فراورده و گاز طبیعی (به صورت LNG) در دنیا دستخوش تغییرات اساسی و بعضاً ماندگار شود. زیرا تقریباً اکثر احجام و مسیرهایی که تجارت در آن‌ها صورت می‌گرفت تغییر کرده طی یک سال گذشته و به دلیل این جابه‌جایی، قیمت انتقال روی آب بالا رفته است. از سوی دیگر روسیه تخفیف‌های بزرگی برای رقابت در بازارهای جدید با تامین

رئیس اتاق مشترک ایران و چین:

الگوی ایران در خصوصی سازی بدترین قسمت تجربه های دنیا بود سند همکاری ۲۵ساله ایران و چین در حال انجام است



گفتگو: پونه ترابی

طی سال های اخیر، هر زمانی صحبت از قدرت های برتر دنیا در آینده می شود، نام چین به میان می آید؛ کشوری که می توان گفت در حال حاضر نیز در اقتصاد اکثر کشورهای دنیا حضوری پررنگ دارد و موضعی که در قبال مسائل سیاسی می گیرد، برای دنیا مهم است. موضوعی که مجیدرضا حریری، رئیس اتاق مشترک ایران و چین نیز بر آن تاکید کرده و بر این باور است که رمز موفقیت چین در خصوصی سازی، آزادسازی اقتصاد است. حریری ضمن تشریح رابطه چین و هند و همچنین چین و آمریکا، به رابطه بین ایران و چین اشاره می کند و می گوید: رابطه بین ایران و چین تحت یک فشار تبلیغاتی شدید در جریان است. در ادامه گفت وگویی تفصیلی دنیای انرژی با حریری آمده است:

بهتر است گفت وگو را با خصوصی سازی آغاز کنیم؛ به نظر شما اقتصاد چین چگونه توانست طی سال های گذشته بخش خصوصی را قدرتمند کند، به طوریکه این بخش قادر به سرمایه گذاری در کشورها مختلف دنیا است اما ایران در خصوصی سازی موفق نبوده و الگوبرداری درستی هم نداشته است؟

موضوع خصوصی سازی معمولادر اقتصادهایی مطرح می شود که در آن بخش دولتی قوی تر است؛ مدل های مختلفی در دنیا برای خصوصی سازی دیده شده است، مدل معروف آلمانی، مدل روسی و... اما به نظر من ایران از هیچکدام از مدل ها را شامل مدل چینی، مدل روسی و مدل آلمانی الگوبرداری نکرد. اینکه یک روش و الگو انتخاب شود، حاکی از آن است که بر اساس مطالعه ای، وجوه مختلف اقتصاد مورد رسیدگی قرار گرفته است. حتی اگر این روش یک روش متفاوت باشد، اما در هر حال روشی وجود دارد که بر اساس آن عمل می شود. ایران طی سال های گذشته از هر قسمت روش های تجربه شده دنیا، بدترین ها را انتخاب و به بدترین شکل اجرا کرده است. در حال حاضر چیزی تحت عنوان خصولتی در کشور وجود دارد؛ الگویی که می توان گفت الگوی چینی در آن وجود داشته اما نه به شکل و ابعاد درست. از سوی دیگر الیگارش های مالی نادرستی مانند الگوی روسیه در ایران اجرا شده اما این الگوبرداری هم به نحوه درستی انجام نشده است.

مدل های فروش ارزان نیز در ایران اجرا شد که نتیجه درستی نداشت؛ بنابراین باید گفت خصوصی سازی در کشور ما ناموفق بوده است زیرا برنامه ای برای آن نداشتیم.

الگوی چین که باعث موفقیت بخش خصوصی شد، چه بود؟ الگوی چینی بر این اساس است که قبل از آنکه به خصوصی سازی فکر کنند، به آزادسازی اقتصاد فکر می کنند. یعنی مدل آزادی اقتصادی را پیش گرفتند و بنگاه ها را بر مبنای آن سامان دادند. در حال حاضر نیز سرمایه گذار بخش قابل توجه از بنگاه های مهم چینی دولتی اما مدل اداره این بنگاه ها بر اساس مدل اقتصاد آزاد است. مشکل ما این است که مدل اقتصادمان مشخص نیست. اقتصاد ما تمام نکات منفی اقتصاد متمرکز و همچنین تمام نکات منفی یک اقتصاد آزاد را دارد، اما مدل اقتصادی ایران نه اقتصاد متمرکز است و نه اقتصاد آزاد است. نداشتن روش، مدل و طرح باعث می شود اقتصاد کشور گاهی به یک سمت و گاهی به سمت دیگری بلغزد. یعنی زمانی از بسته ترین اقتصادهای زمان استالین بسته تر عمل می کنیم، قیمت گذاری دستوری را روی همه چیز اعمال می کنیم، سازمان بازرسی و نظارت داریم، سازمان حمایت مصرف کننده داریم، تعزیرات داریم که همگی حاکی از آن است که بازار کاملا کنترل می شود. از سوی دیگر افزایش قیمت در اغلب کالاهای

مصرفی مردم از افزایش تورم بالاتر است که نشان می دهد روی بازار هیچ کنترلی نمی شود. درحالی که در آزادترین اقتصادها نیز ابزار کنترل انحصارگری وجود دارد. وجود مافیا در کالاهای مختلف نشان می دهد انحصار مانند الیگارش های بسیار قدرتمند، تحت عنوان خصوصی سازی شکل گرفته است.

چرا جلوی این مدل از خصوصی سازی گرفته نشد؟

در اوایل و اواسط دهه ۸۰، موضوعی که در اتاق بازرگانی مطرح شد این بود که خصوصی سازی به این شکل متوقف شود؛ اتاق بازرگانی حتی در اواخر دهه ۸۰ در این راستا یک بیانیه صادر کرد، زیرا معتقد بودیم به اینکه اقتصاد ما در ابتدا به تمرین آزادسازی اقتصاد نیاز دارد، دقیقا کاری که چین انجام داد. چینی ها مبنا را بر اقتصاد آزاد گذاشتند. یعنی اگر بنگاه هم دولتی بود با روش های اقتصاد آزاد اداره و مدیر دولتی هم در منافع و زبان سیستم شریک می شد، در نتیجه شرکت دولتی بود اما با مناسبات اقتصاد آزاد اداره می شد. این موضوع باعث موفقیت چین شده است و به همین دلیل امروز شاهد سرمایه گذاری چین در کشورهای مختلف هستیم. حتی حوزه نفت و گاز در چین دولتی است و ادعای خصوصی سازی در این زمینه ندارند.

در حال حاضر وضعیت بنگاه ها در ایران چگونه است؟

بنگاه های بزرگ در ایران یا در صنعت معدن و محصولات معدنی یا در حوزه نفت و محصولات نفتی فعالیت می کنند، وزن این بنگاه ها در اقتصاد کشور، بیش از ۷۰ درصد است و بیش از ۷۰ درصد آن شرکت های حاکمیتی هستند که می توانند جلوی وزیر اقتصاد و بانک مرکزی بایستند. به جای اینکه مالکیت را خصوصی کنیم، باید مدیریت را خصوصی می کردیم. هدف هم همین بود اما به تحقق نپیوست. اگر بنگاه به شکل شرکت خصوصی باشد باید در مجمع به سهامداران پاسخ دهد، اگر بنگاه دولتی باشد باید در مجلس به نمایندگان مردم جواب بدهد، اما بنگاه های موجود نه مجمع دارند، نه به مجلس پاسخگو هستند.

جدا از موضوع خصوصی سازی، در حال حاضر رقابت هند و چین در خرید انرژی از روسیه را چگونه ارزیابی می کنید؟

من رقابتی بین هند و چین در خرید انرژی از روسیه نمی بینم. دلیل این موضوع اقتصادی نیست بلکه بحث های ژئوپلیتیک است. یعنی ما با یک رقابت سیاسی مواجه هستیم که همیشه بین چین و هند و بین چین و روسیه وجود داشته است. این کشورها هیچگاه نمی توانند با یکدیگر متحدهای بلندمدت بمانند، زیرا منافع بلندمدت مشترک ندارند. در حال حاضر نیز منطقه خلیج فارس هنوز هم برای چین منبع پایدارتری برای تامین انرژی نسبت به روسیه است. شاید ضریب خرید انرژی توسط چین در یک مقطع دو تا سه ساله به سمت روسیه سنگین تر شود اما تمرکز چین همچنان روی منطقه خلیج فارس است. بنابراین رقابت بر سر خرید انرژی از روسیه بین چین و هند وجود ندارد، یکی از دلایل این موضوع ظرفیت بالای انرژی در روسیه است.

موازنه قدرت بین این دو کشور به چه شکل است؟

هند و چین جزو پنج اقتصاد برتر دنیا هستند و در بلندمدت نیز خواهند ماند اما به نظر من مدت زمان زیادی لازم است تا هند به چین تبدیل شود. چینی ها از زمان هایی استفاده کردند که شاید در تاریخ کم تر تکرار شود و مدل رفتار چینی ها که یک رفتار متمرکز سیاسی و جامعه شناسانه اس، با رفتار هندی ها که یک رفتار متکثر محسوب می شود، کاملا متفاوت است. نتیجه گیری برای توسعه در کوتاه مدت همیشه با تمرکز بهتر به دست آمده است. مدل دموکراسی هند مانع از فقرزدایی یکپارچه ای می شود که چین توانست انجام دهد.

رابطه چین و آمریکا را چطور ارزیابی می کنید؟ با توجه به اتفاقاتی که در سال های اخیر بین این دو کشور رخ داده است، فکر می کنید در نهایت قدرت به سمت کدام کشور می چرید؟

یک نگاه افراطی تحت عنوان زوال آمریکا وجود دارد که من قبول ندارم؛ اما اینکه دنیای آینده، دنیای تک قطبی غرب با رهبری آمریکا نیست، یک واقعیت است. بلوک های قدرتی در حال شکل گیری در دنیا هستند. یک زمانی هلند ابرقدرت اقتصادی در دنیا بود اما حدود ۳۰۰ سال زمان برد تا نوبت اسپانیا و پرتغال شد. مجدد چند قرن زمان برد تا کمپانی هند شرقی شکل گرفت و بریتانیای کبیر همه کاره دنیا شد. به عبارت دیگر این اتفاق ها در بلندمدت رخ داده است، اما دنیا در حال تغییر است و بازه ها کوتاه تر می شود. درمورد آمریکا نیز باید گفت دو جنگ جهانی در دنیا اتفاق افتاد تا آمریکا توانست انگلیس را کنار بگذارد و خود را به عنوان ابرقدرت اقتصادی دنیا مطرح کرد. نباید توقع داشته باشیم این زایش جدید در دنیا بدون علائم منفی باشد. موضوع قدرت گرفتن چین از سال ۲۰۱۰ مطرح شده است، در سال ۲۰۱۵ یوآن چین چندان قدرتی در دنیا نداشت اما امروز سهم این ارز در دنیا بیش از پنج درصد است، یعنی سرعت بالا است. همچنین فرصت سرمایه گذاری چین در کشورهای دنیا تا قبل از سال ۲۰۱۰، اصلا چشم گیر نبود اما در حال حاضر چین در شرکت های بزرگ دنیا حضور دارد. از سوی دیگر از نظر سیاسی تنها جایی که چین اهمیت داشت در مناسبات آسیای شرقی بود اما در حال حاضر موضع گیری چین درمورد جنگ روسیه و اوکراین برای دنیا حائز اهمیت است. ممکن است دنیا در ۱۰ سال دیگر، شاهد چین بزرگتری باشد زیرا سرعت تحولات بسیار بالا است. تارگت خود چین سال ۲۰۵۰ است. پیش بینی افرادی که نسبت به چین خوش بین هستند سال ۲۰۳۵ است. افرادی که نسبت به قدرت چین بدبین هستند نیز نمی توانند منکر این موضوع شوند که دنیا از سال ۲۰۵۰ به بعد تغییر می کند.

بنابراین دنیا باید در انتظار یک تحول بزرگ باشد.

بله. باید پذیرفت بین ۱۰ تا ۳۰ سال آینده اتفاقات بزرگی در دنیا رخ می دهد و بلوک های قدرت موجود تغییر شکل می دهند. درواقع همه آینده اقتصاد را در آسیا می بینند. تنها کشوری غربی (از نظر جغرافیایی) که بین اقتصادهای برتر آینده وجود دارد، آمریکا است. چین، هند، اندونزی، ژاپن، کره جنوبی، عربستان جزو ۱۰ کشور برتر دنیا در دهه های آینده خواهند بود.



مدلی که چین از جهانی شدن ارائه می دهد یک مدل متکثر است. ایران در این مدل داشته های خوبی دارد و اگر درست برنامه ریزی کند می تواند امیدوار باشد. هر کشوری در مناسبات بین المللی باید بلد باشد نقش خود را بازی کند. دنیا منتظر کسی نمی شیند. منطقه جغرافیایی ایران به طور طبیعی انتخاب اول دنیا است، اما ایران تنها انتخاب دنیا نیست. اگر قادر نباشیم تعامل کنیم دنیا ترجیح می دهد ما را کنار بگذارد و راه دیگری انتخاب کند، حتی اگر راه جایگزین راه پرهزینه تری باشد

آیا ایران هم سهمی خواهد داشت؟

ایران به طور طبیعی سهم دارد اما اینکه چقدر از آن استفاده کند جای سوال است. باید دید چقدر برای آن برنامه داریم. اگر فرض کنیم اقتصاد دنیا به سمت آسیا برمی گردد، ایران دروازه غربی آسیا است. ایران در نقطه ای در دنیا واقع شده است که امکان نادیده گرفتن آن وجود ندارد. تاکنون در تحولات بین المللی که از قرن ۱۳ به بعد رخ داده است، ایران همیشه توسط کشورهای ابر قدرت اشغال یا به عبارتی تابع آن ها شده است. اما اکنون و بر اساس آنچه که چینی ها در اسناد خود درمورد آینده دنیا منتشر می کنند قرار نیست کشوری تابع باشد. در این مدل همه کشورها می توانند مشارکت داشته باشند و به اندازه آورده و داشته های خود سهم ببرند. مدلی که چین از جهانی شدن

ارائه می دهد یک مدل متکثر است. ایران در این مدل داشته های خوبی دارد و اگر درست برنامه ریزی کند می تواند امیدوار باشد. هر کشوری در مناسبات بین المللی باید بلد باشد نقش خود را بازی کند. دنیا منتظر کسی نمی شیند. منطقه جغرافیایی ایران به طور طبیعی انتخاب اول دنیا است، اما ایران تنها انتخاب دنیا نیست. اگر قادر نباشیم تعامل کنیم دنیا ترجیح می دهد ما را کنار بگذارد و راه دیگری انتخاب کند، حتی اگر راه جایگزین راه پرهزینه تری باشد.

با توجه به شرایط موجود و تعاملات سیاسی ایران با دنیا، ایران بین کشورهای قدرتمند از چه جایگاهی برخوردار است؟ ایران اخیرا اقداماتی انجام داده است که نشان می دهد می خواهد در

مناسبات دنیا حضور داشته باشد. برای مثال ایران تقاضا می کند در سازمان کنفرانس شانگهای حضور داشته باشد و این تقاضا پذیرفته می شود، این موضوع نشان می دهد کشورهایی که درحال شکل دهی به آینده دنیا هستند، ایران را قبول دارند. یا اینکه ۳۰ کشور تقاضا کردند در بریکس پلاس پذیرفته شوند اما فقط تقاضای شش کشور پذیرفته شده است. یعنی پنج عضو اصلی بریکس، کشورها را انتخاب می کنند و ایران را از بین ۳۰ کشور انتخاب کرده اند. این نشان دهنده استعداد ذاتی کشور ما است. البته از آنجایی که ایران در مناسبات موجود جایی ندارد و با آمریکا و غرب دچار منازعه است، مناسبات جدید را انتخاب کرده ایم.

به طور اختصاصی، رابطه ایران با کشور چین را چگونه ارزیابی می کنید؟ با توجه به اعمال تحریم علیه ایران، حجم مبادلات بین دو کشور صعودی بوده یا نزولی؟ رفتار چین با ایران طی یک تا دو سال قبل چگونه بوده است؟

مجموعه روابط اقتصادی ایران و چین دچار چند نقص بزرگ است. نخست آنکه در دنیا از طرف قدرت مسلط کنونی، سالانه میلیاردها دلار هزینه می شود که علیه چین، یعنی قدرت آینده و برای عقب افتاد لحظه موعود، پروپاگاندا ی منفی صورت می گیرد. از سوی دیگر علیه ایران در دنیا تبلیغ منفی می شود. در این شرایط با یک رابطه ای مواجه هستیم که علیه دو طرف این رابطه در دنیا پول خرج می شود. رابطه اقتصادی و سیاسی بین چین و عربستان از رابطه ای که با ایران دارد بسیار قوی تر است اما تبلیغات منفی علیه عربستان در دنیا کمتر است. از طرف دیگر افرادی که داخل ایران به وضعیت موجود انتقاد دارند هم برای اینکه به صورت غیرمستقیم انتقاد کنند و نارضایتی خود را نشان دهند، به رابطه بین ایران و چین نقد وارد می کنند. به عبارت دیگر رابطه بین ایران و چین تحت یک فشار تبلیغاتی شدید در جریان است. این موضوع قدرت چانه زنی را کم می کند. از سوی دیگر ایران تحریم است، در شرایط تحریمی بسیاری از ارتباطاتی که بین ایران و چین وجود دارد قابل بیان نیست. یعنی از یک طرف با یک هجمه تبلیغاتی شدید بین المللی و داخلی طرفیم و از طرف دیگر قادر نیستیم توضیح دهیم رابطه با چین چه فوایدی برای کشور داشته است؛ زیرا روابط بین ایران و چین مخصوصا در زمینه اقتصادی به شدت تحت نظر قرار دارد و این موضوع سکوت دو طرف را در پی دارد.

تعامل اقتصادی با چین اثرات مثبتی برای ایران داشته است؟ بله. چینی ها حتما خریداران و فروشندگان خوبی هستند و رابطه اقتصادی دو کشور خوب پیش می رود. درحالی که مجموع تجارت فرامرزی ایران طی یک دهه اخیر به شدت کاهش یافته است. برای مثال در سال های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، حدود ۷۰ میلیارد دلار واردات رسمی داشتیم، حدود ۵۰ میلیارد دلار نفت می فروختیم و حدود ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشتیم و حدود ۲۵ میلیارد کالای قاچاق وارد کشور می شد. یعنی در آن سال ها ایران حدود ۲۰۰ میلیارد دلار مرارده مالی با دنیا داشت که این میزان درحال حاضر نصف شده و به ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. اما رابطه ایران و چین نصف نشده است. در همان زمان قدرمطلق چیزی که با چین معامله

می کردیم بیشتر از الان بود اما قدرنسیبی حدود ۲۰ درصد از مبادلات فرامرزی ایران بود که این میزان در حال حاضر به ۳۰ درصد رسیده است. در حوزه نفت تقریبا صد در صد فروش ما به چین انجام می شود. این رابطه خوب و منصفانه است اما جزئیات آن قابل بیان نیست.

سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین به کجا رسید؟ چرا جزئیاتی از آن در اختیار رسانه ها و مردم قرار نگرفت؟

قرار نیست جزئیات سند همکاری منتشر شود، در هیچ جای دنیا این اتفاق نمی افتد. یک سند همکاری های ۲۵ ساله بین ایران و چین نوشته شد که در ذیل این سند قراردادهایی امضا می شود. در این راستا چند حوزه از جمله فرهنگی، نظامی، علوم، بهداشت و اقتصاد انتخاب و قرار شد دو کشور در این حوزه ها طی ۲۵ سال با یکدیگر همکاری کنند. دو کشور در حوزه اقتصاد درحال همکاری هستند اما امکان بیان آن وجود ندارد. سند ۲۵ ساله در اوج کرونا امضا شد اما به محض اینکه محدودیت های کرونا به پایان رسید، نخستین رئیس جمهوری که به چین سفر کرد، رئیس جمهور ایران بودو در مذاکراتی که صورت گرفت موضوعات خوبی مطرح شد. همچنین کمیسیون مشترک دو کشور شکل گرفت.

جزئیاتی از رابطه چین با بخش خصوصی ایران نیز قابل بیان نیست؟ به عنوان بخش خصوصی می توان گفت توافقاتی صورت گرفت که چند سال روی زمین مانده بود، یکی از این توافقات در حوزه محصولات غذایی و کشاورزی بود. امکان صادرات بسیاری از کالاهای این حوزه به چین وجود نداشت، اما این مشکل برطرف شد و درحال حاضر مجوزهای صادرات رسمی عسل ایران، مرکبات ایران، سیب ایران، شیلات ایران، خشکبار ایران، زعفران ایران به چین صادر شده است. در این مدت میزان صادرات رسمی زعفران ایران نسبت به دوره قبل بیش از ۱۵ برابر بوده است. بیش از ۵۰ درصد پسته صادراتی ایران به چین صادر می شود.

علاوه بر موضوعاتی که اشاره کردید، چه موضوعاتی قابل بیان است؟ دفتر اتاق ایران و چین در ماه اگوست در چین دوباره بازگشایی شد و تا اواخر پاییز، نخستین شعبه مرکز تجاری ایران در شانگهای افتتاح می شود، دومین شعبه نیز تا پایان سال در جنوب چین بازگشایی می شود. در مرکز تجاری نمایشگاه دائمی کالای ایرانی برپا است. مذاکرات جدی و مفصلی درحال انجام است که کالاهای ایرانی را روی پلتفرم های خرده فروشی و عمده فروشی چینی عرضه کنیم. با بزرگ ترین پلتفرم چینی درحال مذاکرات نهایی هستیم که از طریق مراکز تجاری کالاهای ایران را به نحوی که اشاره کردم عرضه کنیم.

این اتفاق چه تاثیری در رابطه ایران و چین دارد؟

مردم ایران و چین یکدیگر را نمی شناسند و همدیگر را از دریچه نگاه رسانه های دنیا یا لنز دشمن کشور مقابل می بینند. بنابراین نیاز است مراودات فرهنگی و مردمی بین دو جامعه زیاد شود. امیدواریم امسال همزمان با سال نوی چینی فستیوال ایرانی را در چین داشته باشیم و فرهنگ ایرانی را ارائه دهیم تا مردم چین مردم ایران را بشناسند.

کارشناس هیات علمی سازمان پژوهش‌ها به ماهنامه دنیای انرژی پاسخ می‌دهد:

چرا بهینه‌سازی مصرف سوخت در کشور به درستی اجرا نمی‌شود؟!



گفت وگو- مریم میخانک بابایی

بهینه سازی مصرف سوخت عبارتی است که سال‌ها نسبت به آن قوانین و مقررات متعددی نوشته و یا بعضاً اجرا نشده است و همچنان رضایتی از موضوع بهینه سازی در مصرف سوخت نیست. حال سوال اینجاست که به چه علت با وجود قوانین و مقررات بهینه سازی که مجلس، دولت و یا در بدنه وزار،تخانه‌ها طراحی و یا اجرایی شده است اما باز این موضوع بی نتیجه باقی مانده است و یا حتی مدیریت آن از پس هدایت مجموعه شرکت بهینه سازی مصرف سوخت بر نیامده است. با دکتر سید مسلم موسوی در چه، عضو هیات علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران گفتگویی انجام دادیم و از او که مدافع تئوری سازمان بهینه سازی در ذیل وزارت نفت و نه شرکت ملی نفت است پرسش‌هایی مطرح و او نیز با دلایل کارشناسی نسبت به سازمانی مستقل با بودجه و قدرت اجرایی قوی توضیحاتی را ارائه می‌دهد.

سوال اول و اساسی اینکه چرا بهینه سازی مصرف سوخت به درستی اجرا نشده است؟

ما طی سالیان متمادی سیاست‌های مختلفی در حوزه بهینه سازی تدوین کردیم و برخی هم اجرا شدند اما نتیجه ندادند. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۹ ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی مصوب مجمع تشخیص مصلحت بود که قریب ۲۳ سال از آن می‌گذرد. سیاستگذاری اقتصاد مقاومتی و قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر که ماده ۱۲ را تحت پوشش خود در جهت بهینه سازی دارد و یا در سال ۱۳۸۸ قانون هدفمندی یارانه‌ها مصوب و بخشی از آن اجرا شد و یا قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی که در سال ۱۳۸۹ تصویب شد و خیلی هم اجرای ثمربخشی نداشت و دیگر قوانین که همه اینها مصوب شدند اما نتیجه مثبتی که به بهینه سازی کمک کند نداشتند. حال سوال این است که چرا بهینه سازی تحقق نیافته است؟! کاملاً روشن است که برای تحقق آن باید حکمرانی بهینه سازی تغییر کند.

در قدرت می‌توانستند آن را اجرا کنند.

بُعد سوم که polity است و اساساً خیلی‌ها به آن توجهی ندارند تنظیمات نهادی حاکم بر تصمیم گیری بازیگران دخیل در قدرت است. حالا اینکه این تنظیمات نهادی چیست را در ادامه توضیح می‌دهم.من در اینجا از ابعاد سیاست می‌گذرم و بیشتر به بخش poli-tics و یا چیدمان بازیگران در هر حوزه و بُعد دیگر یعنی فضای نهادی را توضیح خواهم داد با این رویکرد که مثلاً در بهینه سازی چه ارزیابی می‌شود و چه نوع چیدمان و بازیگرانی باید در این سیاست قرار بگیرند تا نتیجه دهد، به عبارتی مکانیزم قدرت در بین آن‌ها چگونه باید باشد را تحلیل می‌کنم.

توضیح کوتاه عرض کنم که این سه بُعد از یکدیگر مستقل نبوده و بریکدیگر اثرگذارند. یعنی اگر سیاست خوبی داشته باشیم اما بازیگران دخیل در قدرت بازیگران قدرتمندی نباشند و یا تعارض منافع شدید داشته باشند هیچ وقت آن سیاست‌ها به مرحله اجرا نمی‌رسد. از سوی دیگر اگر بازیگران قدرت خوبی داشته باشند ولی سیاست‌های خوبی تدوین نشده باشد دوباره به مرحله اجرا نمی‌رسد، و یا اگر ما سیاست و بازیگران دخیل در قدرت خوبی داشته باشیم اما فضای نهادی حاکم بر تصمیم گیری فضای نهادی مناسبی نباشد دوباره حکمرانی با اختلال مواجه می‌شود. مجموع این سه بعد در حکمرانی بهینه سازی مصرف انرژی بوده که این سال‌ها با ضعف بنیادینی مواجه شده و بهینه سازی به ثمر ننشسته است.

در مورد فضا و تنظیمات نهادی بیشتر توضیح دهید.

فضای نهادی یعنی عرف‌ها و رویه‌هایی که به صورت ننوشته حاکم بر حوزه‌است. مثلاً آیا مدیریت تصمیم گیری در آن حوزه شفاف است یا خیر؟ و یا عدالت در سیاستگذاری که مهم بوده است آیا در آن سیاستگذاری به صورت عادلانه به همه اقشار نگاه می‌کند یا خیر؟ این موارد فضای نهادی حاکم بر آن تصمیم گیری هاست.لازم به ذکر است که سیاستگذاری‌ها چند ویژگی دارد که باید همه آن‌ها با هم سازگاری داشته باشند. به عبارتی سیاستگذاری‌ها باید هماهنگ با یکدیگر باشند، معتبر، پایدار و جامع باشند.

از بحث سیاست که بگذریم در حوزه بهینه سازی مصرف سوخت به بازیگران و چیدمان قدرت بازیگران در نهادهای قدرت می‌رسیم که این بازیگران در اجرا و یا عدم اجرای بهینه سازی مصرف سوخت نقش بنیادینی داشته‌اند.

در مورد بعد politics بیشتر توضیح دهید.

وقتی می‌گوییم بازیگران دخیل در تصمیم گیری فقط منظورمان بازیگران دولتی نیستند، بازیگران بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی هم باید در تصمیم گیری دخیل باشند؛ چیزی که ما در بهینه سازی اصلاً مشاهده نمی‌کنیم. یعنی آیا بخش خصوصی حوزه بهینه سازی و شرکت‌هایی در حوزه مصرف انرژی که بازیگران این عرصه در حکمرانی هستند درتدوین این برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها نقشی دارند؟ آیا اتاق بازرگانی ایران که شامل شورای گفتگو بین بخش خصوصی و دولتی است در تدوین مقررات و سیاستگذاری‌های بهینه سازی مصرف سوخت تا چه

میزان در این عرصه تعامل دارد؟ من به صراحت می‌گویم، هیچ.

پس این اولین مشکل در عدم اجرای بهینه سازی مصرف انرژی است. یعنی بازیگران دخیل در تصمیم گیری‌ها نه از بخش خصوصی و نه از بخش غیردولتی مثل انجمن‌ها و غیره یا هیچ کدام در تصمیم‌گیری حضور نداشته و تاکنون هم نداشته‌اند لذا در اجرا هم هیچ کدام مشارکت نکرده‌اند. از سوی دیگر به صراحت می‌گویم که بازیگران دولتی ما هم در حوزه بهینه سازی با اعوجاج و اختلال مواجه هستند. به این معنا که ما در حوزه انرژی و یا بهینه سازی دو تا سازمان اصلی متولی بهینه سازی انرژی داریم، یکی شرکت بهینه سازی مصرف سوخت در حوزه نفت است که عملاً متولی بهینه سازی مصرف سوخت مانند گاز و بنزین و گازوئیل است. از آن طرف در وزارت نیرو نیز ما مجموعه ساتبا با رویکرد انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره وری انرژی راداریم، و عملاً دیدیم زمانی که سابا و سانا ادغام شدند و رئیس آن هم از مدیریت یک شرکت عملیاتی به معاونت وزارت نیرو ارتقا یافت، حقیقتاً بیشتر به حوزه تجدیدپذیرها تمرکز بیشتری داشت و ما دیدیم که در عرصه بهره وری و بهینه سازی برق کار خاصی انجام نشد و به عبارتی با تغییر سیاستگذاری‌ها بازیگران آن نیز تغییر کردند. شرکت بهینه سازی مصرف سوخت هم که ذیل شرکت ملی نفت است اصلاً قدرتی در حوزه تصمیم سازی ندارد و بازیگران آن دخیل در قدرت نیستند.

آیا می‌توانیم عدم قدرتمندی شرکت بهینه سازی مصرف سوخت را به دلیل تعارض منافعی بدانیم که وجود دارد و این شرکت کاملاً دست و پا بسته برای اجرای هر گونه سیاستی است؟

همین طور است. ببینید شرکت بهینه سازی مصرف سوخت ذیل شرکت ملی نفت ایران است و در این جا تعارض منافع شدید وجود دارد چون شرکت ملی نفت مسئولیت تولید نفت را دارد و هر چه سوخت بیشتری مصرف شود او تولید بیشتری خواهد داشت، پس اساساً پیگیری بهینه سازی و کنترل مصرف نخواهد بود.

اخیراً در همایش بهینه سازی مصرف سوخت در پنلی بنده سخنانی در زمینه حکمرانی بهینه سازی مصرف سوخت ارائه دادم و در آن جا اعلام کردم و پیشنهاد دادم شرکت بهینه سازی مصرف سوخت از ذیل شرکت ملی نفت خارج شود چون تعارض منافع وجود دارد.

دیگر اینکه شرکت بهینه سازی هیچ گونه منبع مالی مستقلی که بتواند برای بهینه سازی انجام دهد ندارد وتمام منابع مالی و یا نیروی انسانی شرکت بهینه سازی باید به تایید شرکت ملی نفت برسد. ما این اشکالات را از بازیگران آن در حکمرانی می‌دانیم. منابع مالی و نیروی انسانی مهم ترین ویژگی‌های بازیگران در حکمرانی بهینه سازی است که متأسفانه شرکت بهینه سازی در حوزه مالی اساساً ردیف بودجه‌ای ندارد و به لحاظ نیروی انسانی دارای ضعف‌های شدیدی است.

الان چند سالی است که نگاه‌ها از شرکت بهینه سازی مصرف سوخت برای مدیریت در این عرصه برداشته شده است و حتی مجلس هم طرح‌های بهینه سازی را جدا از ذیل وزارتخانه‌ها تصویب می‌کند. از سوی دیگر وزارتخانه‌ها هم جداگانه مانند نفت و نیرو با طرح‌های جداگانه به موضوع بهینه سازی ورود



کردیم و با شرکت کنندگان و کارشناسان حاضر در کنفرانس نیز این سه پیشنهاد را به رای گذاشتیم. یکی اینکه اساسا شرکت بهینه سازی مصرف سوخت از ذیل شرکت ملی نفت خارج شود و تبدیل به سازمان حاکمیتی ذیل وزارت نفت شود و رئیس آن معاون وزیر نفت شود. ردیف بودجه مستقلی پیدا کند و در کنار چهار شرکت عملیاتی وزارت نفت که شرکت ملی نفت و پالایش و پخش و گاز و پتروشیمی است، این هم سازمان حاکمیتی ذیل وزارت نفت شود.

یعنی به عنوان نهاد تنظیم گر در این وزارتخانه دیده شود؟
دقیقا. یعنی وظایفش از حالت تصدی گرایانه به حوزه حاکمیتی و تولی گرایانه تغییر کند.

آیا این تبدیل به انحصار نمی شود اگر ذیل وزارت نفت برود؟
من راه حل و رویکردم را در ساختار دولتی بیان می کنم چون ساختار نظام ما دولتی است پس بدنه قدرت و سیاستگذاری باید از مناصب دولتی شروع شود و بعد بخش خصوصی از ذیل آن به حرکت و جوشش درآید. بنابراین سازمان دولتی به عنوان متولی و سیاستگذار، بازیگران مناسبی را برای تحقق موضوعات بهینه سازی خلق می کند. از سوی دیگر شرکت بهینه سازی مصرف سوخت به دلیل تعارض منافعی که با شرکت ملی نفت دارد اگر از ذیل این شرکت خارج شود حداقل تعارض منافع از بین می رود و به قولی این شرکت نفس می کشد. و نهاد دولتی مستقلی در ذیل وزارت نفت مانند چهار شرکت دیگر وزارت نفت تبدیل می شود که می تواند ردیف بودجه و سیاستگذاری

معاونین وزارت نفت نیست. اگر شرکت بهینه سازی قدرت قابل توجهی داشته باشد بخش خصوصی از کنار آن توسعه می یابد و این را می توان در نمونه ادغام ساتبا در ذیل وزارت نیرو تجربه کرد. به این صورت که شرکت سانا متولی انرژی های تجدیدپذیر ایران بود و ذیل شرکت توانیر اداره می شد. سانا به صورت مستقیم بودجه ای نداشت و اساسا تمام منابعی که سانا برای توسعه تجدیدپذیرها می خواست، توانیر آن منابع را صرف خطوط انتقال برق می کرد و چیزی برای توسعه تجدیدپذیرها باقی نمی ماند. یکی از اصلاح ساختارهایی که در وزارت نیرو انجام شد، ادغام سانا با سابا یعنی متولی تجدیدپذیرها با متولی بهره وری انرژی ایران بود که ساتبا نام گرفت و ریاست آن هم به رده معاون وزیر، ارتقا یافت یعنی قدرت اجرایی بیشتری پیدا کرد. از سویی دیگر بخش خصوصی هم در حاشیه آن رشد و توسعه یافت و سرمایه گذاران و بازیگران جدید و یا تشکل ها وانجمن هایی، قدرت فعالیت بیشتری پیدا کردند. و در حال حاضر می بینیم که این بخش خصوصی در قانونگذاری می تواند با مجلسی ها درارتباط باشد تا قوانین بهتر و جامع تری وضع شود و سرمایه گذاری توسعه یابد. به عبارتی در تصمیم گیری ها دخیل هستند و با این منوال ما شاهد رشد تجدیدپذیرها هستیم.

همه این موارد را گفتم تا به صراحت بگویم چنین اتفاقی در حوزه بهینه سازی نیفتاده است. چون شرکت بهینه سازی مصرف سوخت قدرت کافی ندارد و وزارتخانه های متعددی در حال انجام اموری مشابه فعالیت شرکت بهینه سازی هستند واین کار تفرق ایجاد کرده است و مانعی بر رشد قدرتمند بخش خصوصی شده است. حالا ما در آن کنفرانس بهینه سازی سه پیشنهاد و راه حل مطرح

ناترازی برق و در زمستان ناترازی گاز داریم. این یکی از مهم ترین علل عدم اجرای سیاست هاست. حالا در مورد ماده ۱۲ که ذیل قانون رفع موانع تولید است بفرمایید که چرا این ماده قانونی به خوبی اجرایی نمی شود تا در بخشی از بهینه سازی مصرف کمک کند. ماده قانونی و سیاستی که در جای خود درست بود اما به درستی اجرایی نمی شود. دقیقا در ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید اصطلاحی آورده شده است تحت عنوان سوخت صرفه جویی شده و متولی سوخت صرفه جویی شده را به صورت عام دولت می داند. اما در آیین نامه اجرایی این ماده ۱۲ اصلا مشخص نیست متولی سوخت صرفه جویی شده چه کسی است؟ به یک نمونه خاص اشاره می کنم تا موضوع روشن شود. مثلا در حوزه تجدیدپذیرها، سرمایه گذارانی که در این حوزه سرمایه گذاری کرده اند به دنبال منابع صرفه جویی خود از ساتبا می روند که ساتبا به آن ها می گوید باید به وزارت نفت مراجعه کند. وزارت نفت هم به آن ها می گوید باید به شرکت بهینه سازی مصرف سوخت برود و M&V انجام بشود و میزان سوخت صرفه جویی آن ها محاسبه شود. وقتی M&V آن مشخص شد باید به سازمان برنامه برای تاییدیه بروند و بعد سازمان برنامه در صورت تایید به آن ها می گوید به شرکت گاز مراجعه کند تا پول خود را دریافت کند. حالا اگر منابعی باشد یا خیر آن دیگر موضوع دیگری است. با این پروسه می بینیم که یک سرمایه گذار از سوخت صرفه جویی خود چه مراحل و پروسه طولانی را باید طی کند تا به منابع صرفه جویی خود برسد. وقتی متولی معلوم نباشد سرمایه گذار در این حوزه سردرگم است و نمی داند به سراغ چه حوزه ای برود. یکی از ریسک های بهینه سازی مصرف سوخت همین مشخص نبودن متولی سوخت صرفه جویی شده است.

یعنی قانون ایراد دارد یا آیین نامه اجرایی؟
آیین نامه اجرایی این قانون شفاف نیست. به عبارتی نظام بوروکراسی زیادی دارد. نکته مهم تر و به قولی مصیبت دوم این آیین نامه این است که ماده ۱۲ باید در بودجه سالیانه هم بیاید و در قوانین بودجه سالیانه یک تبصره ای تحت عنوان تبصره ۱۴ وجود دارد که در این تبصره منابع و مصارف حوزه انرژی لیست شده است. یکی از این مصارف هدفمندی یارانه هاست واین هدفمندی باعث شده که به منابع مالی ماده ۱۲ که عدد بزرگی است اولاً محقق نمی شود و دوم اینکه این عدد صرف یارانه های ماهیانه مردم می شود. در واقع وقتی سرمایه گذار مراجعه می کند می بیند یکی از مواردی که می تواند استفاده کند ماده ۱۲ است و تبصره ۱۴ هم ماهیت ماده ۱۲ را از بین برده چون منابعی در آن نمی ماند و همه صرف تخصیص یارانه های ماهانه مردم می شود. در واقع ماده ۱۲ به قدری درگیر سازمان های متعدد است و طراحی آن به شدت مشکل دارد که می توان گفت این ماده متاسفانه از حیز انتفاع خارج کرده است.

پیشنهاد شما برای چیدمان بازیگران و سیاستگذاری های هدفمندی یارانه ها چیست؟

من در کنفرانس بهینه سازی مصرف سوخت در جمع حاضرین عرض کردم که باید متولی قدرتمندی برای بهینه سازی مصرف سوخت مشخص شود. مثلا شرکت بهینه سازی مصرف سوخت اصلا در شورای

کردند و این تمرکز از سوی شرکت بهینه سازی خارج شده است و شرایط به گونه ای است که به نظر شرکت بهینه سازی از گردونه خارج شده است. شما می فرمایید با این شیوه ای که پیش رفته ایم و طرح ها و برنامه های جداگانه ای در ذیل وزارتخانه ها ارائه داده ایم این فعالیت های پراکنده جواب نداده است و باید به طور متمرکز روی شرکت بهینه سازی کار کنیم، آیا منظورتان همین است؟

دقیقا همین طور است. ببیند در حوزه مصرف ما متولی های مشخصی داریم. وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت و صنایع مصرف کننده انرژی هستند. اکثر اینها تعداد بازیگران حوزه مصرف هستند که نیازمند ایجاد نهاد قدرتمندی است تا این حوزه ها را مدیریت کند و این عملا از عهده شرکت بهینه سازی مصرف سوخت و دفتر بهره وری ساتبا برنمی آید.

یعنی می گوید در این سال ها از راه یک اصلی خارج شدیم و ناچارا باید برگردیم و راه اصلی را تقویت کنیم؟
دقیقا. حالا ببینید یکی از اصول politics یعنی بازیگران در حکمرانی، داشتن این ویژگی هاست: پاسخگو، مسئولیت پذیر، جهت دهنده برنامه ها و ایجاد مشارکت در تصمیم گیری هاست. توضیح بیشتر اینکه ما الان ناترازی گاز داریم. چه کسی در ایجاد این ناترازی مقصر است؟ اگر به شرکت ملی گاز مراجعه کنید می گوید مسئولیت توزیع گاز را دارد و مردم و صنایع را مقصر می داند. به سراغ صنایع برویم می گویند سرمایه گذاری کرده اند و باید تولید کند و نیاز به سوخت دارند و اصلا میزان مصرف به او ربطی ندارد. سراغ شرکت بهینه سازی مصرف سوخت می رویم می گوید اصلا اختیار و مسئولیتی در این حوزه ندارد. یعنی یکی از مهم ترین پارامتر حکمرانی این است که تناسب بین وظایف و اختیارات وجود داشته باشد درحالی که ما در حوزه بهینه سازی مصرف چنین رویکردی نداریم ما نمی توانیم کسی را به طور کاملا مستقیم مقصر اصلی مصرف بدانیم. در تابستان



خیلی ها حکمرانی را با سیاستگذاری اشتباه می گیرند و فکر می کنند حکمرانی همان سیاستگذاری است درحالی که سیاستگذاری یکی از ابعاد حکمرانی است.
به صراحت می گویم که بازیگران دولتی ما هم در حوزه بهینه سازی با اعوجاج و اختلال مواجه هستند.
یکی از ریسک های بهینه سازی مصرف سوخت همین مشخص نبودن متولی سوخت صرفه جویی شده است.

مستقلی داشته باشد. پیشنهاد دوم ارائه شده در کنفرانس این بود و بسیاری از دوستان هم در حال پیگیری آن در برنامه هفتم توسعه هستند این است که شرکت بهینه سازی تبدیل به سازمان مدیریت مصرف انرژی ذیل ریاست جمهوری شود. دنبال کنندگان این طرح معتقدند باید سازمانی فراوزارتخانه‌ای ایجاد شود. یعنی حوزه حمل و نقل، کشاورزی، صنعت و کلیه حوزه‌هایی که مصارف انرژی دارند را این سازمان متولی مدیریت کند و یک منبع مالی و صندوق بهینه سازی مصرف سوخت داشته باشد که استقلال مالی برای اجرای طرح‌ها را هم داشته باشد. موافقین طرح می‌خواهند در ذیل ریاست جمهوری و به صورت هیات امنایی اداره شود. آن‌ها استدلال می‌کنند که چون مصرف فراوزارتخانه‌ای است باید متولی مصرف هم فراتر از وزارتخانه‌ها و ذیل ریاست جمهوری و قدرتمند از سطح وزارتخانه‌ای باشد. پیشنهاد سومی هم مطرح شد که دوستان سازمان برنامه و بودجه آن را مطرح کردند واینکه شورای عالی انرژی تقویت شود و این موضوع ذیل سازمان برنامه باشد. حقیقتاً در این کنفرانس که ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر حاضر بودند و همه از مدیران بخش‌های دولتی و خصوصی کشور حضور داشتند و رای گیری که انجام دادند، پیشنهاد سازمان برنامه و شورای عالی انرژی حتی یک رای هم نیاورد. چون همه معتقد بودند اگر این دبیرخانه شورای انرژی که ۱۰ تا ۱۵ سالی دایر است می‌توانست کاری انجام دهد طبعاً تا به الان انجام داده بود. درواقع شورای عالی انرژی خیلی مورد توجه قرار نگرفت و رئیس جمهور به عنوان یکی از اعضای آن در جلسات این دبیرخانه نمی‌آمد و این شورا منابع لازم را هم نداشت. اما دو پیشنهاد بعدی که سازمان بهینه سازی مصرف سوخت ذیل ریاست جمهوری ویا ذیل وزارت نفت باشد در این کنفرانس مورد رای گیری حاضرین قرار گرفت و ۵۰ و ۵۰ رای آورد. یعنی نیمی از حضار به سازمان بهینه سازی ذیل وزارت نفت و نیمی دیگر به سازمان مدیریت مصرف انرژی ذیل ریاست جموری رای دادند.

شما خودتان با کدام بخش مخالف بودید؟

من با سازمان مدیریت مصرف انرژی ذیل ریاست جمهوری موافق نیستم. افرادی که موافق مدیریت مصرف انرژی ذیل ریاست جمهوری بودند معتقد بودند معاونت علمی و فناوری و دانش بنیان‌ها این سال‌ها موفق عمل کرده‌اند و صندوق نوآوری و شکوفایی ذیل این سازمان نیز که منابع مالی استارت آپ‌ها را تامین می‌کند موفق بوده است پس چنین تجربه‌ای هم می‌تواند برای سازمان بهینه سازی موفق باشد. من به این دوستان استدلال کردم که در حوزه نوآوری‌های نوظهور و حوزه استارت آپ‌ها که موفق بوده ما متولی خاصی در کشور نداریم و به همین دلیل وقتی سازمانی را متولی کردیم و منابع مالی در اختیارش قرار دادیم طبیعی است این موفق عمل کرده است. اما در حوزه انرژی این گونه نیست که متولی نداشته باشیم، ما در این حوزه صد تا متولی داریم وهر کدام ساز خود را می‌زنند، با هم هماهنگ نیستند و اگر ما یک ساختار جدید به ساختار قبلی و فراوزارتخانه‌ای اضافه کنیم نه وزارت نفت حرف آن را گوش می‌کند و نه وزارت نیرو. و این در حوزه ضعف قرار می‌گیرد. چون منابع پولی دست این دو وزارتخانه است. وزارت نفت، گاز را تامین می‌کند و وزارت نیرو آن گاز را مصرف می‌کند تا برق تولید کند. وزارت نیرو دغدغه مصرف گاز را ندارد چون وظیفه آن تولید برق است. عرضم این است وزارت

نفت که متولی تولید انرژی است دغدغه مصرف را دارد. شرکت ملی نفت متصدی تولید است و با مصرف تعارض منافع دارد اما وزارت نفت متولی تولید در گاز و سوخت است. بنابراین پیشنهاد ما این است که سازمان مدیریت مصرف انرژی ذیل ریاست جمهوری با تعارض شدید منافع وزارتخانه‌ها قرار می‌گیرد و آن مجموعه‌ای که ذیل وزارت نفت باشد کمتر با تعارض منافع مواجه خواهد شد و چون ذیل وزارت نفت است می‌تواند با ارکان وزارت نفت هماهنگی کند و موضوعات حاکمیتی و مالی داشته باشد و از حوزه وزارت موضوعاتش دنبال می‌شود.

سوالی مطرح می‌شود که اگر این مجموعه ذیل وزارت نفت برود آیا وزارت نیرو همسو با وزارت نفت خواهد بود؟ چون بخش انرژی که فقط گاز و بنزین نیست، ما برق و دیگر انرژی‌هایی هم داریم که متولی آن وزارت نفت نیست؟

قبول دارم. درست می‌فرمایید. کسی که متولی تولید است ارجحیت دارد به آن مجموعه‌ای که متولی مصرف است. وزارت نیرو هم به گونه‌ای مصرف کننده انرژی و سوختی است که وزارت نفت برای تولید انرژی به آن می‌دهد. نیروگاه‌های حرارتی بزرگترین مصرف کنندگان گاز وزارت نفت هستند.

یعنی می‌فرمایید ما بیاییم بهینه سازی را از بخشی شروع کنیم که ۸۰ تا ۹۰ درصد تولید انرژی کشور را بر عهده دارد و آن هم وزارت نفت است

درست است. اگر یک نیروگاهی میزان مصرف گاز خود را مدیریت کند و صرفه جویی کند میزان مصرف گاز آن که چند میلیارد متر مکعب در سال است پس می‌توان با حجم بسیار بالایی در آن صرفه جویی کرد. ما می‌گوییم شاید این پیشنهاد مدیریت برق را خیلی پوشش ندهد اما عملاً قدرت بهتری نسبت به سازمان مدیریت انرژی ذیل ریاست جمهوری است چون در آن صورت نه متولی وزارت نفت است و نه وزارت نیرو به دلیل تعارض منافع.

این طرح و پیشنهاد شما اگر بخواهد اجرایی شود چه کارهایی باید صورت گیرد؟

اولا باید تشکیل چنین سازمانی درمجلس تدوین شود و بعد اساسنامه آن تهیه شود و بعد اساسنامه در هیات دولت تصویب و بعد اجرا شود.

پیش بینی شما چگونه است آیا این سازمان ذیل وزارت نفت در حال عملیاتی شدن است؟

این طرح در حال انجام و پیگیری است که البته ما تجربه سانا و سابا داریم که ۴ تا ۵ سال طول کشید تا عملیاتی شود چون این سازمان بهینه سازی ذیل وزارت نفت مخالفینی هم دارد. اگر مخالفت‌ها کمتر شود شاید به همین زودی‌ها عملیاتی شود و ما هم پیگیری می‌کنیم چون یکی از حوزه‌هایی که می‌توان سیاست‌های بهینه سازی را اصلاح کند همین اصلاح ساختار حکمرانی حوزه بهینه سازی است و در حال برنامه ریزی جلسات کارشناسی تر آن هستیم که در زمان مقتضی آن را رسانه‌ای خواهیم کرد.

احمد رضا یوسفی – مدیرعامل شرکت پتروکپکشان تجارت آسیا

چشم انداز بازار قیر تایلند و جاذبه های قیمتی قیر ایران



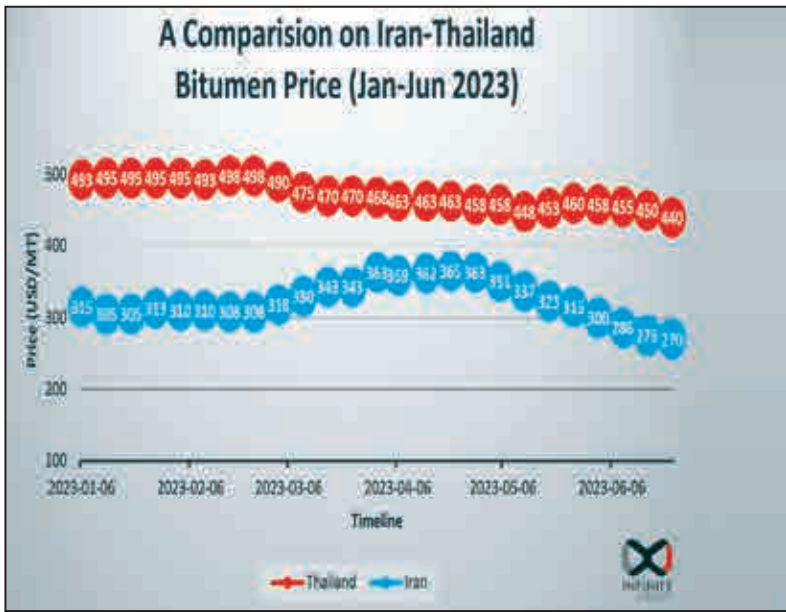
THAILAND



عنوان یکی از اصلی ترین و بزرگ ترین تولیدکنندگان قیر در شرق آسیا شناخته می‌شود، اما میزان تولید قیر ایران چهار برابر تایلند است، پالایشگاه های اصلی تولید قیر در تایلند عبارتند از: مجتمع پتروشیمی پالایشگاه IRPC در Rayong، Thai Lube Base، یکی از شرکت های تابعه Thai Oil در Sriracha، پالایشگاه Star Pe- troleum یا SPRC در بندر Map Ta Phut و پالایشگاه Esso در Sriracha

تایلند بطور متوسط سالانه چیزی حدود ۱.۳۶ میلیون تن قیر تولید می‌کند، با این حال، رکود اقتصادی جهانی ناشی از جنگ اوکراین بر سطح تولید در میان پالایشگاه‌های سراسر جهان تأثیر

تایلند قطب تولید و صادرات قیر در شرق آسیا است. اما مقدار زیادی از تقاضای آن کشور از ایران تامین می شود. کیفیت بالا، جذابیت قیمت و تنوع در بسته بندی عواملی است که قیر ایران را برای شرق آسیا به خصوص تایلند جذاب می کند. همانطور که در نمودار صفحه بعد مشاهده می کنید، فاصله زیادی بین قیمت قیر در ایران و تایلند وجود دارد. میانگین ماهانه قیمت قیر (بر اساس قیمت هر تن به دلار آمریکا) طی ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۳ در ایران و تایلند در جدول صفحه بعد آمده است. تفاوت قیمت قیر ایران و تایلند گاهی حتی تا ۲۰۰ دلار در هر تن رسیده است، در این شرایط تقاضای بیشتری برای خرید قیر ایران از تایلند دریافت می شود. اگرچه تایلند به



Month	January	February	March	April	May	June
Thailand	494.5	496	474.6	461.75	454.75	450.7
Iran	309.5	309	339.4	362.25	331.5	282.7

گذاشته است. مقدار تولید قیر در تایلند طی سالهای ۲۰۲۰ تاکنون هزارو سیصد و هشتاد هزار تن و مصرف قیر در تایلند در سال ۲۰۲۴ هزار و صد و بیست و چهار هزار تن بوده است. قیرهای ضریب نفوذی مورد استفاده در تایلند عبارتند از گرید ۷۰/۶۰ و گرید ۱۰۰/۸۰، قیرهای پرفورمنس گرید مورد استفاده در تایلند عبارتند از گرید PG64 و PG70 و PG76 و PG82 که این گریدها بر اساس نوع آب و هوا برای مناطق مختلف تایلند استفاده می شود.، قیرهای اصلاح شده PMB نیز مصارف زیادی در تایلند دارد.، قیرهای امولسیون شامل گریدهای CRS-1 و CRS-2 و CMS-2h و CSS-1 و CSS- و 1h و قیرهای کات بک شامل MC30 و MC70 و RC70 و RC250 که تقریباً تمامی این گریدهای قیر در ایران تولید و صادر می شود. تایلند به عنوان یکی از قطب های اصلی تولید قیر در شرق آسیا، تناژ قابل توجهی از قیر خود را در رقابت تنگاتنگ با تایوان، سنگاپور و کره جنوبی به دیگر کشورهای آسیای جنوبی شرقی صادر می کند. تایلند قیر خود را به کشورهایی مانند بنگلادش، چین، لائوس، مالزی، فیلیپین، کامبوج، اندونزی و حتی استرالیا صادر می کند. نمودار صفحه بعد میزان واردات، صادرات قیر در تایلند را تا سال ۲۰۲۴

نشان می دهد: پیش بینی می شود که صادرات قیر تایلند تا پایان سال ۲۰۲۳ به حدود ۳۳۵ هزار تن و واردات قیر تایلند از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۴ از ۲۹۸ هزار تن تا ۲۵۷ هزارتن کاهش یابد . تایلند قیر مورد نیاز خود را از ایران، مالزی و سنگاپور وارد می کند.

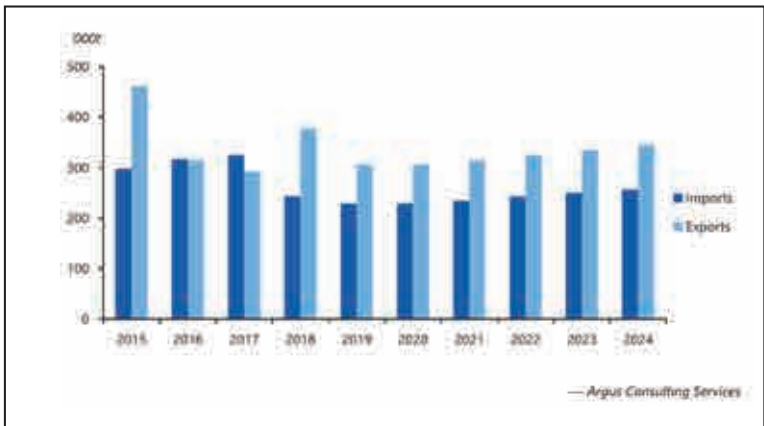
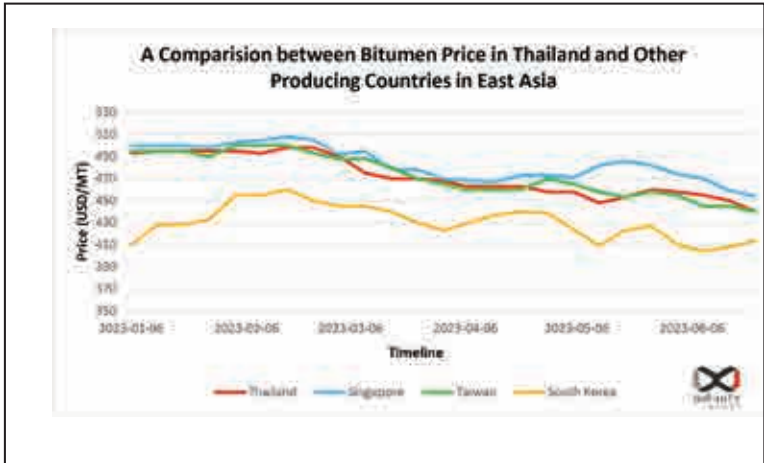
قیر ایران، کالای ارزشمندی برای واردات تایلند بر اساس شواهد علمی و حقایق موجود، ایران قادر به تولید قیر بسیار باکیفیت است که به راحتی از سایر تولیدکنندگان منطقه خلیج فارس قابل تشخیص است. تفاوت قیمت قابل توجه قیمت قیر ایران با سایر تولیدکنندگان جنوب شرق آسیا، قیر ایران را از نظر قیمت جذاب کرده است. همچنین قیر ایران تنوع بسته بندی قابل توجهی دارد و قابلیت عرضه به بصورت بشکه نو و جامبوبگ را دارد، این موضوع برای تایلند که جزایر زیادی دارد و امکان ارسال راحت به جزایر مختلف را دارد نیز مزیت قابل توجهی می باشد. خطوط کشتیرانی زیادی کالاهای ایران را از خلیج فارس به شرق آسیا به خصوص تایلند حمل میکنند و برای همین تنوع کشتیرانی؛ امکان ارسال سریع کالا وجود دارد. قیر ایران با بازرسی های بین المللی معتبر مانند SGS یا Geochem قابل تمایز از قیر دیگر تولیدکنندگان منطقه ای می باشد و بنابراین مشتریان می توانند گزارش بازرسی معتبر را از صادرکنندگان ایرانی درخواست کنند. قیر در بسته بندی جامبوبگ یک تنی با قفس فلزی محبوب ترین نوع بسته بندی برای بازار تایلند می باشد. این نوع بسته بندی به دلیل حافظ محیط زیست بودن و دور ریز صفر قیر، بسته بندی مناسبی برای تایلند می باشد. قیر در بسته بندی بشکه نو ۱۸۰ کیلویی نیز جز بسته بندیهای قابل قبول در



تفاوت قیمت قابل توجه قیمت قیر ایران با سایر تولید کنندگان جنوب شرق آسیا، قیر ایران را از نظر قیمت جذاب کرده است. همچنین قیر ایران تنوع بسته بندی قابل توجهی دارد و قابلیت عرضه به بصورت بشکه نو و جامبوبگ را دارد، این موضوع برای تایلند که جزایر زیادی دارد و امکان ارسال راحت به جزایر مختلف را دارد نیز مزیت قابل توجهی می باشد

تایلند می باشد که از محبوبیت کمتری نسبت به جامبوبگ برخوردار است. یکی از معیارهای اصلی تایید کیفیت قیر ایران و مقایسه آن با سایر تولیدکنندگان قیر خاورمیانه، بررسی گزارش کامل SGS است. لازم به ذکر است که شرکت های بازرسی بین المللی زیادی در ایران مشغول به کار هستند که SGS یکی از آنهاست. یکی از راه های تشخیص قیر مرغوب ایران از سایر تولیدکنندگان منطقه، آزمایش «SPOT Test» به عنوان آیتم اصلی ارزیابی کیفیت قیر است. اگر نتیجه SPOT Test منفی باشد به این معنی است که قیر از نفت خام خالص تولید شده است و قیر مرغوب ایران شناخته می شود. تایلند در زمینه صادرات و واردات روغن پایه (Base Oil) و پارافین (Paraffin Wax) نیز از کشورهای فعال می باشد.

روغن پایه Base Oil طی بازه زمانی ژانویه تا آوریل ۲۰۲۳ کشور تایلند ۱۱۰۸۳۴ تن روغن پایه وارد کرده است، بر اساس تجزیه و تحلیل داده های صورت گرفته، واردات این کشور در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۲۲



چیزی حدود ۹ درصد کاهش داشته است. در بازه زمانی ژانویه تا آوریل ۲۰۲۳ کشور تایلند ۸۸۴۲۱ تن روغن پایه نیز صادر کرده است. روغن پایه ایران که عمدتاً با مبدا امارات به تایلند وارد می شود از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است و مصرف کنندگان زیادی دارد.

پارافین وکس Paraffin Wax در فاصله زمانی ژانویه تا آوریل ۲۰۲۳ نیز کشور تایلند چیزی حدود ۷۴۴۶ تن پارافین تصفیه کامل شده Fully Refined Paraffin Wax وارد کرده است که البته اطلاعات دقیق و روشنی در مورد میزان پارافین وکس نیمه تصفیه شده ایران به تایلند وجود ندارد اما این محصول با کیفیت بالا اسلک وکس مرغوب ایران در حال صادرات به تایلند می باشد. در جمع بندی می توان گفت، تایلند؛ کشوری غنی و در عین حال بازار مناسب و فعالی برای قیر و کالاهای روغنی ایران می باشد و پیشنهاد می شود، شرکتهای صادراتی با دقت نظر و در نظر گرفتن بهترین سرویس و خدمات خود به آن بازار نیم نگاهی داشته باشند.





توسعه خدمات فنی مهندسی کاتالیست‌های فرایندی، اولویت مهم در صنایع نفتی و پتروشیمی!

گفت و گو: امیر عباس امامی

اردیبهشت سال جاری و در حاشیه بیست و هفتمین نمایشگاه نفت مجالی به دست داد که با امیر حسین علوی فر مدیرعامل آرتین آزامهر گفتگو داشته باشیم. در این گفتگوی کوتاه علوی فر عنوان داشت: از سال ۱۳۹۸ با کسب مجوز، در منطقه اقتصادی بوشهر، واحد تولیدی با مشارکت صاحب امتیاز از کشور روسیه احداث کردیم و یکی از کاتالیست‌های مرکاپتان زدایی را بومی سازی کردیم. همچنین آزمایشگاه‌های مراکز نفتی و پتروشیمی را نیز طراحی، تامین کالا و تجهیز می‌کنیم. همین موضوع دستمایه‌ای شد که در فرصتی بتوانیم با این کارشناس حوزه نفت و گاز گفتگوی مفصلی داشته باشیم. وی دارای تحصیلات فوق لیسانس مهندسی صنایع، تحلیل سیستم‌ها و ارزیابی ریسک‌های عملیاتی و مالی، همچنین دکترای اقتصاد نفت و گاز با زیرگرایش زیرساخت‌های نفت و گازی و ارزیابی ریسک‌ها از روسیه می‌باشد و شرکت آرتین آزامهر از سال ۹۶ تاسیس یافته و در شهرهای اوفای روسیه، دبی، تهران و پارک فناوری بوشهر دفتر دارد.

جنگ روسیه و اوکراین شرایطی را از لحاظ موازنه قیمت فرآورده‌های نفتی ایجاد کرد و بازار فرآورده‌ها را نیز در ایران تحت تاثیر قرار داد، با توجه به آشنایی شما با اقتصاد روسیه چه سرمایه‌گذاری‌ها یا واسطه‌گری حوزه نفتی یا سوآپ می‌توانستید ایجاد کنید؟

شاید میتوانستیم، ولی فضای نفتی و تجارت فرآورده‌های نفتی هم برای شرکت ما و شرکای روسی ما ناشناخته بوده و در آن مزیت نسبی و رقابتی چندانی نداشتیم و هم به طور کلی این تجارت در روسیه در چنبره الیگارش‌ی‌ها و شرکت‌های بزرگ نفتی است. اما با توجه به ماهیت فعالیتیمان که بازرگانی تخصصی است یک کار دیگر انجام دادیم، و آن سیاست گذاری در ورود به زنجیره ارزش تولید فرآورده های نفتی و ایجاد فعالیت بازرگانی- تولیدی در این حوزه بوده است، به بیان دیگر به جای تجارت فرآورده‌های نفتی، سرمایه گذاری در زنجیره ارزش افزوده آن مانند مکمل های سوخت، اکتان

افزاه، آنتی اکسیدان ها، رنگ بنزین، بهبود دهنده های CFPP برای گازوئیل و با کالاهای تخصصی همچون تجهیزات آزمایشگاهی در این زنجیره بوده است. حوزه نفت و گاز در روسیه این مزیت را نسبت به کشور ما دارد که بخش عمده ای از کالاهای مصرفی، واسطه ای و سرمایه ای در این کشور توسعه یافته اند که حاصل سرمایه گذاری بلند مدت درآمدهای نفتی در توسعه تکنولوژی های نفتی بومی بوده است، و می توان گفت از لحاظ تکنولوژیکی در این حوزه تنه به فناوری های غربی می زنند، پس ما هم از ابتدا زمین بازی خود را در انتقال تکنولوژی این زنجیره تعریف کردیم تا کسب و کار ما مکمل کسب و کار پالایشگاههای بزرگ و کوچک کشور باشد. در واقع مزیت رقابتی ما در این است که محصول هیدروکربنی که تولید می شود، بتوانیم در بحث فرایند آن کمک کنیم تا ارزش افزوده آن کالا بالاتر رود. به طور مثال هم اکنون ما کاتالیست‌های مرکاپتان زدایی که به واحدهای هیدروکربنی می‌دهیم در هر تن نزدیک به ۵۰ دلار

می‌توانند محصولاتشان را گران‌تر بفروشند و در کنار کاهش چشمگیر محدودیت های زیست محیطی، هزینه های تولید را نیز کاهش می دهد. ما به آنها کاتالیست، و دانش چگونگی بکارگیری آن در فرایندها را ارائه می‌کنیم. بعلاوه خدمات دیگری همچون رنگبری از فرآورده های نفتی، بالابردن عدد اکتان، افزودنی های دیگر سوخت نظیر آنتی اکسیدانته‌ا، آنتی فوم، رنگ بنزین و ... که همگی مستلزم بکارگیری فرایندهای مهندسی است که در نهایت سبب افزایش کیفیت سوخت و نیز ارزش افزوده کالا در ارائه به بازار مصرف می شود در زمره خدمات شرکت ما قرار دارد.

خوشبختان این توسعه در سایه ی اعتماد به نیروی جوان و نخبه کشور محقق شده و دپارتمان مهندسی فرایند که مسئولیت ارائه خدمات فنی مهندسی کاتالیست‌های فرایندی را بر عهده دارد برای نخستین بار با این ماموریت در ایران ایجاد شده است، خدمات فنی مهندسی کاتالیست فرایندی به مجموعه ای از خدمات مرتبط با تحلیل، بهینه سازی و مانیتورینگ و کنترل و بهبود بهره برداری از کاتالیست ها و نهایتا بازیابی و تعویض کاتالیست ها در فرایندهای پالایشی و پتروشیمی، گفته می‌شود. در جهان شرکت های مطرح کاتالیست ساز نظیر Axens فرانسه یا UOP ایالات متحده سالهاست به ارائه این خدمات در خصوص محصولات کاتالیستی خود می‌پردازند.

شاید یکی از دلایل بی‌اعتنایی شرکت‌ها به خدمات فنی مهندسی بیشتر رویکرد خام فروشی بوده است؟

بله دقیقاً همینطور است، خدمات فنی مهندسی یعنی بهینه کردن و تحلیل اینکه به ازای یک واحد هزینه‌ای که می‌کنید، چند واحد سود به شرکت شما روانه می‌شود. وقتی شما به وفور خامفروشی می‌کنید کمتر دقت و تمرکز خود را برای بهبود کیفیت فرآورده‌ها معطوف می‌کنید و این مباحث زمانی شکل جدی به خود می‌گیرد که بازار مصرف رقابتی تر شود و ملاحظات نظیر ملاحظات زیست محیطی نیز در تصمیم گیری مصرف کنندگان دخیل شود.

به عبارت دیگر تحلیل و خدمات فنی مهندسی وقتی موضوعیت پیدا می‌کند که اقتصاد موضوعیت پیدا کند، و وقتی اقتصاد موضوعیت پیدا می‌کند که محدودیت‌های منابع موضوعیت پیدا می‌کند. اینکه درک درستی از این داشته باشیم که منابع مان بسیار محدود است و با این منابع محدود فرآورده‌هایی با ارزش افزوده بالا تولید و توزیع کنیم این فرایند تکمیل نمی‌شود مگر آنکه به معنی واقعی خصوصی سازی اتفاق بیافتد.

با این وضعیت میزان استقبال واحدهای مینی ریفراینری و پتروشیمی‌ها از خدمات شما به چه صورت بوده است؟

کمابیش خوب است به خاطر اینکه با این محدودیت مواجه شده‌اند. زمانی بود کسانی که گازوئیل یا بنزین می‌فروختند هیچ توجهی به شرایط کیفی آن نمی‌شد و فرآورده‌ها تنها با یک برش فیزیکی امکان عرضه داشت، اما در بازارهای رقابتی کنونی کیفیت مسئله اصلی است. بهتر است بگویم از دو سمت این ضرورت باید فهمیده و تاکید شود، نخست از سمت واحدهای کوچک و متوسط خصوصی، اصل رقابت در بازار و ارائه محصول با کیفیت همواره یک مشوق اصلی است تا

متضمن حضور بلند مدت این واحدها در بازارهای منطقه باشد. دوم از سمت دولت، باید این ضرورت درک شود که همچون بسیاری از کشورهای دنیا توجه به واحد های مینی ریفراینری می‌تواند باعث افزایش امنیت انرژی داخلی و نیز افزایش رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال شود. به عنوان مثال کشور روسیه که کشوری نفت خیز است علاوه بر پالایشگاههای بزرگ و شناخته شده خود حدوداً ۵۰ واحد مینی ریفراینری نیز در مناطق شرق دور خود دارد و در این مناطق که شرکت Gazprom Neft به عنوان پخش فرآورده های نفتی امکان توزیع فرآورده‌ها را (به جهت بعد مسافت و هزینه های بالای حمل و نقل) ندارد از محصولات این مینی ریفراینری‌ها استفاده می‌شود. در امریکا نیز در مجموع حدود ۱۴۰ واحد مینی ریفراینری فعالیت می‌کنند و نقش بسیار مهمی در تامین سوخت و محصولات نفتی برای بازارهای محلی و مناطقی که دسترسی به ریفراینتری‌های بزرگ هزینه بر است ایفا می‌کند.

در این راستا دولت ایران هم باید با استفاده از سیاستهای حمایتی نظیر ارائه تسهیلات توسعه، تخفیفات مالیاتی، تعهد خرید محصولات برای بازار محلی، حذف برخی قوانین و محدودیتهای داخلی به توسعه این صنعت در ایران کمک کند. این واحدهای صنعتی نیز با سرمایه‌گذاری بخشی از سود خود در پیچیده تر کردن فرایندهای تولیدی باید متعهد به تولید محصولات با کیفیت تر و قابل رقابت با محصولات ریفراینری‌ها شوند.

یک چالش بزرگ در شرکت‌ها این است که علاقمندند همه امور را درون سازمانی ایجاد کرده و مدیریت کنند، خدمات مشاوره‌ای نیز از این قاعده مستثنا نبوده است؟

مفهوم تقسیم کار و متعاقباً تخصصی شدن کارها نخستین بار توسط آدام اسمیت حدود ۲۵۰ سال قبل مطرح شد، و به طور خلاصه تقسیم کار نه تنها میان افراد داخل یک شرکت بلکه میان شرکت های در چارچوب یک صنعت و یا حتی کشورها در مقیاس اقتصاد جهانی، باعث ایجاد تمرکز و عمیق شدن نتایج حاصله می‌شود، با این مقدمه باید پذیرفت که خدمات فنی مهندسی نیز در حوزه فرایندهای مهندسی شیمی یک فعالیت تخصصی است و حتی در صورتیکه شرکت‌ها دارای واحدهای تحقیق و توسعه فرایند هم داشته باشند به جهت آنکه تمرکز اصلی بر تولید است لذا بی‌نیاز از این خدمات نیستند.

شرکت آرتین آزما با تعریف پروژه‌های تحقیقاتی مشترک با دانشگاه خلیج فارس بوشهر در این زمینه علاوه بر بهره‌مندی از نیروهای تحقیق و توسعه خود از ظرفیت علمی دانشگاه نیز بهره‌می‌برد و به مسائل دقیقتر و عمیقتر برای نیل به راهکارهای صنعتی نظر می‌کند.

در حال حاضر ۸۵ درصد اقتصاد نفتی ما در اختیار شرکت‌های خصوصی و دولتی است، در این حوزه چه چالش‌هایی داشتید؟
شرکت های دولتی و نیمه دولتی به جهت دستیابی به منابع مالی و واردات کامل خط تولید و تکنولوژی در برهه‌ای که کمتر مشکل تحریم‌های اقتصادی وجود داشت خیلی جلوتر از بخش خصوصی هستند. ولی در این بخش چالش اصلی مدیریت تغییر و کندی روندها است، به هر حال به هر دلیلی از جمله تحریم‌ها نیاز تغییر در منابعی همچون

کالاهای مصرفی یا سرمایه ای و واسطه ای پیش می آید. متاسفانه شرکت های بزرگ دولتی در تحلیل ها و تغییر منابع به اندازه کافی چابک نیستند که همین امر می تواند به روند تولیدات آن شرکت ها آسیب وارد کند و هزینه تولیدات را بالا ببرد، لذا موضوعیت برونسپاری توسعه فرایندها و خدمات فنی مهندسی در این شرکت ها اهمیت دو چندان می یابد.

آیا حضور خدمات فنی مهندسی کاتالیستی در توسعه فرایندهای پتروپالایشگاهی موثر است؟
قطعاً موثر است، همانطور که پیش از این عرض کردم خدمات فنی مهندسی کاتالیست به مجموعه ای از خدمات مرتبط با تحلیل، بهینه سازی و مانیتورینگ و کنترل کاتالیست ها اطلاق می شود. کاتالیست های فرایندی بعضا به علت وجود فلزات ارزشمند در ساختار خود و نیز تکنولوژی های پیچیده در تولید، هزینه های هنگفتی را به شرکتهای مصرف کننده تحمیل می کند لذا برای اطمینان از اینکه توانسته اند در طول عمر مفید خود به اندازه کافی سبب ایجاد ارزش افزوده در فرایند شوند نیاز به تحلیل های جداگانه و مانیتورینگ Real time دارند و این خدمات باید توسط مجموعه ای ارائه شود که علاوه بر تسلط بر فرایندهای پالایشی، بر چگونگی عملکرد کاتالیست ها نیز در شرایط عملیاتی متفاوت تسلط کافی را داشته باشد.

در ابتدای گفتگو عنوان کردید که با ناترازی بنزین مواجه خواهیم شد، آیا راه حلی برای موضوع دارید؟
پیشنهاد من این است که از ظرفیت بخش خصوصی استفاده شود،

چرا که چابک تر بوده و چون امنیت شغلی دائمی و فرصت تکرار اشتباه ندارد، تصمیم های اقتصادی برایش خیلی پررنگ تر است. برای جبران ناترازی باید واحدهای مینی ریفراینری را تقویت نماییم، بخشی از این تقویت دانش است و بخش کمتر آن سرمایه. متاسفانه عنوان می شود که مینی ریفراینری ها فقط خام فروشی می کنند، اینکه خام فروشی بخش خصوصی به سرمایه گذاری بلند مدت تبدیل شود، خیلی محتمل تر است تا خام فروشی دولت، ولی مسئله اصلی در این خصوص ناپایداری اقتصادی و تصمیمات خلق الساعه است. اینکه شاید واحدهای تولیدی از شرایط عملیاتی و میزان خوراک اختصاصی یکسال آینده خود هیچ اطمینانی ندارند امکان سرمایه گذاری های بلند مدت را برایشان بسیار ضعیف می کند.

برای جبران ناترازی، واردات را توصیه نمی کنید؟
واردات یک راهکار کوتاه مدت است، حتی وقتی شما یک کشور نفتی هستید و ظرفیت تولید شما یک زمانی تا شش میلیون بشکه بوده البته پیش از انقلاب هدف تا تولید ۸ میلیون بشکه در روز بوده که ۷ میلیون از نفت خام خشکی و یک میلیون از نفت فلات قاره و دریا این میزان البته پس از انقلاب با مطرح شدن موضوعاتی نظیر تولید صیانتی و تاثیر تحریم های بلند مدت به شکل چشم گیری کاهش پیدا کرد و الان نیمی از آن تولید را داریم و از این میزان نزدیک به کمتر از دو میلیون بشکه در کشور تبدیل به محصولات میانی و فرآورده نهایی می شود، واضح است که تصمیم اقتصادی این است که هر آنچه که از نفت خام تولید می شود، صادر نکرده و به واحدهای پالایشی داخلی برای ایجاد زنجیره ارزش اختصاص دهیم. تصمیم اقتصادی بلند مدت



در این است که هر آنچه که خام فروشی می کنید در این مسیر بیاورید این کار نیاز به تصمیم گیری و اجرای سریع دارد.

توسعه واحدهای شیرین سازی و آزمایشگاهی در شرکت های تولیدی راه حل بهینه ای هست و در دراز مدت چه نتایجی خواهد داشت؟

این اقدامات می تواند به ایجاد پیچیدگی بیشتر و تکمیل زنجیره ارزش در واحدهای صنعتی کوچکتر کمک شایان توجهی کند، اما مسئله اصلی اینست که اگر واحدها بصورت مستقل عمل کنند تا چه اندازه امکان هدر رفت هزینه ها وجود دارد؟ بسیار مشاهده می شود که تجهیزات گرانبقیمت آزمایشگاهی به جهت آنکه تحلیل درستی در خرید آن ها وجود نداشته در واحدهای صنعتی بلااستفاده مانده اند، همینطور واحدهای فرایندی و استفاده از تکنولوژی های کاتالیستی، پرواضح است که این مسائل نیاز به تحلیل های گسترده Cost-ben-efit پیش از اجرا و توسط شرکت های متخصص دارد.

در مورد واحدی که در بوشهر تاسیس کرده اید، لطفاً بیشتر توضیح دهید و چه خدماتی ارائه می دهد؟

ما در بوشهر با سرمایه گذاری بخش خصوصی ایران – روسیه اقدام به تولید مشترک محصولاتی می کنیم که به افزایش کیفیت محصولات واحدهای پالایشی می انجامد از آن جمله می توان به کاتالیست های مرکاپتان زدایی اشاره کرد، علاوه بر آن تیم مهندسی فرایند شرکت مستقر در پارک فناوری خلیج فارس بوشهر، خدمات فنی مهندسی استفاده از کاتالیست های فرایندی و یا طراحی آزمایشگاههای صنعتی را بر عهده می گیرند، به عنوان مثال اینکه در فرایند شما و با شرایط عملیاتی شما به طور اختصاصی برای بوزدایی و کاهش سولفور و نیز کاهش هزینه های مترتب چه میزان دز کاتالیستی در چه زمانی به فرایند تزریق شود توسط تیم ما تحلیل و بررسی می شود. این خدمات در سطح کاتالیست های سولفور زدایی، هیدروتریتینگ، ایزومریزاسیون، و نیز انواع جاذب ها و مولکولارسیوها، کرین اکتیو و افزودنی های سوخت نظیر اکتان افزا، ستان افزا، بهبود دهنده CFPP و نیز طراحی آزمایشگاهها مشاوره در انواع دستگاهها و تامین آن انجام می شود.

این خدمات چه کاستی هایی را می تواند در این حوزه پوشش دهد؟
به طور کلی این خدمات از دو مسیر به واحدهای صنعتی کمک می کند، نخست کاهش هزینه های تولیدی و دوم افزایش کیفیت محصولات. به طور اختصاصی ما برای افزایش درآمد واحدها حاصل از شیرین سازی با کاتالیست های این شرکت جداول امکان سنجی اقتصادی ارائه می کنیم که مشخص می شود با چه سرمایه گذاری اولیه ای چه میزان درآمد زایی واحدها افزایش یافته است، در خصوص تجهیزات آزمایشگاهی نیز هدف کاهش هزینه ها و ارائه محصولات با دوام تر است.

به بوی نامطبوع مرکاپتان اشاره داشتید، در گذشته به چه صورت با شیوه سنتی عمل می کردند؟
استفاده از فرایند مرکاپتان زدایی از میعانات گازی و یا مشتقات نفتی

فرایند جدیدی نیست، تاریخچه این روش و به طور کلی روش مراکس Merox به سال ۱۹۵۴ در امریکا بر میگردد که توسط شرکت UOP توسعه پیدا کرد، اما عمدتا این فرایند در پالایشگاههای گازی در فرایند شیرین سازی گاز کنار فرایندهایی نظیر جذب گازهای اسیدی توسط آمین روی می داد، در سالهای اخیر و پس از قوت گرفتن تحریم های نفتی بر علیه ایران، بوی نامطبوع مرکاپتان علاوه بر مشکلات زیست محیطی که ایجاد می کند نشان از منشاء این میعانات از ایران هم هست، لذا میعانات گازی شیرین سازی شده راحت تر می توانند در بازارهای جهانی خرید و فروش شوند.

آینده فعالیت واحدهای مینی ریفراینری ها را با توجه به ظهور انرژی های تجدید پذیر به چه شکل ارزیابی می کنید؟ آیا با توجه به طرح های توسعه ای شرکت شما نیم نگاهی نیز به این جریانات دارید؟
این مسئله که عنوان کردید مقوله بسیار مهمی است که شاید در آینده برای کشور ما حائز اهمیت شود. در دنیا با یک شبیی سوخت های فسیلی به سمت انرژی های تجدید پذیر شیفت پیدا می کنند که از آن تحت عنوان گذار انرژی یا Energy Transition یاد می شود. پیش بینی این است که آنقدر این هزینه کم شود که اساساً استفاده از انرژی های فسیلی را تحت الشعاع قرار دهد، از نظر من چنین امکانی در کوتاه مدت متصور نیست. هیچ کدام از تحلیلگران اقتصاد انرژی این تحلیل را ندارند که ما از انرژی های فسیلی حتی زغال سنگ در کوتاه مدت بی نیاز خواهیم شد، چراکه در اقتصاد انرژی مفاهیمی هست به نام Energy Density و Energy Cost به عبارت دیگر میزان انرژی آزاد شده در واحد حجم و نیز هزینه هر مگاژول انرژی تولید شده، به عنوان مثال شدت انرژی زغال سنگ حدود ۲۴ الی ۳۵ میلیون BTU است در حالیکه هزینه آن حدود ۲ تا ۶ دلار بر مگاژول است این میزان البته در شرایط جغرافیایی و میزان تکنولوژی های در دسترس متفاوت است اما به طور مثال در کشور ما هنوز این پارامترها با اختلاف زیادی به نفع منابع هیدروکربنی است. پس بدیهی است اولویت برای کشور هایی که منابع هیدروکربنی غنی دارند اول اینست که از این منابع تولید ثروت شود و از ثروت حاصله برای توسعه تکنولوژی های روز به منظور بهبود انرژی های تجدید پذیر بهره گرفته شود.

با کشورهای همسایه اعم از عراق و پاکستان یا امارات چه تجارتی دارید؟

تاکنون در دو بازار عراق و پاکستان ورود کرده و صادراتی داشته ایم، در عراق مخصوصا در اقلیم کردستان تعداد زیادی واحدهای صنعتی برای تولید بنزین و گازوئیل با کیفیت پایین وجود دارد از جمله چالش های این واحدها افزایش عدد اکتان، افزایش فلش پوینت، کاهش بوی نامطبوع و رنگبری از گازوئیل است. به این منطقه علاوه بر صادرات کاتالیست، خدمات فنی مهندسی و نیز تجهیزات آزمایشگاهی هم صادر کرده ایم.

تولید کننده عمده کاتالیست ها در دنیا چه کشورهایی هستند؟
آمریکا رتبه اول و در ادامه کشورهای اروپایی مثل فرانسه و آلمان و به دنبال آنها روسیه و چین عمده ترین تولید کننده کاتالیست های دنیا هستند.

علیرضا مزبنی عضو هیئت رئیسه کمیسیون فرآورده های پارافینی اتحادیه صادر کنندگان فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی ایران

عرضه قطره چکانی مواد مورد نیاز تولید کنندگان پارافین در بورس



یکی از گلابه های جدی تولید کنندگان در حوزه انرژی، بی توجهی شرکت های دولتی و صنایع بالادستی به تامین خوراک مورد نیاز آنها و صادرات مواد اولیه (خام فروشی) با قیمت ارزان تر به کشورهای دیگر است. از سوی دیگر شاهد فروش و عرضه این مواد در بورس کالا با توجه به انحصاری بودن آن به افرادی هستیم که مجوزی از وزارت صمت بابت تولید پارافین نداشته اند.

اسلک وکس slak wax ماده اولیه تولید پارافین

در ابتدا باید به معرفی لوبکات بپردازم، لوبکات یکی از برش ها یا محصولات حاصل از پالایش نفت خام در پالایشگاه های مادر است ، که به عنوان خوراک اصلی شرکت های روغن سازی (شرکت نفت سپاهان ، ایرانول، نفت پارس و بهران) مورد استفاده قرار می گیرد. از لوبکات پس از طی فرآیندی، روغن پایه بدست می آید، که به عنوان ماده اصلی در تولید روغن های موتور، صنعتی و گریس از آن استفاده می شود. اسلک وکس یکی از محصولات جانبی فرآیند تبدیل لوبکات به روغن پایه می باشد که در اصل ضایعات تولید روغن پالایشگاهها و خوراک اصلی واحدهای پارافین ساز میباشد . در سال های گذشته پالایشگاه‌ها نسبت به این ضایعات (اسلک وکس ها) و چگونگی مصرف بهینه آن در یک حالت باتکلیفی به سر می بردند و یا آن را می سوزانند ، در نهایت پارافین سازها اسلک وکس را به عنوان ضایعه پالایشگاهی، تبدیل به پارافین جامد کرده و آن را به کشورهای دیگر صادر نمودند، به طوری که پس از آن کشورمان از وارد کننده پارافین، در شمار کشورهای صادرکننده پارافین قرار گرفت. این در صورتی بود که وزارت صمت و شرکت پخش و پالایش نیز شرکت ها را ساماندهی کرده و صنایع پایین دستی با تاییدیه دریافت خوراک از شرکت پخش و پالایش مجوز فعالیت از وزارت صمت دریافت کردند و به فعالیت پرداختند. در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی هم با بحث واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی، پالایشگاه های روغن سازی مذکور نیز به بخش خصوصی واگذار گردید که در واقعیت خصولتی بودند و از آن زمان با توجه به تعهد شرکت پخش و پالایش در رابطه با تأمین خوراک مواد اولیه، شرکت های روغن سازی در خود تعهدی نسبت به تامین خوراک این شرکت ها نمی دیدند، و صنایع پایین دستی پارافین با عدم رعایت تعهد شرکت پخش و پالایش به حال خود رها شدند، این مسئله ادامه داشت تا اینکه در چند سال گذشته چنین مقرر شد که خوراک و مواد اولیه این شرکتها در بورس کالا عرضه شود، اما عرضه قطره چکانی و رعایت نکردن مصوبه شورای رقابت در مورد فرمول قیمت گذاری باعث

کمبود مواد اولیه و صادرات آن به دیگر کشورها

اگر به خوبی دقت کنیم پالایشگاه ها بالادستی به سمت تولید پارافین روی آورده اند. برای مثال شرکت سپاهان در گذشته با دو واحد صنعتی در شهرک صنعتی اشتهارد قرارداد کارمزدی منعقد کرده بود. بعد از مدتی این دو واحد طرف قرارداد به خاطر مسائل مالیات و بیمه و قیمت پایین کارمزدی ورشکست شدند و کارخانه های آنها به شرکت نفت سپاهان رسید، در حالی که برای یک صنعت بالادستی اصلا شایسته نیست که به صنعت پایین دستی آسیب برساند، همانطور که شرکت پارافین ساز همیشه هوای شرکت های پایین دستی خود مانند شمع سازی ها را داشته تا بستر اشتغال از بین نرود. پالایشگاه های میانی روغن سازی باید به سرمایه گذاری و بهبود کیفیت محصولات روغنی خود بپردازند و از هدر دادن منابع خود و سرمایه گذاری مجدد، و نابود کردن سرمایه های ملی موجود خودداری کرده و این مواد و صنایع پایین دستی را رها کرده، تا این زنجیره در نهایت موجب رشد و شکوفایی و اشتغال زایی و تولید ارزش افزوده بیشتر در صنعت گردد. متأسفانه با رعایت نکردن به این موضوع در حال حاضر تنها ۳۰ شرکت از شرکت های پارافین سازی از ۱۳۰ شرکت فعال هستند. در این میان باید پرسید آیا کار درستی است که صنایع بالادستی مواد اولیه را به قیمت بسیار پایینی به کشورهای دیگر صادر کنند و باعث رشد و شکوفایی آنها شوند، در حالی که در کشورمان تقاضای زیادی برای آن وجود دارد؟ براساس آمارها حدود ۹۰ درصد از پارافین های صنعتی تولید شده بازارهایی را در کشورهای مانند هند، ترکیه، آسیای میانه، چین، آفریقا، حتی آمریکای جنوبی مانند مکزیک و اروپا بدست آورده بودند که در حال حاضر خرید مواد اولیه را به پارافین ترجیح می دهند.

کاهش انگیزه سرمایه گذاران

قوانین مصوب شده ولی انجام نشده در رابطه با وضع عوارض برای خام فروشی اسلک وکس و عدم عرضه و قیمت بالای خوراک و ترس از تأمین خوراک نقش مهمی در کاهش انگیزه سرمایه گذاران برای افزایش سرمایه و توسعه فعالیت آنان خواهد داشت. در این بیست سال بعد از خصوصی شدن پالایشگاه ها همیشه صحبت این بوده که دیگر مواد اولیه ای به شما نخواهیم داد و به فکر کار دیگری باشید. پروسه تولید و صادرات موفق، به یک امنیت سرمایه گذاری و مدت زمانی حداقل سه ماهه با کمترین نوسانات مواد اولیه و دلاری احتیاج دارد ، در صورتی که در این برهه زمانی، تولیدکننده چند دقیقه دیگر خود را در بازار سرمایه نمی تواند پیش بینی کند.

مهمترین چالش پیش روی این صنعت

مواد اولیه در صنعت مشابه خون در رگ های بدن می باشد. هر روز با افزایش قیمت و عدم عرضه روبه رو هستیم و همین انگیزه را برای ادامه تولید از بین می برد. چرا یک تولیدکننده در این کشور مدام در حال التماس کردن و توضیح دادن شرایط سخت کاری به وزارت خانه ها و نهادهای مختلف تاثیر گذار برای راضی کردن آنها به رفع موانع تولید و صادرات باشد؟ به گفته مقام معظم رهبری ما در یک جنگ اقتصادی هستیم که تولیدکننده و صادرکننده به عنوان رزمنده خط مقدم آن قرار گرفته است. پس چرا نه تنها برای این افراد خط مقدم هیچ امکانات و تجهیزاتی مهیا نمی شود، بلکه صدمات و خسارت های زیادی به آنها نیز وارد شده است. هر روز شاهد صدور بخشنامه ها و مصوبات مختلفی هستیم که بر دامنه چالش ها می افزایند. در این چند سالی که سالها را به نام تولید و حمایت از صنایع کوچک و جلوگیری از خام فروشی و صادرات



غیر نفتی و اشتغال زایی نام نهاده شده چه اتفاق مثبت و جدیدی به غیر از سخت تر شدن شرایط کسب و کار توسط مسئولین انجام شده و چقدر به نصیحت های رهبری توجه شده است .

چشم انداز صنعت پارافین

همیشه خوشبینانه به شرایط موجود نگاه کردیم. با توجه به شرایط حال حاضر اگر مصوبات شورای رقابت در مورد فرمول قیمت گذاری و مصوبه وزارت صمت در رابطه با رعایت عرضه خوراک در بورس کالا و انجام قوانین وضع عوارض برای خام فروشی اسلک وکس و رعایت قوانین فروش خوراک به دارندگان پروانه های بهره برداری در بورس انجام شود، آینده روشنی برای صنایع کوچک پایین دستی دور از دسترس نیست.

نقدی بر دستورالعمل بازگشت ارزهای صادراتی

در این خصوص باید گفت صنایع کوچک از هیچ گونه سوبسیدی بهره مند نیستند و الزام آنها به بازگشت ارز صادراتی در سامانه اصلا منطقی به نظر نمی آید. از سوی دیگر شرایط مناسبی برای انتقال ارز صادراتی وجود ندارد، در این خصوص باید گفت وقتی مصوبات حمایت از صنایع کوچک رعایت نمی شود و این تولید کنندگان مواد اولیه خود را بدون رعایت فرمول قیمت گذاری و به صورت عرضه قطره چکانی در بورس کالا با قیمت و رقابت بالا با دلار حدود ۵۰ هزار تومانی خرید می کنند و هزینه های تولید هم با دلار روز ۵۰ هزار تومانی محاسبه می شوند، چگونه می توانند قوانین برگشت ارز نیما و سنایی را انجام دهند و دلار خود را با قیمت ۳۸ هزار تومانی برای واردات کالاهایی غیر ضروری به واردکنندگان بدهند. اینجا باید گفت نه تنها صادرکننده مشوق صادراتی ندارد بلکه جریمه صادراتی هم می شود ولی واردکننده مشوق وارداتی با دلار سامانه ای می گیرد و اکثرا جنس خود را با دلار آزاد در بازار می فروشد، در صورتی که زمانی که شرایط تحریمی اجازه ورود دلار توسط سیستم بانکی را نمی دهد، وقتی صادرکننده ارز را به صورت ریالی در کشور توسط صراف دریافت میکند در اصل برگشت ارز خود را انجام داده است. اگر دولت مصوبات حمایتی شورای رقابت و وزارت صمت را در رابطه با تأمین خوراک با فرمول مصوب و بدون رقابت کاذب صنایع پایین دستی در بورس انجام دهد می تواند انتظار داشته باشد دلار هم به قیمت ۳۸ هزار تومان در سامانه دریافت کند در غیر اینصورت این نوع تجارت با ورشکستگی همراه است.

رضایت تولیدکنندگان نخواهد بود، چراکه به تبع آن کیفیت نیز تقلیل پیدا کرده است. درحالی که در سی سال قبل کیفیت و بازدهی روغن‌های کارکرده به ۷۰، ۷۵ درصد می‌رسید اما هم‌اکنون این میزان به ۵۰ درصد رسیده است و علت آن هم حجم زیاد مجوزهای صادره و رقابت بسیار زیاد این شرکت‌ها است. میزان روغن کارکرده در کشور مشخص است اما صدور مجوزهای متعدد خصوصاً در استان‌ها و عدم واردات این‌گونه روغن‌ها، باعث افزایش میزان تقاضا شده و قیمت هر بشکه روغن کارکرده را تا چهار میلیون تومان افزایش داده است. از سویی کیفیت آن‌ها به شدت کاهش یافته و بازدهی از یک تن روغن کارکرده به حداقل رسیده است. باید با برنامه این صنعت را جلو ببریم و صدور مجوزهای متعدد بار اضافی بر این صنعت خواهد بود.

صادرات است را شامل پرداخت ارز حاصل از صادرات با نرخ مصوب نموده است و این‌گونه تصمیمات قطعاً واحدهای تولیدی این صنعت را دچار مشکل نموده است. همچنین نرخ پایین بازار دوم نیز باعث می‌شود بسیاری از شرکت‌های بازیافت به‌مرور از بین رفته و تعطیل شود.

اتحادیه و تشکل‌های صنفی

اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی در تأمین و پیگیری مطالبات ما نقش مؤثری داشته و در بحث سوخت تقطیری، خرید روغن پایه، مقررات ارزی و ... کمک شایانی نموده است. ما به‌موازات آن عضو انجمن بازیافت هم هستیم.

افزایش تصاعدی قیمت روغن‌های کارکرده

افزایش بیشتر از ده برابری هر بشکه روغن کارکرده مسلماً مورد



صنعتگر خستگی ناپذیر و خیر مدرسه ساز

محرم فتحی صنعتگر زاده یکی از توابع شهرستان سیستان و بلوچستان آباد آذربایجان شرقی است که بیش از چهل سال است در صنعت فرآورده‌های روغن فعالیت دارد. با دو برادر خود در رباط کریم واحد تولیدی را تاسیس کرد و در ماهدشت کرج فعالیتشان را با شرکت جهان گریس ادامه داده و در شهرک صنعتی سلفچگان واحد تولید فرآورده‌های روغنی را ایجاد نمود که تا حال حاضر فعال است. از سال ۱۳۸۰ واحد تولید اسیدسولفوریک را نیز به آن اضافه نموده است. این فعال صنعتی ادامه می‌دهد: هفتاد محصول را تولید، بسته‌بندی و به صورت داخلی و صادرات انجام می‌دهیم. تعداد ۱۵۰ نیروی انسانی بصورت مستقیم در چهار واحد روغن موتور قلم، نیکان اسید، پیام شیمی و آذرخش آسیا در شکوهیه قم به کار مشغول‌اند. از جمله فرآورده‌های تولیدی می‌توان به روانکارهای خودروبی، اسیدسولفوریک ۹۸/۵ درصد، روغن موتور از تمامی گریدها، روغن هیدرولیک، انواع گریس‌ها از جمله کلسیم و بنتون اشاره کرد. در همین راستا کارخانه آذرخش آسیا با وسعت چهارهکتار را دومنظوره احداث کردیم که فاز یک آن برای تولید هیدروکربن‌ها و حلال‌ها و فاز دوم آن که در حال راه‌اندازی است و مقرر است سیستم‌های به روز تولید و تصفیه روغن پایه را در آنجا فعال نماییم. محرم فتحی یادی از حاج علی مردی صنعتگر و فعال حوزه روغن در منطقه سیستان آباد می‌کند که موجب این صنعت بودند و منطقه زادگاه خود را به قطب تولیدی روغن تبدیل کرد و به وی نیز در شروع کار کمک‌های زیادی نمود. وی در ادامه زبان به گلایه می‌گشاید و اینکه کار تولیدی در شرایط کنونی بسیار سخت شده است و تولیدکننده باید نود درصد خود را صرف مشکلات اداری، مالیات، بیمه، صادرات و ... نماید و ادامه می‌دهد در طول چند دهه گذشته اصلاً از تولید و کار خسته نشدم و عاشق تولید هستم اما شرایط کنونی خستگی مضاعفی ایجاد کرده است. تصمیمات لحظه‌ای دولتمردان در بحث قوانین و مقررات داخلی و صادرات باعث شده است که به تولید آسیب برسد. مواردی چون تعهدات ارزی و ماده ۴۵ ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌طور کلی بازارهای صادراتی ما که مدت‌ها روی آن‌ها متمرکز هستیم را دچار وقفه و خدشه کرده است. محرم فتحی بیش از اینکه سخنور باشد و یا دائماً زبان به گلایه بگشاید با تمامی ناملازمات و سختی‌های تولید، صنعتگری سخت‌کوش و نستوه است. به گفته خود وی تاکنون چندین مدرسه در استان آذربایجان شرقی ساخته و تعدادی مدرسه را تعمیرات اساسی انجام داده و عضو خیرین مدرسه‌ساز هست و بنا دارد هر سال یک مدرسه بسازد. فتحی خود را از جنس کارگران کارخانه‌هایش می‌داند و هم‌زمان با ورود کارگران همیشه در کارخانه حاضر بوده است. خانواده‌های بومی و بی‌بضاعت زیادی را در کارخانه‌هایش به کار گمارده و از آنان حمایت می‌کند. گفتگوی خبرنگار دنیای انرژی را با این صنعتگر خوشنام پی می‌گیریم:

مقاصد صادراتی روغن موتور قم

کشورهای میانمار، امارات، افغانستان، پاکستان، کشورهای آسیای میانه از جمله ترکیه و آفریقا اما طی یکی دو سال اخیر صادراتمان به دلیل مشکلاتی اعم از تعهدات ارزی که اکثر شرکت‌های روغن با آن گریبان گیرند کاهش یافته اما سهم فروش داخلی رونق دارد.

عدم ارائه تسهیلات به واحدهای صنعت بازیافت

صنایع بازیافت در تمامی کشورها از معافیت‌های شغلی، مالیاتی

و عوارض بهره‌مند می‌شوند اما واحدهایی که در صنعت بازیافت روغن‌های کارکرده فعال هستند و چرخه محیط‌زیست را از گزند روغن‌های کارکرده صنایع مصون می‌دارند از هیچ‌یک از معافیت‌ها برخوردار نیست. حفاظت از محیط‌زیست، اشتغال‌زایی و تأمین منافع ملی و ارزآوری از جمله امتیازات این صنعت محسوب می‌شود. با توجه به اینکه تمامی مواد اولیه ما مواد بازیافتی است که در بازار کشور برای آن‌ها مالیات و عوارض پرداخت شده است، اما در بخشنامه اخیر بانک مرکزی، روغن‌های کارکرده که تصفیه مجدد شده و قابل‌استفاده و



محسن ممقانی، عضو هیئت‌مدیره شرکت مشاوره انرژی سولوشن

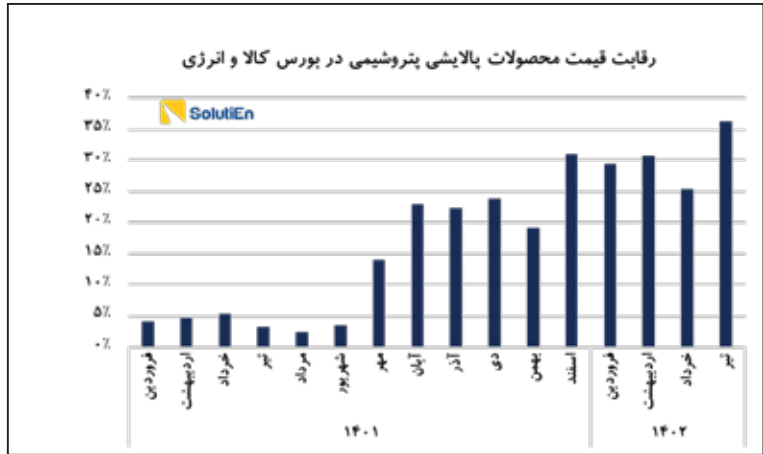
روایتی آماری از سیاست تثبیت‌ارز مرجع محصولات پالایشی و پتروشیمی



نوسانات نرخ ارز در سال ۱۴۰۱ دولت را بر آن داشت تا به‌منظور کنترل بازار محصولات نهایی مصرفی، سیاست‌های ارزی جدیدی را در پیش گیرد که محصولات پالایشی و پتروشیمی یکی از صنایع اصلی هدف این سیاست‌ها بود. به دلایلی ازجمله وابستگی منابع ارزی داخلی به درآمدهای صادراتی، اهمیت کنترل قیمت محصولات نهایی برای دولت، وابستگی بودجه دولت به درآمدهای فروش خوراک و وجود ذی‌نفعان متعدد، سیاست ارزی دولت در این زمینه با افت و خیزهای فراوانی همراه شد و در نهایت در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ به نقطه آغازین خود بازگشت. در ادامه، روایتی از این مسئله و تحولات و پیامدهای آن ارائه می‌گردد. با افزایش قیمت ارز در نیمه دوم سال، قیمت حواله ارز در بازار نیما روند صعودی به خود گرفت. بانک مرکزی به منظور کنترل نرخ ارز و آثار آن بر تأمین کالاهای اساسی، سیاست تثبیت نرخ نیما را در دی ماه همان سال در پیش گرفت که موجب کاهش عرضه در بازار نیما و به دنبال آن افزایش نرخ بازار آزاد شد. همچنین با هدف حذف آثار تورمی رشد نرخ ارز بر کالاهای مصرفی، نرخ ارز ثابت نیمایی ۲۸۵۰۰ تومانی در اسفند ماه به‌عنوان مبنای تعیین قیمت خوراک و محصولات صنایع پالایش و پتروشیمی در بورس اعلام شد. بازار متشکل ارزی نیز به‌عنوان سازوکار دیگری برای تأمین ارز واردات در نظر گرفته شد که عرضه ارز حاصل از صادرات محصولات پتروشیمی در آن صورت می‌گرفت و نرخ تعادلی آن در محدوده ۳۷۰۰۰ تا ۳۹۰۰۰ در نوسان بود. بنابراین در ابتدای امر و با اتخاذ سیاست‌های یادشده، در مجموع بین نرخ تسعیر تثبیتی مبنای قیمت‌گذاری خوراک و نرخ تسعیر مبنای درآمدهای صادراتی فاصله‌ای در حدود ۳۵٪-۳۰ ایجاد شد. با وجود اظهارنظر هیئت تطبیق قوانین مجلس شورای اسلامی نسبت به مغایرت سیاست ارزی دولت با قانون (نظام ارزی شانور مدیریت‌شده در کشور)، اما در عمل تا نیمه دوم سال ۱۴۰۲ این سیاست پابرجا بود. در نیمه دوم سال جاری، نرخ تسعیر ارز مبنای قیمت‌گذاری خوراک و محصولات پالایشی و پتروشیمی به‌استثنای برخی محصولات پرمصرف، به نرخ ارز بازار حواله تغییر یافت. تحولات سیاست ارزی دولت در مورد خوراک و محصولات پالایشی و پتروشیمی که مبنای قیمت‌گذاری

تحولات تعیین نرخ ارز مرجع محصولات پالایشی و پتروشیمی				
	نیمه دوم ۱۴۰۱	اسفند ۱۴۰۱	نیمه اول ۱۴۰۲	نیمه دوم ۱۴۰۲
خوراک	نیمای ثابت (۲۸۵۰۰)	نیمای ثابت	نرخ اعلامی (نیمای ثابت)	نرخ اعلامی (بازار متشکل)
فروش داخلی	نیمای ثابت	نیمای ثابت	نرخ اعلامی (نیمای ثابت)	نرخ اعلامی (بازار متشکل)
ارز صادراتی	نیمای ثابت	بازر متشکل	بازر متشکل	بازر متشکل

پتروشیمی در بورس کالا و انرژی در نمودار روبرو نشان داده شده است. علاوه‌بر مشکلات در زنجیره ارزش، برهم‌خوردن تعادل بازار و رقابت‌های قیمتی شدید در معاملات محصولات یادشده که در نهایت منجر به شکست دولت در دستیابی به اهداف سیاست ارزی خود شد، کسری بودجه دولت نیز دیگر اثر سیاست تثبیت نرخ ارز مرجع قیمت‌گذاری در بورس کالااست. برآورد می‌شود که کسری بودجه ناشی از فروش خوراک پالایشگاه‌ها، خوراک مایع پتروشیمی و اتان به قیمت تثبیت‌شده ۲۸۵۰۰ تومانی، معادل ۵۰ همت برای سال ۱۴۰۲ خواهد بود (براساس بودجه ۱۴۰۲ و با این فرض که سیاست نرخ تثبیتی تا پایان سال پابرجا می‌ماند).بنابر آنچه تاکنون گفته شد، به‌نظر می‌رسد که سیاست تثبیت ارز مرجع معاملات بورس کالا، به دلایلی ازجمله درک نامناسب از سازوکارهای بازار و زنجیره ارزش محصولات پالایشی و پتروشیمی، با شکست جدی مواجه شده و پیامدهای ناشی از اجرای آن، ادامه اعمال این سیاست را بسیار پرهزینه نموده است. نکته قابل‌توجه دیگر در مورد اعمال سیاست ارزی یادشده در بورس کالا، هدف‌گذاری نامتناسب با اهداف آن است که به دلیل سهم بسیار پایین معاملات محصولات در معرض ارز تثبیتی، در عمل اثر آن بر محصولات نهایی مصرف‌کننده را بسیار محدود می‌کند. از مجموع ۳۵.۷ میلیون تن محصولات نهایی تولیدی پتروشیمی با ارزش ۲۳ میلیارد دلار، ۳۵٪ آن مصرف داخلی است که تنها ۵.۵ میلیون تن از آن به ارزش ۶ میلیارد دلار در بورس عرضه می‌شود و باقی آن توسط شرکت های دولتی و بخش کشاورزی با نرخ مصوب مصرف می‌شود. بیش از ۷۵٪ از محصولات عرضه شده در بورس تحت سیاست دو نرخي ارز با رقابت قیمتی بالا معامله شدند و تنها محصولات معدودی مشابه روند تاریخی خود ناشی از بازار انحصاری و خریداران محدود با رقابت کم معامله شدند. بنابراین، از مجموع محصولات پتروشیمی تنها ۵.۶٪ محصولات تحت این سیاست با قیمت کمتری فروخته شده‌اند. همچنین در مورد محصولات پالایشی نیز از مجموع فراورده های تولیدی پالایشگاه ها حدود ۹۰٪ فراورده های اصلی است که توسط شرکت های دولتی بخشی صادر و بخش دیگر با نرخ دستوری به فروش می‌رسد. از فراورده های فرعی باقی مانده به ارزش حدود ۵.۵ میلیارد دلار ، ۵۸٪ از آن در بورس انرژی و کالا عرضه و باقی آن به صورت مستقیم (به عنوان نمونه خوراک پالایشگاه های



روغن) به صنایع پایین دست فروخته می‌شود. از مجموع فراورده های فرعی معامله شده در بورس ۸۱٪ آنها با رقابت بالا ناشی از تفاوت نرخ ارز معامله شده و تنها فراورده های نظیر نفتا رقابت نخورده‌اند که عمدتاً توسط صنایع پتروشیمی به صورت انحصاری خریداری می‌شود و در مجموع سهم آن حداکثر ۱.۲٪ از ارزش فراورده های تولیدی پالایشگاهی است. بنابراین در مورد سیاست تثبیت ارز مرجع قیمت‌گذاری خوراک و محصولات پالایشی و پتروشیمی، به‌طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:کمتر از ۵٪ از محصولات نهایی پالایشی و شیمیایی در معرض سیاست تثبیت ارز مرجع قیمت‌گذاری قرار گرفته، درحالی‌که کسری بودجه ناشی از تداوم آن طی سال جاری بالغ بر ۵۰ همت خواهد بود. هزینه بالای اجرای این سیاست، تداوم آن را در عمل غیرممکن نمود. محصولات مرتبط با کالاهای پرتقاضا در بازارهای مصرفی خرد (از جمله پلیمرها) در اثر رقابت قیمتی، با ارز نزدیک به بازار متشکل (حواله صادراتی) ارزش‌گذاری شده است. در مورد برخی محصولات، رقابت‌های قیمتی موجب جهش قیمت‌ها به بیش از دو برابر شده است. علاوه‌بر اختلال در زنجیره تأمین محصولات پالایشی و پتروشیمی، رقابت‌های شدید قیمتی (در نتیجه تعادل برهم‌خورده بازار) با بازتاب انتظارات در قیمت‌های نهایی، هدف دولت برای کاهش اثر انتظارات برون‌زا بر قیمت‌های مصرف‌کننده را از بین برده و تنها هزینه‌های بیشتری را بر دولت تحمیل نمود.



تحلیلی درباره سیاستگذاری پیرامون میدان مشترک آرش

میدان آرش، از مساله تابحران



رضا وثوقی –روزنامه نگار نفت و کارشناس روابط بین الملل

ظهور دور تازه ای از مجادله سیاسی میان ایران و دو همسایه اش در خلیج فارس بر سر بهره برداری از یک مخزن مشترک نفتی و گازی(در آبهای ایران موسوم به آرش و در آبهای کشور‌های عربی موسوم به‌الدوره) طی ماه‌های اخیر، همچنین چشم‌انداز مبهم فراروی کشور در چگونگی «مواجهه با مساله»، این قابلیت را دارد که به تدریج از شکل یک منازعه ی چالش برانگیز به یک بحران خزنده در وجوه سیاسی ،اقتصادی و اجتماعی کشور تبدیل شود. این یادداشت با تذکر اهمیت « تحرک فوری دیپلماتیک» برای تحدید حدود دریایی ایران در مناطقی خلیج فارس که تاکنون به سرانجام نرسیده است ، سعی دارد به این واقعیت بپردازد که نداشتن یک سیاست روشن در زمینه میادین مشترک تا چه حد و با کدامین دلایل می تواند برای منافع ملی کشور آسیب زا باشد.

گنج نهفته در آب های پارس

حوضه هیدروکربنی که در شمال خلیج فارس و در محدوده تلاقی مرزهای دریایی ایران وعربستان و کویت جا گرفته است، به احتمال قوی ذخیره گاز درجایی حدود یک تریلیون فوت مکعب و ذخیره نفت درجایی حدود ۳۱۰ میلیون بشکه را در خود جای داده است، این حوضه در خلال اکتشافات دریایی ایران و کویت در سال ۱۹۶۰ کشف شد اما به دلیل فقدان اجرای عملیات تخصصی اکتشاف که شامل لرزه نگاری های چندبعدی و حفاری چاه های اکتشافی و توصیفی می شود اطلاعات دقیق تری از مخزن یادشده در دست نیست و یا ممکن است طرف های ذینفع در این میدان اطلاعات دقیق تر خود را عمومی نکرده اند اما همان میزان برآورد اولیه نیز نشان از وجود ذخایر ارزشمند گازطبیعی و نفت در این میدان دارد. به زبان ساده، ذخیره گازی این میدان با برآورد اولیه و بدون انجام بررسی های دقیق تر معادل یک پنجاهم کل میدان گازی بزرگی است که میان ایران و قطر مشترک است، یا در تعبیری دیگر ذخیره گازی

ترکمنستان، فراخوان عمومی صرفه جوئی و جریمه های سنگین برای مصرف کنندگان دارای الگوی نادرست مصرف اعمال شود .در چنین شرایطی افزوده شدن ظرفیتی در حد میدان آرش می تواند یک «منبع قابل اتکا» برای جبران بخشی از ناترازی فصلی زمستانی کشور تلقی شود. هر چند دورنمای تولید پایدار گاز از این میدان تا اتصال آن به شبکه مصرف سراسری با چالش هایی جدی همراه است که در متن آن موضوعاتی همچون احداث سکوی سرچاهی، خطوط انتقال زیردریایی تا خشکی، پالایش و ذخیره سازی میعانات به خودی خود، آن را به یک ابرپروژه چالش برانگیز و سرمایه بر تبدیل می کند . به همین دلایل تصور اینکه میدان آرش را حتی در صورت گذار از مرحله منازعه حقوقی- سیاسی آن بتوانیم به آسانی به پشتوانه صنعت گاز کشور تبدیل کنیم تصوری خطاست. تا گاز میدان آرش از مخزن خارج و به خط لوله سراسری کشور برسد باید مسیری صعب و سخت طی شود که سرمایه گذاری بیش از ۳ میلیارد دلاری برای سکوها و خطوط لوله زیردریایی ، فقط مقدمه آن است. از سوی دیگر سالهای متمادی است که مدیران صنعت نفت ایران، پیشنهاد مشارکت به جای رقابت را به عنوان «راه حل ایرانی» برای بهره برداری مورد رضایت طرفین از این میدان توصیه و آن را تبلیغ کرده اند. ایده مشارکت به جای رقابت هم سابقه ای جالب در صنعت نفت ایران دارد که این یادداشت مجال توضیح و توصیف آن نیست. اما بجز مورد استثنایی میدان مبارک، ما تجربه ای گرانبها در میدان نفتی هنگام در مشارکت با کشور عمان داشتیم که در مراحل پایانی متوجه شدیم عمانی ها، در عین مذاکره و جلسات مشترک، برای تولید مستقل از میدان مهیا شده اند، شرکت نفت زود جنبید تا در تولید عقب نیفتیم اما «درس آموخته » ارزشمندی کسب کردیم. همین ایده را از میانه های دهه ۸۰ نسبت به میدان آرش هم داشتیم و بارها در ادبیات رسمی مسئولان صنعت نفت هم ایده مشارکت در منافع میدان میان طرفین ذکر شده است.در تجربه ای که با امارات و عمان داشتیم آن کشورها «مشترک بودن» در مخزن را با ایران به عنوان



ذخیره گازی این میدان معادل یک سیزدهم تمام گازی است که در سمت ایرانی میدان پارس جنوبی قرار دارد و امروز روزانه تا حدود ۸۰۰میلیون مترمکعب از آن تولید می شود.در حقیقت این میدان از نظر ظرفیت تولید گاز معادل یک فاز پارس جنوبی در سمت ایران و با اعداد دقیق تر تا یک میلیارد فوت مکعب(۲۸ میلیون متر مکعب) و ۹۰ هزار بشکه میعانات گازی توانایی دارد

یک حقیقت پذیرفته بودند اما درباره آرش کسی تاکنون به دعوت ما لبیک نگفته است چرا که کویتی ها (عربستان سعودی در این ناحیه با ما مرز مشترک ندارد بلکه منطقه بیطرفی میان عربستان و کویت وجود دارد که دو کشور درباره آن به یک رژیم عرفی رسیده اند) اساسا حضور ایران در آن بخش از آبهای شاخاب پارس را «ادعا» می دانند، آن را نپذیرفته اند و به همین دلیل شریک شدن در گنجینه هیدروکربوری زیربستر دریا را هم با ایران برنتابیده اند.از دست دادن شراکت در بهره برداری از این میدان می تواند برای ایران «عدم النفعی» بزرگتر از همه فرصت سوزی های نیم قرن اخیر پدید آورد. اگر با زبان اعداد بخواهم مساله را توضیح دهم اینگونه می نویسم که این میدان قادر است به مدت حدود ۲۷ سال روزانه معادل یک فاز پارس جنوبی گاز تولید کند، ارزش میعانات گازی تولیدی همراه گاز این میدان نیز تقریبا با ارزش کل نفت تولیدی از فاز نخست میدان یادآوران در غرب کارون برابری می کند. این ها بجز ظرفیت تولید نفت این میدان است که به دلیل فقدان اطلاعات متقن درباره سنگ مخزن و ظرفیت تولیدی اش نمی توان اکنون عدد قابل اعتمادی را بیان کرد.
باین توصیف هر نوع ناکامی ایران در اشتراک منافع پیرامون این میدان می تواند یک خسارت بزرگ تلقی شود.خسارتی که بجز عدم النفع اقتصادی، آثار ماندگار اجتماعی نیز خواهد داشت که در ادامه یادداشت به آن می پردازم.

میدانی برای اتحاد ها و اختلاف ها

در دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی، دو کشور عربستان و کویت توافقنامه همکاری مشترک در بهره برداری از میدان آرش را امضا کردند، آنها سندتمایل به همکاری را پیش از آن منعقد کرده بودند، حالا (سیتامبر ۲۰۲۳) و کمتر از یک سال بعد از توافق نامه همکاری، اطلاعات رسانه ها نشان می دهد در مسیر اجرای توافق همکاری، شرکت پرسابقه و معتبر فرانسوی «تکنیپ» به عنوان پیمانکار مطالعات مهندسی و به احتمال قوی تدوین پروژه توسعه و بهره برداری از میدان انتخاب شده است. اینکه جامعه ایرانی طی ماه های اخیر از وجود یک منازعه میان ایران و کویت درباره میدان آرش مطلع شده است و برخی مسئولان در وزارت خانه های خارجه و نفت واکنش هایی نسبت به فعالیت های کویت درباره میدان آرش داشته اند به دلیل همین تحرکات صورت گرفته از جمله توافق مکتوب سعودی و کویت، انتخاب پیمانکار و تدوین طرح توسعه در آن سوی این میدان و بدون مشارکت یا حتی اطلاع طرف سوم یعنی ایران بوده است. یکی از دلایل مهمی که تحرک فوری دیپلماتیک پیرامون میدان آرش را الزام آور می کند استعداد بالای این موضوع برای شکل گیری اتحادهای سیاسی و اقتصادی بدون مشارکت ایران و به همان تناسب «ظهور زمینه های اختلاف» میان ایران با کشورهای دیگر خلیج فارس است.رفتار کشورهای عربی خلیج فارس هم نشان داده است که در موارد مشابه، تمام کشورها در قالب «شورای همکاری خلیج فارس» پشت ادعاهای برادر غرب خود می ایستند.

از زمان پایان جنگ دوم جهانی، ایران با کشورهای همسایه اش در خلیج فارس تنها در دو مورد دارای اختلاف ارضی جدی بوده است که یک مورد با عراق پیرامون خط تالوگ و تحدید ساحل چپ اروند رود و دیگری با امارات عربی متحده درباره جزایر ابدی سه گانه ایران در

خلیج فارس است. اختلاف باعراق در نهایت به قرارداد الجزایر(امضای قرارداد، بدعهدی عراق و نهایتا پذیرش مجدد آن) منجر شد و در مورد دیگر ادعای امارات عربی درباره جزایر سه گانه همچنان یک ادعای تکرار شونده «مزاحم» در سپهر سیاست خارجی ایران است. از طرفی با توجه به شرایط حساس سیاست خارجی ایران، طرح هرنوع مجادله ی سیاسی یا «اختلاف جدی» درباره مسائل مرزی دریایی، می تواند یک چالش جدی سیاسی برای ایران در رابطه با همسایگان جنوبی خلیج فارس ایجاد کند که دورنمای سیاست خارجی کشور هم نشان می دهد ظرفیت پذیرش چالش جدی جدیدی را ندارد.

ترازویی برای سرمایه اجتماعی

بیش از ۵ سال از امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین توسط سران کشورهای ساحلی آن از جمله ایران سپری شده است، اما افکار عمومی ایرانیان هنوز نسبت به سرنوشت سهم ایران در این بزرگترین دریاچه جهان به دیده تردید می نگرد. به استناد ریشه های تاریخی متعدد ، افکار عمومی در ایران نسبت به هرنوع موضوع ارضی و مرزی در بالاترین سطح حساسیت قرار دارد. این واقعیت را مجال انکار نیست که ما ایرانیان نسبت به مباحث مرتبط با حاکمیت سرزمینی به شدت وسواس داریم و به محض بروز کوچکترین نشانه ی غیرمعمولی، برآشفته می شویم. نمونه های متعددی هم وجود دارد، از سلب صلاحیت حاکمیت بر بحرین در ۵۲ سال قبل گرفته تا دیوار مرزی تازه ای که اخیرا در مرز ایران و افغانستان احداث شده و موضوع بحث و جنجال شده است، همه نشانه ها از تداوم حساسیت بالای «افکار عمومی ایران» نسبت به موضوعات مرتبط با حاکمیت سرزمینی حکایت دارد. درباره میدان آرش هم ناگفته پیداست که هرنوع غفلت ایران درباره این میدان که سالها در ادبیات اقتصادی کشور میدانی مشترک میان ایران و کویت و عربستان معرفی شده است می تواند به شکل گیری یک جریان خشم اجتماعی منجر شود. معمولا این گونه اتفاق ها به سقوط سرمایه اجتماعی و سلب اعتماد عمومی نسبت به کفایت و صلاحیت دولت ها منجر می شود، در ایران نیز علاوه بر این ها می تواند به بازتولید زخمی در کالبد جامعه بدل گردد که تشفی آن نیازمند رنج و زمان بسیار است. امید که چنین رویدادی رخ ندهد.

میدانی برای منازعه حقوقی

یکی از وجوه مهم و قابل تامل پیرامون مساله میدان آرش، احتمال درگیر شدن ایران در منازعه ای حقوقی است، در میان راه حل های پیش رو در حل و فصل مساله، ارجاع به داوری بین المللی، یکی از سخت ترین گزینه های ممکن است. ایران به هیچ یک از دو کنوانسیون تاریخی حقوق بین الملل دریاها در ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ نیویورته است اما به دلیل امضای معاهده سوم در سال ۱۹۸۲ به عنوان کشور مشارکت کننده، و لاجرم به دلیل قواعد حقوق بین المللی مصوب کنفرانس وین ۱۹۶۹ ناشی از مشارکت در کنفرانس، متعهد است که «عملی انجام ندهد تا هدف و منظور معاهده مورد آسیب

قرار گیرد». البته پیوستن نهایی ایران به کنوانسیون حقوق بین المللی دریاها نیز الزاما به معنای حل و فصل منازعه ی فعلی پیرامون میدان آرش نیست. اما در کنوانسیون ۱۹۵۸ و در ماده ۲ «حق مطلق» کشورها برای اکتشاف و بهره برداری از منطقه فلات قاره مورد تاکید قرار گرفته و همین ماده نیز در کنوانسیون ۱۹۸۲ تکرار شده است.اما ماجرا به همین جا ختم نمی شود چرا که اساسا تعیین لبه خارجی فلات قاره کشورهای ساحلی به یکی از پرحالش ترین موضوعات حقوق بین الملل دریاها تبدیل شده است . همچنین در کنوانسیون های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ نیز مساله تحدید حدود فلات قاره در «غیاب موافقت نامه» ذکر شده است که کشورهای عضو و متعاهدین باید مرز را با اعمال اصل تساوی از نزدیک ترین نقاط خط مبدا که عرض دریای سرزمینی اندازه گیری می شود احراز کنند . اما در هر دو پاراگراف ماده ۶ کنوانسیون های یاد شده عنصر اساسی که ذکر شده است موضوع « موافقت نامه » است و به نظر نویسنده، این عنصر دریچه ورود ایران به یافتن سهل ترین راه حل برای ممانعت از منازعه حقوقی و سیاسی پیرامون میدان آرش است.

آرش؛ تکرار یک اسطوره

میدان نفتی و گازی که مناقشه کلامی برسر آن چندماهی است بالا گرفته، همنام یکی از پررمز و رازترین اساطیر ملی باستانی ایران است. آرش اسطوره ای، که مرزهای مشرقی ایران را به قیمت جانش تثبیت کرد و حدود ایران را به تاریخ پیوند زد. حالا اگرچه در زمانه ای کم توجه به اسطوره های باستانی مان به سر می بریم یک بار دیگر، نام آرش و مرزهای پرقابث ایران به هم گره خورده است. من در این یادداشت اصلی ترین دلایلی که می تواند غفلت ایران درباره میدان آرش را به مخاطره تبدیل کند ذکر کردم، عدم النفع اقتصادی، شکل گیری دور تازه ای از اتحادهای سیاسی علیه ایران، کاهش سرمایه اجتماعی و گرفتار شدن در منازعه ای حقوقی در سطح ساختار حقوق بین الملل از رؤس این چالش هاست. هر یک از این موارد به تنهایی می تواند «آرش» را از سطح یک «مساله» به سطح «بحران» برکشد و بدیهی است که حل و فصل بحران ها، هم پرهزینه تر و هم پیچیده تر از حل و فصل مساله هاست. لازم است یک تحرک جدی و فوری دیپلماتیک حتی در بالاترین سطوح اجرائی کشور، برای بازکردن پای ایران به یک توافق جمعی میان طرفین میدان آرش صورت گیرد. ایران هنوز حدود دریایی خود در شمال خلیج فارس را با دو کشور کویت و عراق مشخص نکرده است. از رهگذر مذاکره بر سر تحدید حدود دریایی، مشکله ی آرش نیز به سرانجام خواهد رسید. به نظرم اینکه اکنون و در این مقطع از پیشنهادهایی برای فروش سهم گازحقه ایران، به کویت یا عربستان، احداث پلنفرم بهره برداری مشترک یا مواردی مشابه سخن بگوئیم ممکن است باعث دور شدن از «حل و فصل اساسی مساله» شود. این مساله با بازشدن باب گفت و گوی دو یا سه جانبه پیرامون حدود خط مبدا، حدود حقوق مطلقه ی دولت های ذینفع در منطقه فراساحلی، مناطق انحصاری اقتصادی و مرزهای دریایی قابل حل شدن است.

ایران پلاست

رویکرد توسعه

صنایع تکمیلی

در سال رونق تولید

هفدهمین نمایشگاه بین المللی ایران پلاست روز یکشنبه ۲۶ شهریورماه در مراسم افتتاحیه ای در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران در فضای به وسعت ۳۲۰۰ مترمربع و با حضور ۵۶۰ شرکت داخلی و ۲۱۰ شرکت خارجی برگزار شد. پیش از برگزاری نمایشگاه، پیش بینی انجام تفاهم نامه ها و قراردادهای مختلفی طی روزهای برگزاری نمایشگاه ایران پلاست هفدهم میان فعالان صنعت پتروشیمی ایران مشخص شده بود که در این رویداد تفاهم نامه های نیز به ثمر نشست. به عبارتی تفاهم نامه هایی که در سطح کلان، رایزنی های آن از قبل مشخص بود که همزمانی انجام آن با نمایشگاه تحقق یافت. اما حضور شرکت های کوچک و متوسط که هرچند در سطح پیش بینی ها نبود اما به همکاری و قول و قرارهایی انجامید که می توان گفت این نمایشگاه و برگزاری آن خالی از لطف نبود. نمایشگاه ایران پلاست در سال های قبل به دلیل پاندومی کرونا بسیار کمتر از این تعداد مورد استقبال فعالان صنایع پتروشیمی و پایین دست آن قرار گرفته بود لذا نمایشگاه هفدهم به دلیل نبود محدودیت کرونا می توان این گونه بر آن اذعان کرد که نمایشگاه امسال بهتر از نمایشگاه ایران پلاست در زمان پاندمی کرونا بود. اما اگر بخواهیم با سال های خیلی قبل تر مقایسه کنیم نمایشگاه هفدهم به زبانی ساده فقط برگزار شد. در این گزارش پیش رو سعی شده است تا گذاری از چگونگی برگزاری نمایشگاه ایران پلاست هفدهم و ارائه نقطه نظرات مسئولین و ارائه مجموع تفاهم نامه هایی که به امضا رسیده است، بپردازیم.

نقش ایران پلاست هفدهم در رونق تولید

اواخر شهریورماه ۱۴۰۲ نمایشگاه بین المللی تهران رویدادی را تجربه کرد که می بایست تعداد مشارکت کنندگان بیش از دوره های قبلی از رونق حضور بازدیدکنندگان برخوردار باشد اما همانطور که گفته شد این نمایشگاه از رونق خاصی به لحاظ مراجعه کنندگان برخوردار نبود و بیشتر شرکت کنندگان نیز درصدد رایزنی هایی جهت یافتن حداقل همکاری با امضای تفاهم نامه ها و یا قرارداد بودند. اینکه در نهایت دستاورد نمایشگاه ایران پلاست هفدهم چه بود و چه مزیت هایی نسبت به نمایشگاه های سال های قبل تر



داشت، خیلی در منابع و یا اخباری اعلام یا منتشر نشد اما هرآنچه مشخص شد امضای چند قرارداد رسمی بین شرکت های پتروشیمی با برخی سازنده ها و یا صنایع پایین دستی بود که صورت گرفت و آگاهی ما از این موضوع نیز تنها رسانه ای شدن آنهاست. اما اینکه این قراردادها تا چه حد می توانند برای بخش پایین دست صنایع تکمیلی مثر ثمر باشد این موضوع هم خیلی مشخص نیست و باید بازتاب آن را از رشد صنایع پایین دست پتروشیمی از نگاه آمارها و یا نماگرهای اقتصادی به دست آوریم که معلوم هم نیست آن دستاوردها از برگزاری چنین نمایشگاه هایی بوده است و یا پیگیری متداوم بخش خصوصی به رونق آن دامن زده است.

به هر حال، نمایشگاه امسال نیز مانند دیگر نمایشگاه ها با سخنرانی مقامات ارشد صنعت نفت آغاز گردید که در این سخنرانی ها نوید وضعیت مطلوب و توسعه صنایع تکمیلی داده شد و تحقق رویای تکمیل صنایع تکمیلی تا پایان دولت سیزدهم نیز داده شد. جواد اوجی وزیر نفت به عنوان سخنران آیین افتتاحیه نمایشگاه ایران پلاست گفت: صنعت پتروشیمی از صنایع کلیدی و مهم در کشور ایران است و این صنعت ارزآوری خوبی برای کشور دارد و سال گذشته نزدیک ۱۶ میلیارد دلار محصولات پتروشیمی به اکثر کشورهای جهان صادر شد.وی با اشاره به اینکه سهم محصولات پتروشیمی در صادرات غیرنفتی حدود ۵۰ درصد است که در ۷۰ مجتمع پتروشیمی ایران تولید می‌شود، تصریح کرد: صنعت پتروشیمی در اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد ارزی سهم بسزایی دارد، همچنین این صنعت با توجه به نیاز روزافزون دنیا به محصولات بالادستی و پایین‌دستی پتروشیمی، تحریم‌ناپذیر است. وزیر نفت درباره توسعه صنایع تکمیلی گفت: برنامه‌ریزی خوبی در دولت سیزدهم و وزارت نفت شکل گرفته که ظرفیت تولید را در بخش بالادست و زنجیره ارزش تا پایان این دولت افزایش دهیم، صادرات یک تن محصول پلیمری ساده، درآمدی معادل ۹۰۰ تا یک هزار دلار ایجاد خواهد کرد، اما اگر محصولات پلیمری تا پایان زنجیره توسعه داده شده و به محصول نهایی تبدیل شود، درآمد حاصل از صادرات به حدود ۵ تا ۶ هزار دلار در هر تن افزایش خواهد یافت. اوجی با اشاره به اینکه در تولید پلیمرها در کشور سرمایه‌گذاری‌های خوبی شده که این محصولات، خوراک پایه تولید مواد پلاستیک به‌شمار می‌رود، گفت: در پالایشگاه‌های گازی، پروپان و اتان تولید می‌شود که این محصولات در مجتمع‌های پتروشیمی به پروپیلن و اتیلن و در ادامه به پلی‌پروپیلن و پلی‌اتیلن تبدیل می‌شوند، بنابراین ظرفیت خوبی در کشور برای تأمین خوراک پلاستیک وجود دارد. این نمایشگاه تنها مربوط به عرضه محصولات پتروشیمی و پایین‌دستی نیست، بلکه فرصتی برای عرضه توانمندی‌ها در حوزه ادوات و تجهیزات در زمینه پتروشیمی و صنایع پتروشیمی است و صدور خدمات فنی و مهندسی از همین‌جا شکل می‌گیرد. وزیر نفت با بیان اینکه راهبرد مادر وزارت نفت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی، تکمیل این طرح‌ها، ورود به زنجیره ارزش و بومی کردن دانش فنی و ساخت کاتالیست‌ها است، افزود: هم‌اکنون ۸۵ کاتالیست مورد نیاز در صنعت نفت بومی‌سازی شده و تا پایان دولت نیاز کشور به کاتالیست‌های پتروشیمی و پالایشگاهی به‌طور کامل در داخل تأمین خواهد شد. مرتضی شاهمیرزایی مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی به‌عنوان دیگر سخنران این مراسم نیز اظهار کرد: امروز ظرفیت نصب‌شده صنعت پتروشیمی به بالای

۹۲ میلیون تن در سال رسیده و روزانه معادل یک میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه خوراک مجتمع‌های پتروشیمی است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی به‌فعالیت ۶۷مجتمع تولیدی و سه مجتمع سرویس‌های جانبی

در کشور اشاره کرد و گفت: چشم‌انداز ما برای آینده صنعت پتروشیمی بسیار خیره‌کننده و جذاب است و برنامه‌های توسعه‌ای هفتم توسعه پارسال آماده شد و برنامه هشتم توسعه نیز هم‌اکنون نهایی شده و آماده‌است. شاهمیرزایی از ۱۵۰ میلیارد دلار فرصت سرمایه‌گذاری در صنعت پتروشیمی ایران در افاق پایان برنامه هشتم توسعه خبر داد و تصریح کرد: این فرصت‌ها بخش‌های مختلف صنعت از بالادست تا میان دست و پایین دست را شامل می‌شود. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی به‌امضای تفاهم‌نامه‌های شرکت ملی صنایع پتروشیمی و سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در سال گذشته اشاره کرد و گفت: بر اساس این تفاهم‌نامه، شرکت‌های پتروشیمی فروش اعتباری محصولات پتروشیمی در بورس کالا را برای واحدهای پایین دست آغاز کردند، به‌طوری که در پنج ماه اخیر ۲۸ هزار میلیارد تومان فروش اعتباری انجام شده است که اگر این واحدها می‌خواستند تسهیلات در این زمینه دریافت کنند بسیار زمان‌بر بود. شاهمیرزایی با تأکید بر اینکه صنعت ارزش آفرین، اشتغال‌زا، ارزآور پتروشیمی حرکت جهنده و تحولی را آغاز کرده است، تصریح کرد: صنعت پتروشیمی، صنعتی سبز است و ۳۵ درصد فضای صنعتی پتروشیمی را فضای سبز تشکیل می‌دهد. انتظار داریم دیگر دستگاه‌ها از جمله سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت صمت و… در این راه ما را یاری کنند تا طرح‌های پتروشیمی با سرعت بالاتری نهایی شوند.

برگزاری نشست های تخصصی و دیدارهای بین المللی و همکاری مشترک در ایران پلاست

آنچه از اخبار نمایشگاه استناد می شود از جمله دستاوردهای نمایشگاه، امضای ۲۰ قرارداد و تفاهم نامه به صورت رسمی و ده‌ها قرارداد و تفاهم‌نامه به صورت غیر رسمی میان تولیدکنندگان و شرکت‌های ایرانی و خارجی بود که به امضا رسیده است. از جمله قراردادهای خارجی صورت گرفته می توان به امضا تفاهم نامه همکاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت اوز کیمو صنعت ازبکستان باهدف گسترش روابط دو کشور بود اشاره کرد. بازدید سفیر عربستان از ایران پلاست نیز از شاخص ترین رویداد نمایشگاه ایران پلاست هفدهم بود که می گویند این بازدید به توسعه همکاری بیشتر در حوزه صنعت پتروشیمی می افزاید. مرتضی شاهمیرزایی مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در حاشیه بازدید سفیر عربستان از نمایشگاه ایران پلاست به او گفت: فرصت‌های



ایران و عربستان به عنوان دو قدرت مهم منطقه‌ای با دارا بودن منابع بزرگ نفت و گاز، می‌توانند همکاری‌های خود را گسترش دهند و صنعت پتروشیمی ایران دستاوردهای ارزشمندی را تحقق بخشیده است و در مسیر توسعه قرار دارد و آمادگی داریم تا با شرکت‌های بزرگی مانند آرامکو و سایبک همکاری کنیم

سرمایه‌گذاری مطلوبی در صنعت پتروشیمی ایران مهیاست و آمادگی داریم تا با شرکت‌های بزرگی مانند سایبک همکاری کنیم. عبدالله بن سعود العنزی، سفیر عربستان سعودی در ایران که برای دومین بار از هفدهمین نمایشگاه ایران پلاست بازدید می کرد، اظهار داشت: ایران و عربستان به عنوان دو قدرت مهم منطقه‌ای با دارا بودن منابع بزرگ نفت و گاز، می‌توانند همکاری‌های خود را گسترش دهند و صنعت پتروشیمی ایران دستاوردهای ارزشمندی را تحقق بخشیده است و در مسیر توسعه قرار دارد و آمادگی داریم تا با شرکت‌های بزرگی مانند آرامکو و سایبک همکاری کنیم.

از دیگر سواعلام آمادگی ایران برای افزایش صادرات محصولات پتروشیمی به صربستان نیز از دیگر دستاوردهای این نمایشگاه بود که در بازتاب های خبری منتشر شده است. مرتضی شاهمیرزایی در سومین روز از هفدهمین نمایشگاه ایران پلاست با خانم بلازویچ، معاون اقتصادی وزارت خارجه صربستان و دراگان تودوروویچ سفیر این کشور در ایران دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار بر آمادگی صنعت پتروشیمی ایران برای صادرات مستقیم به صربستان تأکید شد

رونمایی از دو گرید پزشکی در نمایشگاه ایران پلاست

از جمله دستاوردهای داخلی این نمایشگاه می توان به رونمایی از ۲ پلیمر گرید پزشکی در حاشیه نمایشگاه ایران پلاست اشاره کرد. دو پلیمر PVC_S70 و PVC_S67 گرید پزشکی پتروشیمی غدیر با مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی و مدیران هلدینگ تاپیکو رونمایی شد. تولید گریدهای جدیددر پتروشیمی غدیر، کیمیا و جم از جمله تلاش‌های صنعت پتروشیمی برای خودکفایی در زنجیره ارزش افزوده پتروشیمی بوده است. با دستیابی به شرایط تولیداز سوی کارکنان شرکت پتروشیمی غدیر، دو محصول پر اهمیت PVC_S67 و PVC-S70 گرید پزشکی پس از تولید آزمایشی در مجتمع، مورد تأیید آزمایشگاه مرجع تخصصی قرار گرفت که پس از اخذ مجوزات سازمان غذا و دارو، قابل عرضه در بازار خواهند بود.گفته می شود که با این دستاورد ضمن تنوع‌بخشی به سبد محصولات این شرکت، گام ارزشمندی در رفع نیاز کشور به این محصول بارزش برداشته و نیاز کشور به واردات این گرید راهبردی به‌طور کامل برطرف می‌شود.

امضا شش سند همکاری شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی با شرکت های داخلی

شش سند همکاری میان شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و شرکت‌های داخلی در حاشیه سومین روز از هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران پلاست به امضا رسید. دو قرارداد ارائه لیسانس تولید پروپیلن از متانول به ظرفیت سالانه ۱۲۰ هزار تن و تولید پلی‌پروپیلن با ظرفیت سالانه ۱۲۰ هزار تن به امضای مجید دفتری، مدیرعامل شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و شرکت پترو کیمیای قشم رسید. سه تفاهم‌نامه ارائه دانش فنی و بسته طراحی فرآیندی و مهندسی فرآیند (PDP) دو واحد تولید پلی‌پروپیلن از پروپان با ظرفیت سالانه ۶۰۰ هزار تن با شرکت پالایش گاز ییدبلند خلیج فارس، توسعه کاتالیست‌های هم‌رسوبی مانند متاناسیون، شیفت دما پایین و سنتز متانول با شرکت مواد پژوهان گوهرفام و تولید گریدها و آمون کاتالیست‌های تازه تولید پلی‌پروپیلن با شرکت جم‌پیلن امضا شد. در این مراسم، موافقت‌نامه همکاری در زمینه توسعه، تکمیل و ثبت دانش فنی فرآیندهای تولید آروماتیک‌ها و محصولات مرتبط بین شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی و شرکت

مهندسان مشاور گسترش فرآیند شریف امضا شد.

امضا هفت سند همکاری سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی برای توسعه دانش بنیان‌ها

سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی به‌منظور مقابله با شرایط تحریم و توسعه اقتصاد دانش بنیان و تکمیل زنجیره ارزش پتروشیمی هفت تفاهم‌نامه همکاری به ارزش ۵۸ میلیون دلار و شرکت‌های داخلی در حاشیه نمایشگاه ایران پلاست امضا کرد. سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی در حاشیه سومین روز از برگزاری هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران پلاست، تفاهم‌نامه همکاری ایجاد پارک کُلر با شرکت پترو کاسپین سپهر به‌منظور مقابله با شرایط تحریم، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و تقویت مشارکت بخش خصوصی را با ظرفیت تولید سالانه ۱۹۲ هزار و ۵۰۰ تن امضا کرد. محل اجرای این طرح سایت سه منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی و ارزش آن ۱۸ میلیون دلار و ۶۰۰ میلیارد ریال است. تفاهم‌نامه تولید پلی اتیلن ترفتالات از ضایعات PET گرید بطری در سایت یک به ارزش ۱۰ میلیون دلار و ۶۰۰ میلیارد دلار با ظرفیت تولید سالانه ۸ هزار تن با شرکت فن تدبیر آویژه امضا شد. از جمله اهداف امضای این تفاهم‌نامه توسعه سرمایه‌گذاری‌های زیست محیطی و سلامت‌محور و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و تقویت مشارکت بخش خصوصی است. طرح احداث مجتمع بازیافت پسماند و پساب با شرکت پزشک افزار پهناب کاسپین در سایت یک منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی به ارزش ۲۶۷ میلیارد ریال و ظرفیت تولید سالانه ۳ هزار و ۶۰۰ تن از دیگر تفاهم‌نامه‌های امضا شده بود. از جمله اهداف امضای این تفاهم‌نامه توسعه اقتصاد دانش بنیان و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و تقویت مشارکت بخش خصوصی اعلام شده است.

برای نخستین بار در منطقه جنوب تفاهم‌نامه ایجاد کارخانه نوآوری با شرکت تحلیل گران علوم سگال در سایت یک با ارزش ۱۵ هزار میلیارد ریال امضا شد. تفاهم‌نامه تولید مواد حد واسطه، مواد مؤثره و اقلام بسته‌بندی دارویی به ارزش ۱۰ میلیون دلار و ۴ هزار میلیارد ریال با سندیکای دارویی امضا شد. خودکفایی صنعت دارویی و گسترش صادرات اقلام دارویی از جمله اهداف امضای این سند همکاری است. تفاهم‌نامه استحصال بنزن و تولوئن از DPG با شرکت صدرا شیمی خوزستان به ارزش ۲۰ میلیون دلار و ۲۲ هزار میلیارد ریال با ظرفیت سالانه ۹۰ هزار تن با هدف تکمیل زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی و جلوگیری از خام‌فروشی امضا شد. تفاهم‌نامه همکاری سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی با منطقه آزاد اروند نیز به‌منظور احداث طرح‌های پتروشیمی در این مراسم امضا شد.

جای خالی انجمن های مرتبط

نمایشگاه ایران پلاست هفدهم هر چه بود گذشت و شرکت ها هر آنچه که در توان داشتند از این نمایشگاه برداشت کردند حال به چه دلیل جای بسیاری از شرکت ها و یا برخی از انجمن های مرتبط در این نمایشگاه خالی بود پاسخی برای آن نمی توان یافت اما آنچه مسلم است پویایی و استقبال از نمایشگاه ها بویژه در پایین دست و در بین شرکت های کوچک و متوسط است که می تواند به تداوم تولید منجر شود. هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران پلاست که از روز یکشنبه ۲۶ شهریورماه با رویکرد توسعه تکمیل زنجیره ارزش، حمایت از تولید ملی و رونق ساخت داخل در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران آغاز به‌کار کرد، در ۲۹ شهریور به کار خود پایان داد که آغازی دیگر را در نمایشگاه ایران پلاست هجدهم تجربه خواهد کرد.

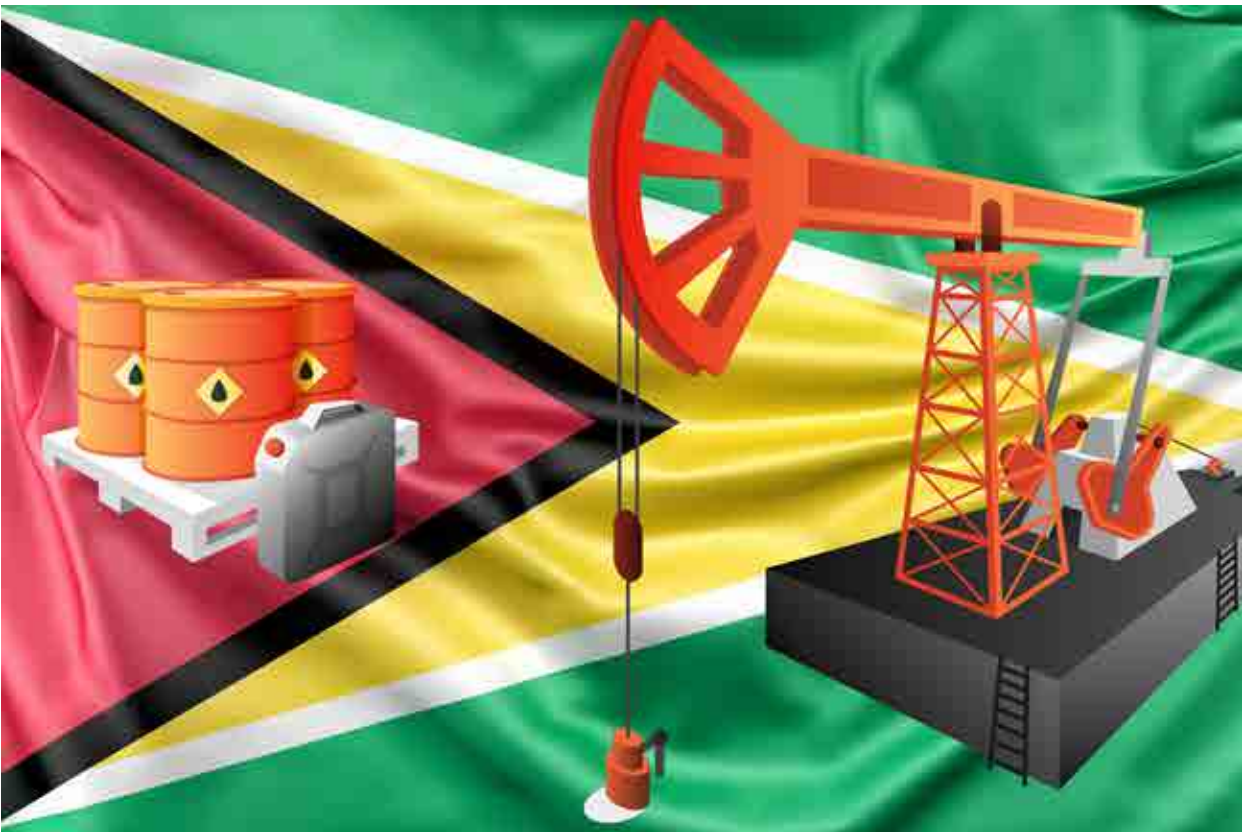
در آب‌های آبی عمیق سواحل گویان، کشتی‌های غول پیکر در حال مکیدن نفت از مخازنی هستند که سه کیلومتر زیر سطح دریا قرار دارند. این تجهیزات یکی از کوچک‌ترین و فقیرترین کشورهای آمریکای جنوبی را متحول خواهد کرد. در سال ۲۰۱۵، غول نفتی آمریکایی اکسون موبیل اولین ذخایر نفت خام منطقه را کشف کرد که در حال حاضر حدود ۱۱ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت خام برابر با ۰٫۶ درصد کل ذخایر نفت جهان است. تولید از این منطقه از سه سال پیش آغاز شد و اکنون در حال افزایش است. احتمالا تا سال ۲۰۲۸ تولید نفت به ۱٫۲ میلیون بشکه در روز برسد، رقمی که گویان را به یکی از ۲۰ تولیدکننده برتر نفت تبدیل می‌کند. این میزان تولید برای کشوری با ۸۰۰۰۰۰ نفر جمعیت یک ثروت خیره کننده است. از این پس قرار نیست سیاستمداران خارجی برای یافتن گویان روی نقشه تلاش کنند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، هم در ۶ ژوئیه به این کشور سفر کرد. این ثروت بادآورده گویان تولید نفت آمریکای لاتین را احیا می‌کند. بر اساس گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی، تولید جهانی نفت از هم اکنون تا سال ۲۰۲۸ به میزان ۵٫۸ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. حدود یک چهارم این میزان عرضه از آمریکای لاتین تامین خواهد شد و به یک دهه کاهش تولید در منطقه خاتمه خواهد داد. پیش‌بینی‌ها از رشد تولید آرژانتین، برزیل و گویان می‌گویند و از کاهش تولید در مناطق دیگر. تقاضای جهانی برای نفت در دهه‌های آینده به نقطه اوج خود

حماقت‌های نفتی آمریکای لاتین چگونه شکل گرفت؟

آیا آمریکای لاتین تبدیل به خاورمیانه جدید نفتی می‌شود؟

اکنونمیست - ترجمه: فاطمه لطفی

خواهد رسید، زیرا رشد جایگزین‌های انرژی فسیلی، یعنی انرژی‌های پاک‌تر، صعودی خواهد شد. در حالی که نفت همچنان در طول دوران گذار انرژی باز هم مورد نیاز خواهد بود، برای باقی ماندن در عرصه رقابت با انرژی‌های پاک، باید ارزان‌تر و با انتشار کم‌تر کربن تولید شود. برزیل و گویان احتمالا بیشتر از اکثر صادرکنندگان سود خواهند برد. در گویان، اکسون‌موبیل و شرکای آن برای عرضه نفت به بازار وقت تلف نمی‌کنند. مگان مک‌دونالد، سخنگوی این شرکت، می‌گوید: «هدف دولت و همچنین ما تسریع توسعه منابع



در این کشور در سریع‌ترین زمان ممکن است». بخشی از آن نیز به حداکثر رساندن سود شرکت است در دوره‌ای که قیمت نفت بالا است. در مقابل، گذار انرژی برای سایر نقاط آمریکای لاتین چیزی در حد مجازات خواهد بود. بسیاری از شرکت‌های نفتی دولتی ناکارآمد هستند و بشکه‌های نفت کثیف [با انتشار بالای کربن] تولید می‌کنند. کشورهایی چون اکوادور و ونزوئلا به طرز غم انگیزی آماده [این گذار انرژی] نیستند. رئیس‌جمهور مکزیک میلیاردها دلار را برای حمایت از شرکت دولتی بی‌کفایت نفت هدر می‌دهد. امتناع این کشورها از تعدیل می‌تواند عواقب اقتصادی بدی داشته باشد. جغرافیای جدید نفت در منطقه درس‌هایی برای جهان دارد. در برزیل این رونق پیش‌رو به دهه‌ها قبل برمی‌گردد. در سال ۲۰۰۶، مهندسان پتروبراس، شرکت نفت دولتی برزیل، کشف بزرگی به ثبت رساندند. در نزدیکی سواحل ایالت سائوپائولو و زیر سه کیلومتر آب اقیانوس و پنج [کیلومتر] سنگ و نمک دیگر، یکی از بزرگترین میداین نفتی فراساحلی جهان قرار دارد. برای رئیس‌جمهور وقت، لوفیز ایناسیو لولا داسیلوا، این کشف ثابت کرد که «خدا برزیلی است». این [مخازن موجود در لایه‌های] به اصطلاح پیش‌نمک (pre-salt fields) بی‌انتها به نظر می‌رسند. بیش از صد حلقه چاه حفر شده که از هر کدام نفت سیاه فوران کرده است. تولید این میداین از ۴۱۰۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۲٫۲ میلیون بشکه در روز در سال گذشته افزایش یافت.

خدا برزیلی است یا گویانی؟

میداین پیش‌نمک برزیل را از یک تولیدکننده حاشیه‌ای نفت به هشتمین کشور بزرگ [تولید کننده نفت] جهان تبدیل کرد. زمین شناسی این میداین همراه با سرمایه‌گذاری پتروبراس در جدیدترین فناوری‌های این حوزه، استخراج نفت [در برزیل] را کارآمد می‌کند. به گفته شرایتر پارکر از شرکت مشاوره ریستاد انرژی، برزیل و گویان می‌توانند نفت را با قیمت سودآور ۳۵ دلار در هر بشکه تولید کنند که کمتر از نیمی از قیمت امروز است. مقدار CO2 معادل منتشر شده در هر بشکه ۱۰ کیلوگرم است، در حالی که میانگین جهانی آن ۲۶ کیلوگرم است. پارکر معتقد است: «برزیل و گویان از بشکه‌های [نفتی] خیلی خوبی برخوردارند که بازار به دنبال آن است».

اکنون لولا دوباره به قدرت بازگشته قول خبرهای خوش دیگری هم داده است. پتروبراس قصد دارد تقریبا نیمی از بودجه ۶ میلیارد دلاری اکتشاف خود را طی پنج سال آینده در نوار استوایی، منطقه‌ای در شمال شرقی برزیل در نزدیکی گویان، هزینه کند. دولت انتظار دارد این منطقه بیش از ۱۰ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال داشته باشد که تقریبا معادل میداین پیش‌نمک است. نهادهای محیط زیست برزیل اخیرا درخواست پتروبراس را برای مجوز حفاری در این منطقه رد کرده است، اما پتروبراس می‌گوید که به این تصمیم اعتراض خواهد کرد. این شرکت از حمایت چندین مقام سیاسی بلندپایه برخوردار است. الکساندر سیلوپرا، وزیر معدن، نوار استوایی را «گذرنامه آینده» نامیده است.

حکومت نفتی جدید

مواهب طبیعی برزیل به تنهایی منجر به اقبال خوب پتروبراس نشد. سیاست صحیحی [که این کشور در پیش گرفته] بسیار مهم بود. زمینه [اجرای این سیاست‌های درست] در دهه ۱۹۹۰، که یک دولت میانه‌رو یک آژانس نظارتی مستقل ایجاد و سرمایه‌گذاری هنگفتی را در اکتشاف [نفت] آغاز کرد، فراهم شد. ثروت این شرکت در دوران مدیریت دیلما روسف، از منصوبان لولا، از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶، تغییر کرد. حتی با سقوط قیمت جهانی نفت پتروبراس تحت مدیریت او میلیاردها دلار برای [تولید] سوخت داخلی هزینه کرد. این شرکت تا سال ۲۰۱۵ بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی بالا آورده بود. یک تحقیق نشان داد که این امر در مرکز یک طرح غول‌پیکر برای خرید حمایت سیاسی قرار دارد. پارکر می‌گوید: پس از استیضاح خانم روسف، به اتهام دستکاری در حساب‌های عمومی برای پنهان کردن حجم بحران اقتصادی برزیل، دولت یاد گرفت که «با پتروبراس به جای یک وزارت، مانند یک تجارت رفتار کند.» پدرو پارتته، مدیرعامل، دارایی‌های شرکت را فروخت تا بر میداین پیش‌نمک تمرکز کند و نیروی کار را هم کاهش داد. قوانین جدید به غول‌های بین‌المللی اجازه می‌داد در اکتشاف و تولید شرکت کنند و رقابت را افزایش دهند. سود سال گذشته پتروبراس به رکورد ۳۶ میلیارد دلار رسید (تا حدی به دلیل قیمت بالای نفت). کمتر شرکت نفتی در منطقه وجود دارد که از این چرخش فوق‌العاده پتروبراس چیزی آموخته باشد، یا این شانس را داشته باشند که به اکتشافات جدید دست یابند. آمریکای لاتین پس از خاورمیانه دومین ذخایر اثبات شده نفت در جهان را دارد، با این حال شرکت‌های دولتی آن بارها فرصت‌های [نفتی خود] را هدر داده‌اند. برخلاف بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس، دولت‌های این منطقه عموما در ایجاد صندوق‌های ثروت دولتی پیچیده برای هدایت درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شکست خورده‌اند. در عوض به نفت به عنوان منبع درآمدهای ارزی و مالی



برزیل و گویان می‌توانند نفت را با قیمت سودآور ۳۵ دلار در هر بشکه تولید کنند که کمتر از نیمی از قیمت امروز است. مقدار CO2 معادل منتشر شده در هر بشکه ۱۰ کیلوگرم است، در حالی که میانگین جهانی آن ۲۶ کیلوگرم است. پارکر معتقد است: «برزیل و گویان از بشکه‌های نفتی خیلی خوبی برخوردارند که بازار به دنبال آن است»

وابسته شده‌اند. شاید هیچ شرکتی در جهان به اندازه شرکت نفت دولتی ونزوئلا، پدوسا، با سقوط [اقتصادی] کشورش مرتبط نباشد. این شرکت در اوج خود در سال ۱۹۹۸، پنج درصد از عرضه جهانی را تامین کرد. اما در آن سال هوگو چاوز، یک خودکامه جناح چپ، به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. در سال ۲۰۰۳، پس از اعتصاب کارگران پدوسا، چاوز ۱۸۰۰۰ کارمند–نیمی از نیروی کار– را اخراج کرد و افراد وفادار را جایگزین آنها کرد. او بعدها از شرکت‌های نفتی خارجی خواست که برای قراردادهای خود مجددا مذاکره کنند تا کنترل بخش بزرگی از این قراردادها را به پدوسا بدهند. در نتیجه این شرکت تبدیل به یک گاو شیرده نقدی برای خرید حمایت سیاسی شد.

امروزه تولید نفت عمدتا سنگین و متراکم ونزوئلا از روزانه ۳٫۴ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۸ به ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافته است. فساد در پدوسا که مشمول تحریم‌های آمریکا نیز می‌باشد، زیاد است. بین ژانویه ۲۰۲۰ و مارس ۲۰۲۳، از ۲۵ میلیارد دلار صادرات نفتی ونزوئلا تنها ۴ میلیارد دلار به این شرکت پرداخت شده است. با این حال نیکلاس مادورو، جانشین دست‌پرورده چاوز، به پیش‌بینی‌های رنگ‌ولعاب‌دار چسبیده است. پس از حمله روسیه به اوکراین، او گفته بود که پدوسا می‌تواند «در صورت نیاز روزانه یک، دو و سه میلیون بشکه نفت تولید کند».

مورد ونزوئلا موردی افراطی است، اما سوء مدیریت و بی‌ثباتی سیاست در این منطقه یک امر عادی است. به گفته فرانسیسکو مونالدی از دانشگاه رایس در هیوستون، اگر تمام نفت منطقه با همان تخصص و در یک محیط نظارتی مشابه با تگزاس مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، آمریکای لاتین به جای نیمی از نفت، بیشتر از ایالات متحده تولید نفت داشت. کلمبیا، اکوادور و مکزیک تنها ۳٫۸ درصد از تولید جهانی نفت را در سال ۲۰۲۱ از آن خود کردند. تولید [نفت] به دلیل ترکیبی از زمین شناسی بد و سیاست بد یا هر دو کاهش می‌یابد. مکزیک را در نظر بگیرید که میادین پیرش در حال فروپاشی هستند. تولید نفت این کشور در سال ۲۰۰۴ به اوج خود رسید و بعد تقریبا به نصف کاهش یافت. این نباید مشکلی ایجاد کند، زیرا مکزیک دارای یک اقتصاد بزرگ و متنوع است که به لطف قرارداد تجارت آزاد با ایالات متحده و کانادا، صنعت تولیدی قوی دارد. با این حال، رئیس‌جمهور آندرس مانوئل لویز اوبرادور مصمم است مکزیک را از نظر انرژی خودکفا کند و پمکس، شرکت دولتی نفت این کشور را برای دستیابی به این هدف ضروری می‌داند. از زمان روی کار آمدن این رئیس‌جمهور در سال ۲۰۱۸، دولت او ۴۵ میلیارد دلار معافیت‌های مالیاتی و سایر حمایت‌های مالی برای این شرکت در نظر گرفته است. یک پالایشگاه جدید با پروپاگاندای بسیار، که شاید ساخت آن ۱۸ میلیارد دلار هزینه داشته باشد– یعنی بیش از دو برابر قیمت اولیه– سال گذشته افتتاح شد. در مجموع، پمکس در حال حاضر به جای ارزآوری و پرکردن خزانه این کشور، بدل به منبع تخلیه خزانه شده است. این شرکت با بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بدهی، بدعکارترین شرکت نفتی جهان است. در ماه مه پالایشگاه‌های

آن با کمتر از نیمی از ظرفیت خود کار می‌کردند. ذخایر جدید در آب‌های عمیق قرار دارند که پمکس فاقد بودجه یا دانش لازم برای بهره‌برداری است. در ۱۱ ژوئیه رویترز گزارش داد که آتش‌سوزی عظیم در یک سکوی دریایی دو کشته بر جای گذاشته و تنها در این ماه حداقل ۲ میلیون بشکه از تولید پمکس می‌کاهد.

حماقت‌های نفتی

اقتصاد مکزیک می‌تواند ضربه ناشی از کاهش تولید نفت را کاهش دهد. کشورهای دیگر چندان خوش شانس نیستند. دولت اکوادور بیش از هر کشور دیگری در آمریکای لاتین به درآمدهای نفتی وابسته است (داده‌های ونزوئلا قابل اعتماد نیستند). بر اساس تحلیل دانشگاه بوستون، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ درآمد مالی حاصل از اکتشاف و تولید نفت، ۲۴ درصد از کل درآمدهای دولت اکوادور را تشکیل می‌داد. با این حال، با وجود قیمت‌های بالای نفت، انتظار می‌رود تولید نفت این کشور تا سال ۲۰۲۸ از ۴۶۰۰۰۰ بشکه در روز امروز به روزانه ۳۷۰۰۰۰ کاهش یابد. قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۸ کنترل دولت بر نفت را افزایش داد و مانع از تلاش‌ها برای مدرنیزه کردن پترو اکوادور، شرکت دولتی نفت اکوادور شد. گمان می‌رود که فساد در این کشور بیداد می‌کند. فرناندو سانتوس، وزیر انرژی، بر این باور است که چندین کارمند ارشد سابق به دلیل جرایم فساد تحت بازجویی قرار دارند یا به آنها متهم شده‌اند. این شرکت هرگز حسابرسی خارجی نشده است.

دولت در تلاش است تا منابع درآمد خود را متنوع کند. اخیرا یک قرارداد تجارت آزاد با چین امضا کرده که امیدوار است صادرات غیرنفتی را طی دهه آینده سالانه ۳ تا ۴ میلیارد دلار افزایش دهد و تلاش‌هایی هم برای تولید انرژی‌های سبز داشته است. با این حال هنوز هم بر اقتصاد نفتی تکیه دارد. گیلرمو لاسو، رئیس‌جمهور اکوادور، سال گذشته گفت: «اکنون که روند جهانی به سمت کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی است، زمان آن فرا رسیده که آخرین قطره‌های نفت خود را استخراج کنیم.»

پترو اکوادور قصد دارد تولید خود را در داخل و در یک پارک ملی در جنگل‌های آمازون توسعه دهد. رامون کورئا، رئیس این شرکت، تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۴۳ تولید در این منطقه می‌تواند در مجموع تقریبا ۱۴ میلیارد دلار درآمد یا معادل ۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی امروز برای این کشور فراهم آورد. در ۲۰ آگوست اکوادوری‌ها رئیس‌جمهور و مجلس قانونگذاری جدید را انتخاب خواهند کرد و در یک همه پرسی در مورد توقف تولید در بخش‌هایی از پارک ملی رای خواهند داد. رای دهندگان بیشتری در حال حاضر طرفدار ممنوع کردن این حفاری‌ها هستند تا توسعه آن. برخی کشورها مانند آرژانتین وضعیت بهتری داشته‌اند. تورم سه رقمی و کنترل سرمایه فلج کننده مانع از افزایش تولید نفت و گاز این کشور نشده است. تحریم‌های نفتی روسیه منجر به افزایش تولید در Vaca Muerta، میدان بزرگ نفتی در غرب دور آرژانتین شده است. این کشور دومین ذخایر بزرگ گاز شیل جهان و چهارمین ذخایر بزرگ نفت شیل خود را در اختیار دارد، اما ده‌ها سال برای جذب سرمایه

گذاری تلاش کرده بود. ریستاد انرژی انتظار دارد تولید نفت شیل در آرژانتین تا پایان این دهه بیش از دو برابر شود و به بیش از یک میلیون بشکه در روز برسد.

قاره‌ای [مملو] از دارایی‌های سرگردان

کاهش درآمدهای نفتی در بخش‌هایی از منطقه می‌تواند عواقب بدی به‌همراه داشته باشد. بانک توسعه بین‌آمریکایی (IDB) تخمین می‌زند که اگر جهان گرمایش جهانی را به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد محدود کند (که بسیار بعید است) درآمدهای مالی در آمریکای لاتین تا سال ۲۰۳۵ به طور تجمعی بین ۱٫۳ تا ۲٫۶ تریلیون دلار کاهش می‌یابد. در مقابل IDBتخمین می‌زند اگر از ذخایر نفتی به خوبی بهره‌برداری می‌شد این درآمدها به ۲٫۷ تریلیون دلار تا ۶٫۸ تریلیون دلار می‌رسید. صادرکنندگان گاز نیز به همین ترتیب آسیب خواهند دید. بولیوی و ترینیداد و توباگو به درآمد حاصل از تولید گاز طبیعی برای ۱۷ درصد از درآمد مالی خود وابسته هستند. با این حال صادرات گاز بولیوی تا سال ۲۰۳۰ به پایان می‌رسد. تولید در ترینیداد و توباگو از سال ۲۰۱۰ تاکنون ۴۰ درصد کاهش یافته است. شوک‌های گذشته به آینده‌ای دشوار اشاره دارند. بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۶، که قیمت کالاها کاهش یافت، حساب‌های مالی بدتر شد. در برزیل، که از بحران اقتصادی گسترده‌تری رنج می‌برد، بدهی عمومی از ۵۷ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۳ به ۸۴ درصد تا سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. برای برخی کشورها، هیدروکربن‌ها منبع اصلی ارز خارجی هستند. در کلمبیا صنایع استخراجی ۵۰ درصد صادرات را تشکیل می‌دهد. بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، این بخش ۲۸ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب کرد. برخی از ایالت‌ها برای یافتن منابع درآمد جایگزین با مشکل مواجه خواهند شد. درآمدهای مالیاتی تنها یک پنجم تولید ناخالص داخلی در اکوادور را تشکیل می‌دهد، در حالی که این رقم در میان کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD به میانگین ۳۴ درصد می‌رسد.

مشعل‌ها روشن است اما تا کی؟

برخی کشورها سعی می‌کنند کارهایی متفاوت انجام دهند. گوستاوو پترو، رئیس‌جمهور چپ‌گرای کلمبیا، سال گذشته با وعده ممنوعیت مجوزهای جدید برای اکتشاف نفت انتخاب شد. در عوض او می‌خواهد بخش‌هایی مانند گردشگری، کشاورزی و تولید را تقویت کند. در هفته‌های اخیر، سازمان محیط‌زیست کلمبیا پنج مجوز برای پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر برای شروع فعالیت در لاگواجیرا، استان شمالی فقیر و سرشار از نعمت باد و خورشید اعطا کرد. پترو ادعا می‌کند که انرژی تولید شده در آنجا می‌تواند تمام برق کلمبیا را در سال‌های آینده تامین کند. اکوپترول، شرکت نفت دولتی، به سرعت در حال متنوع سازی فعالیت‌های خود است. تقریبا یک چهارم سرمایه گذاری‌های این شرکت در سال جاری صرف تولید هیدروژن، انرژی‌های تجدیدپذیر و انتقال برق خواهد شد. مونالدی می‌گوید اکوپترول در کنار پتروبراس یکی از متفکرترین

شرکت‌های نفتی دولتی در برنامه‌ریزی برای انتقال انرژی بوده است. اما جبران کاهش صادرات نفت برای کلمبیا دشوار خواهد بود. مائوریسیو کاردناس، وزیر سابق معدن و دارایی می‌گوید: «همه با نیاز به توسعه بخش‌های صادراتی جدید در اینجا موافق هستند». با این حال، او هشدار می‌دهد که «لفاظی بیشتر از واقعیت است». طبق یک تخمین، کلمبیا باید به اندازه مجموع آرژانتین و برزیل گردشگر جذب کند تا این بخش درآمدی مشابه تولید هیدروکربن‌ها داشته باشد. کاردناس می‌گوید این طرح فاقد مباحث دقیق در مورد بخش‌هایی است که می‌توانند جایگزین هیدروکربن‌ها به عنوان منابع ارز، صادرات و سرمایه‌گذاری شوند. ریکاردو بونیلا، وزیر دارایی، در ماه ژوئن به خبرنگاران گفت که کلمبیا «هنوز برای مدت طولانی» سوخت‌های فسیلی استخراج خواهد کرد.

ورود دیرهنگام به بازار نفت ممکن است به گویان کمک کند تا از اشتباهات بیش از حد جلوگیری کند. رابین مونشور، که پایگاه ساحلی مورد استفاده اکسون موبیل را اجاره می‌کند، می‌گوید: «اگر در دهه ۱۹۷۰، زمانی که کشور در شرف سقوط بود، نفت پیدا کرده بودیم، می‌توانستیم مطمئن باشیم که این پول به‌طور کامل هدر می‌رفت». بهارات جاگدئو، معاون رئیس‌جمهور گویان، می‌گوید که دولت از اشتباهات سایر کشورهای تولیدکننده نفت «بسیار آگاه است». او می‌گوید: «ما مسیر پوپولیستی در پیش نمی‌گیریم». حزب او از زمان به دست آوردن مجدد قدرت در سال ۲۰۲۰، قانون حاکم بر صندوق دارایی مستقل خود را تحکیم بخشیده تا شهروندان را راحت‌تر بررسی کنند که چقدر پول باید در آن باشد و مقداری را که وزارت دارایی می‌تواند هر سال برداشت کند، محدود کنند.جاگدئو منکر این است که صنعت نفت با حمایت کشورش سریع‌تر به کربن‌زدایی می‌رسد. او معتقد است که درآمد حاصل از نفت و گاز برای کمک به دفاع از کشور در برابر تأثیرات تغییر اقلیم مانند بالا آمدن سطح آب دریاها مورد نیاز است. نفت بدون شک این کشور کوچک را متحول خواهد کرد. مونشور می‌گوید سوال این است: «آیا ما یک سنگاپور، یک دبی، یک ترینیداد، یک نیجریه یا یک ونزوئلا خواهیم بود؟ یا جایی در این بین؟»

”

آمریکای لاتین پس از خاورمیانه دومین ذخایر اثبات شده نفت در جهان را دارد، با این حال شرکت‌های دولتی آن بارها فرصت‌های نفتی خود را هدر داده‌اند. برخلاف بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس، دولت‌های این منطقه عموما در ایجاد صندوق‌های ثروت دولتی پیچیده برای هدایت درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شکست خورده‌اند. در عوض به نفت به عنوان منبع درآمدهای ارزی و مالی وابسته شده‌اند

نگاه خاورمیانه به هیدروژن

سیداحسان مرعشی – کارشناس انرژی

در سال ۲۰۱۵ میلادی، ۱۹۶ کشور در پاریس، توافقنامه‌ای را امضا کردند که نقطه عطفی برای توسعه یک رویکرد منسجم و بین المللی برای مقابله با تغییرات اقلیمی محسوب می‌شود. توافق نامه پاریس، یک معاهده بین المللی الزام آور قانونی در مورد تغییرات اقلیمی است که نشان دهنده ورود یک رویکرد جهانی به رهبری دولت‌ها برای کاهش تغییرات اقلیمی، محدود کردن گرمایش جهانی و تحقق هدف انتشار صفر برای گازهای گلخانه‌ای (GHG) تا سال ۲۰۵۰ است. هم اکنون در میان دولت‌ها و صنعت‌ها، آگاهی فزاینده‌ای وجود دارد که اقتصاد هیدروژنی در حال ظهور می‌تواند برای تلاش‌ها به منظور کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، کربن زدایی بخش‌های صنعتی کلیدی و برآورده کردن توافقنامه پاریس حیاتی باشد. در حال حاضر، دولت‌ها و شرکت‌ها (اعم از دولتی و خصوصی) سرمایه‌گذاری بر روی هیدروژن را شروع کرده‌اند به این امید که از این انرژی پاک به عنوان یکی از ابزارها برای گذار از سیستمهای مبتنی بر سوختهای فسیلی استفاده کنند. طبق برآورد بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تقریباً هفت درصد از کل انتشار دی اکسید کربن جهان را به خود اختصاص داده است. در این میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، قطر، بحرین و عمان) در شرایط ویژه‌ای قرار دارند. از یک سو، این کشورها از نظر میزان سرانه آلایندگی جزو ده کشور اول جهان هستند و از سوی دیگر، اقتصاد آنها به شدت به صادرات نفت و گاز وابسته است. به عبارت دیگر، آنها در معرض هر گونه کاهش قابل توجه در تقاضای جهانی برای هیدروکربن قرار دارند. با این حال، تمایل بین‌المللی به سمت انرژی سبز، فرصتی برای کشورهای سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (از جمله کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) فراهم کرده است. به ویژه با توجه به فراوانی انرژی خورشیدی در سراسر منطقه، که می‌تواند برای تولید سوخت‌های انرژی سبز مانند هیدروژن استفاده شود. بنابراین، دولت‌ها در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از موقعیت خوبی بر خوردارند تا در خط مقدم روند بین‌المللی به سمت کربن زدایی و توسعه زیرساخت‌ها برای رقابت در بازارهای انرژی پایدار آینده قرار گیرند.پیش بینی می‌شود بین سال های ۲۰۲۱ تا ۲۰۵۰ تقاضای جهانی برای هیدروژن افزایش سریعی داشته باشد. این افزایش ناشی از برنامه‌های کربن زدایی در سراسر دنیا است. واردکنندگان اصلی هیدروژن سببز، بازارهای آسیا و آمریکای شمالی خواهند بود. در حالی که کشورهای اروپایی برنامه‌های متعددی برای توسعه انرژی هیدروژنی دارند، اما مشخص شده تولید داخلی هیدروژن در اروپا، برای کربن زدایی صناعی که انتشار کربن در آنها به سختی کاهش می‌یابد در کوتاه مدت کافی نیست. بنابراین، کشورهای اروپایی نیز باید برای دستیابی به اهداف انتشار گازهای گلخانه‌ای تحت توافقنامه پاریس به واردات هیدروژن روی آورند.انتظار می‌رود سوخت‌های پاکي مانند هیدروژن، تا سال ۲۰۵۰ با بیش از ۱۰ میلیارد بشکه نفت (یا معادل آن) جایگزین شوند. این مقدار معادل حداقل ۳۷ درصد از تولید جهانی نفت است. با توجه به موارد بالا، هم اکنون کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (به ویژه عربستان، عمان و امارات) برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای تولید و صادرات هیدروژن سبز تعریف و در دست اجرا دارند. این کشورها امیدوارند بتوانند از این طریق، جایگاه خود را در مرحله گذار انرژی و پس از آن، به عنوان یکی از بازیگران اصلی بازار انرژی در جهان حفظ کنند.

انواع هیدروژن

با وجود فراوانی هیدروژن در زمین، این عنصر به طور طبیعی و به شکل خالص در مقادیر زیاد وجود ندارد. به عبارت دیگر، هیچ ذخایر وسیعی از هیدروژن در زمین وجود ندارد که بتوان آن را استخراج کرد. بخش عمده هیدروژن تنها در ترکیبات، به ویژه مولکول های آب (هیدروژن و اکسیژن) و سوخت های فسیلی (هیدروژن و کربن) یافت می شود. هیدروژن می تواند از این ترکیبات آزاد شود، اما انجام این کار نیاز به انرژی دارد. یک سیستم مبتنی بر رنگ برای اشاره به روش های مختلف تولید هیدروژن استفاده می شود .

فرایندهای تولید انواع هیدروژن

بیشتر هیدروژنی که امروزه تولید می‌شود "هیدروژن خاکستری" است. این نوع هیدروژن، با استفاده از سوخت‌های فسیلی، به

دارد. تولید "هیدروژن سبز"، بر اساس الکترولیز آب که توسط برق تجدیدپذیر تغذیه می‌شود انجام می‌شود. در حال حاضر، تولید هیدروژن از منابع تجدیدپذیر محدود است، اما انتظار می‌رود با تمرکز جهانی بر پتانسیل آن، موانع فنی و اقتصادی از پیش پای این فناوری برداشته شود.

هیدروژن سبز

هیدروژن سبز، یک سوخت کربن صفر است که از طریق الکترولیز تولید می‌شود.آب با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، به عنوان مثال، باد یا خورشید، به بخش های تشکیل دهنده آن یعنی هیدروژن و اکسیژن تقسیم می‌شود تا فرآیند الکترولیز را تأمین کند. هیدروژن سبز مزایای فوق العاده‌ای دارد، زیرا مولکول هیدروژن، انرژی پاک را از منابع تجدید پذیر ذخیره می‌کند. هیدروژن را می‌توان به آمونیاک (یک اتم نیتروژن متصل به سه اتم هیدروژن) تبدیل کرد که حمل و نقل آن آسان است، زیرا پگالی انرژی آمونیاک بر حسب حجم، تقریباً دو برابر هیدروژن مایع است و حمل و نقل و توزیع را تسهیل می‌کند. انرژی به شکل آمونیاک، می‌تواند به بازارهای انرژی مانند اروپا، آسیا و آمریکای شمالی منتقل شود، جایی که آمونیاک می‌تواند دوباره به هیدروژن برای استفاده به عنوان سوخت تبدیل شود. هیدروژن به طور بالقوه می‌تواند برای کربن‌زدایی در بخش‌هایی که به دلیل چالش‌های ناشی از ذخیره‌سازی و تقاضای انرژی (یعنی باتری‌ها خیلی بزرگ و سنگین هستند)، از جمله حمل‌ونقل، صنایع سنگین مانند تولید فولاد و گرمایش مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان روشی برای ذخیره انرژی تجدیدپذیر، هیدروژن جایگزین مناسبی برای باتری ها است.

هیدروژن سبز به عنوان یک جزء جدایی ناپذیر از تلاش جهانی برای کربن زدایی صنعت انرژی جهان در آینده نزدیک محسوب می‌شود.

پتانسیل ها و مزیت‌ها

در دسترس بودن انرژی تجدیدپذیر ارزان قیمت (به خصوص انرژی

خورشیدی)، خطوط ساحلی با زیرساخت‌های بندری موجود، فراوانی زمین‌های ارزان خالی از سکنه، و سرمایه نسبتاً ارزان به این معنی است که تولید هیدروژن در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نسبت به سایر نقاط جهان مقرون به صرفه‌تر است. کشورهای تولیدکننده نفت و گاز خلیج فارس از نظر جغرافیایی موقعیت خوبی دارند و به بازارهای آمریکای شمالی، آسیا و اروپا نزدیک هستند. آنها در حال حاضر زیرساخت‌های انرژی گسترده‌ای از جمله پالایشگاه‌ها، تأسیسات ذخیره‌سازی و خطوط لوله دارند. این احتمال وجود دارد که بتوان زیرساخت‌های موجود را برای هیدروژن تغییر کاربری داد، به این معنی که کشورهای خلیج‌فارس ممکن است مجبور نباشند زیرساخت‌ها را از ابتدا توسعه دهند. به گفته آژانس بین المللی انرژی (IEA)، استفاده مجدد از خطوط لوله گاز طبیعی برای انتقال هیدروژن می‌تواند هزینه‌های سرمایه‌گذاری را ۵۰ تا ۸۰ درصد نسبت به توسعه خطوط لوله جدید کاهش دهد.

در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تعدادی شرکت انرژی دولتی بزرگ وجود دارد (مانند آرامکو در عربستان سعودی، شرکت ملی نفت ابوظبی (ADNOC) در امارات متحده عربی، قطر پترولیوم و قطر گاز، و شرکت نفت کویت). این شرکت ها تخصص قابل توجهی در زیرساخت‌های انرژی و لجستیک دارند و مهارت‌ها و تجربه نیروی کار صنعت انرژی آنها می‌تواند به صنعت هیدروژن در حال ظهور منتقل شود. شرکت‌های دولتی انرژی همچنین از دسترسی به منابع مالی قابل توجهی سود می‌برند و در حال حاضر، زیرساخت‌های صنعتی را در اختیار دارند که می‌توان از آن برای تولید، ذخیره‌سازی و حمل و نقل هیدروژن استفاده کرد. این شرکت‌های دولتی تاکنون گام هایی را در جهت استفاده از هیدروژن برداشته اند (شکل ۲). به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۰، آرامکوی عربستان سعودی اولین محموله نمایشی آمونیاک آبی خود را به ژاپن صادر کرد و در سال ۲۰۲۲، اولین محموله تجاری آمونیاک آبی خود را به کره جنوبی تحویل داد. آلمان همچنین اولین محموله هیدروژن آبی خود را از ADNOC امارات در سال ۲۰۲۲ دریافت کرد.

موقعیت پروژه‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در زمینه تولید هیدروژن در ادامه، بعضی از برنامه‌های شاخص این کشورها معرفی می‌شود.

عربستان سعودی

در ژوئیه ۲۰۲۰، شرکت توسعه‌دهنده خدمات برق عربستان سعودی به همراه Neom ، قراردادی را با شرکت آمریکایی Air Products برای ایجاد تأسیسات تولید آمونیاک به ارزش ۵ میلیارد دلار، مبتنی بر هیدروژن سبز، امضا کردند. این پروژه که به طور مشترک متعلق به هر سه شریک است، در شهرNeom مستقر خواهد شد و بخشی از ابر پروژه ۵۰۰ گیگا میلیارد دلاری عربستان سعودی در Neom خواهد بود. پس از راه اندازی، این

که انرژی آن به طور کامل از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین می‌شود.

امارات متحده عربی

شرکت دولتی آب و برق دبى (DEWA) یک پروژه آزمایشی هیدروژن سبز برای اکسیو ۲۰۲۰ (از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲) توسعه داده است. این نیروگاه آزمایشی با استفاده از انرژی خورشیدی تجدیدپذیر هیدروژن تولید می‌کند، آن را ذخیره می‌کند و از آن برای برق رسانی مجدد، حمل و نقل و سایر مصارف صنعتی استفاده می‌کند. در اکسیو ۲۰۲۰، هیدروژن سبز تولید شده در پارک خورشیدی محمد بن راشد آل مکتوم دبى، انرژی ناوگانی از خودروهای پیل سوختی را تأمین کرد. طبق برنامه‌ریزی، تا سال ۲۰۳۰، پارک خورشیدی باید ظرفیت تولید ۵ گیگاوات را داشته باشد.

این پروژه بخشی از رویکرد استراتژیک DEWA برای توسعه فناوری‌های هیدروژن در راستای اهداف جاه‌طلبانه انرژی پاک دبى

تأسیسات قصد دارد ۴ گیگاوات انرژی تجدیدپذیر خورشیدی و بادی را ادغام کند، از الکترولیز برای تولید تا ۶۵۰ تن هیدروژن سبز در روز، تولید نیتروژن با جداسازی هوا و تولید ۱,۲ میلیون تن آمونیاک سبز در سال استفاده کند که می‌تواند به سراسر جهان منتقل شود تا برای تولید هیدروژن سبز برای بازار حمل و نقل استفاده شود. این پروژه هنوز در مرحله طراحی است، اما برنامه‌هایی برای تحویل آن در اوایل سال ۲۰۲۵ وجود دارد که آن را به یکی از اولین پروژه‌های صادرات هیدروژن سبز و آمونیاک سبز در جهان تبدیل می‌کند. عربستان سعودی هیدروژن را یک منبع انرژی اساسی در آینده می‌داند که دارای طیف وسیعی از کاربردهای بالقوه است، از صنعت گرفته تا سوخت، برق و حمل و نقل نیرو. از این رو، عربستان سعودی ۵۰۰ میلیارد دلار در گیگا پروژه نئوم در شمال غربی این کشور سرمایه‌گذاری کرده است، که بزرگترین تأسیسات هیدروژنی تجاری در مقیاس جهانی است



عربستان سعودی ۵۰۰ میلیارد دلار در گیگا پروژه نئوم در شمال غربی این کشور سرمایه‌گذاری کرده است، که بزرگترین تأسیسات هیدروژنی تجاری در مقیاس جهانی است که انرژی آن به طور کامل از انرژی‌های تجدیدپذیر تأمین می‌شود

است. طبق این اهداف، تا سال ۲۰۵۰، ۷۵ درصد از انرژی باید توسط منابع تجدیدپذیر تأمین شود. پروژه ۱۴ میلیون دلاری یک پروژه PPP بین DEWA، اکسیو ۲۰۲۰ دبى و زیمنس آلمان است. این پروژه در سال ۲۰۱۸ مناقصه شد، در فوریه ۲۰۱۹ شروع به کار کرد و در مسیر راه اندازی پیش از اکسیو ۲۰۲۰ قرار گرفت. پروژه آزمایشی باید راه را برای پروژه‌های هیدروژنی در مقیاس بزرگ هموار کند و به DEWA و زیمنس اجازه دهد تا تولید هیدروژن را اصلاح کنند تا هزینه این فرآیند کاهش یابد. در رابطه با این پروژه آزمایشی، شریف سلیم العلماء، معاون وزیر انرژی امارات متحده عربی اظهار داشت که قیمت‌های رقابتی انرژی خورشیدی در منطقه، دبى را قادر می‌سازد «در آینده نزدیک قیمت بسیار رقابتی برای هیدروژن سبز تولید کند».

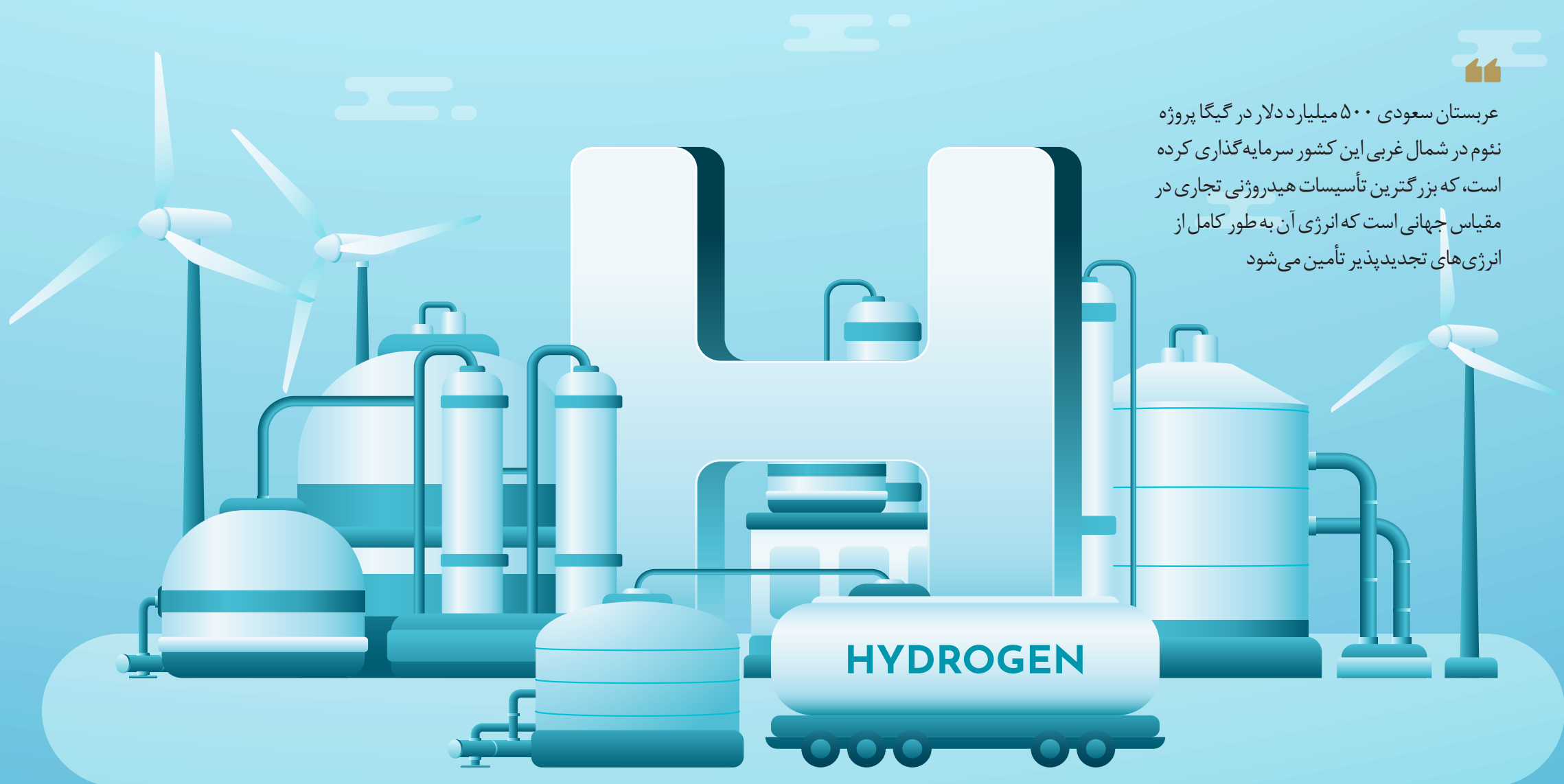
عمان

تولید هیدروکربن نقش غالبی در اقتصاد عمان دارد و نفت و گاز

حدود ۶۰ درصد از کل درآمد صادراتی این کشور را در سال‌های اخیر تشکیل می‌دهد. در حال حاضر، نیازهای انرژی عمان تقریباً به طور کامل توسط منابع سوخت فسیلی داخلی تأمین می‌شود و گاز طبیعی بیش از ۹۵ درصد از تولید برق را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۲۲، عمان هدف خود را برای صفر شدن خالص تا سال ۲۰۵۰ اعلام کرد. اهداف بلندمدت برای هیدروژن تجدیدپذیر از اندازه صادرات فعلی LNG بیشتر است. این کشور اهدافی را برای تولید حداقل ۱ میلیون تن هیدروژن تجدیدپذیر تا سال ۲۰۳۰، تا ۳,۷۵ میلیون تن تا سال ۲۰۴۰ و تا ۸,۵ میلیون تن تا سال ۲۰۵۰ تعیین کرده است. دستیابی به این امر، هیدروژن تجدیدپذیر را به یک منبع جدید درآمد صادراتی تبدیل می‌کند. در صورت دستیابی به هدف هیدروژنی عمان در سال ۲۰۴۰، این مقدار معادل ۸۰ درصد از صادرات LNG خواهد بود. در صورتیکه هدف ۲۰۵۰ محقق شود، این مقدار تقریباً دو برابر ارزش انرژی معادل LNG صادراتی کنونی خواهد بود. عمان در مسیر تبدیل شدن به ششمین صادرکننده بزرگ هیدروژن در جهان تا سال ۲۰۳۰ است. بر اساس ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی از پروژه‌های اعلام شده هیدروژن تا پایان سال ۲۰۲۲، عمان می‌تواند در این دهه به بزرگترین صادرکننده هیدروژن در خاورمیانه تبدیل شود. عمان فعلاً نه برای تحقق اهداف هیدروژن تجدیدپذیر خود کار می‌کند. این کشور حتی در سال ۲۰۲۲، یک نهاد مستقل به نام هیدروژن عمان (HYDROM) را برای رهبری و مدیریت اجرای استراتژی هیدروژن خود تأسیس کرد. تاکنون ۱۵۰۰ کیلومتر مربع از زمین برای توسعه با پتانسیل تولید حدود ۱ میلیون تن در سال هیدروژن تجدیدپذیر کنار گذاشته شده است. تا آوریل ۲۰۲۳، HYDROM نتیجه اولین مزایده برای تخصیص زمین به پروژه‌های هیدروژن تجدیدپذیر را منتشر کرد که شش پروژه در آن اعطا شد. مقدار کل زمینی که عمان برای تولید هیدروژن تجدیدپذیر در درازمدت مناسب تشخیص داده است ۵۰۰۰ کیلومتر مربع است که مساحتی به اندازه کشور اسلواکی است. این مقدار زمین برای تولید بالقوه ۲۵ میلیون تن هیدروژن کافی است که سه برابر اهداف سال ۲۰۵۰ عمان است.

سخن پایانی

برنامه‌ها و اقدامات کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نشان می‌دهد که جایگاه استراتژیک منطقه خلیج فارس در بازارهای جهانی انرژی می‌تواند پس از مرحله گذار انرژی، با محوریت هیدروژن سبز، ادامه یابد. در این میان، آنچه جای تأسف دارد عدم توجه به پتانسیل تولید هیدروژن سبز، در ایران است. علیرغم پتانسیل قابل توجه، هم از نظر تولید هیدروژن و هم از نظر مصرف آن، هنوز اقدام جدی برای توجه به هیدروژن در راهبردهای انرژی کشور مشاهده نشده است. به نظر می‌رسد زنگ خطر پایان دوران سوخت‌های فسیلی در ایران شنوده‌ای ندارد. لازم است سیاستمداران و تصمیم‌گیران کشور، این تهدید را با توجه به پتانسیل‌های موجود در ایران به فرصت تبدیل کنند.





حمید عرفانی:متاسفانه هنوز حدود ۳۵٪ از انرژی دنیا از ذغال سنگ تامین میشه. با توجه به آینده استفاده از گرافیت، محدوده های ذغال سنگ جایگاه بسیار ویژه ای پیدا خواهد کرد.

سعید مقیسه: علیرغم اینکه امارات متحده عربی همیشه جزء سه شریک اول تجاری ما بوده اما طی چهاردهه گذشته تنها یک رئیس جمهور(احمدی نژاد)به این کشورهمسایه سفر رسمی داشته است امیدوارم برای خروج از انفعال در دیپلماسی اقتصادی آقای رئیسی به همراه هیات تجاری به امارات سفر کند

عبدالله باباخانی: از طرح توسعه گنبد شمالی(پارس جنوبی) توسط قطر، بیشتر بدانیم: هدف توسعه این پروژه افزایش سالانه ۶۵ میلیارد متر مکعب تولید گاز، ۴۵۰ هزار بشکه میعانات گازی، ۲۰۰ هزار بشکه الپی جی (پروپان و بوتان)، ۲.۴ میلیون تن گاز اتان و هلیوم، و همچنین ساخت شش کارخانه تولید ال ان جی برای تبدیل گاز طبیعی به گاز مایع، ال ان جی، برای صادرات آن است.

ارزش سالانه این میزان از محصولات هیدروکربوری به ۶۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. به عبارتی قطر با جلب شرکت‌های غربی و سرمایه ۲۹ میلیارد دلاری، هر سال دو برابر این میزان درآمد خواهد داشت. قطر هم‌اکنون هم‌پای آمریکا و استرالیا بزرگترین صادرکننده ال‌ان‌جی جهان است و سالانه ۷۷ میلیون تن (معادل ۱۱۰ میلیارد متر مکعب) گاز مایع به بازارهای جهانی صادر می‌کند. این رقم تا سال ۲۰۲۶ به ۱۲۶ میلیون تن، یعنی بالای ۱۷۰ میلیارد متر مکعب، خواهد رسید و قطر دو رقیب خود را با اختلاف چشمگیری پشت سر خواهد گذاشت.

وحید حاجی پور: چرا می‌گوییم دولت دستاوردساز؟ چون میدان گازی

پیامک‌های مجازی حوزه انرژی

شاهین که وزیر نفت گفته در دولت سیزدهم کشف شده، در سال ۹۱ کشف شده است و سال ۹۹ هم عملیات حفاری تحدیدی آن آغاز شده بود. به همین راحتی به #رئییسی دروغ می‌گویند و این سید هم به دولتش می‌بالد.

سیامک قاسمی: براساس نظریه پیچیدگی اقتصادی، شما وقتی می‌توانید ادعای تولید داخلی بکنید که بتوانید آن محصول یا خدمت را صادر کنید! و این لیست حجم صادرات کشورهای مختلف است، چین در جایگاه اول و آمریکا و آلمان بعدی. صادرات ۶۰۰ میلیارد دلاری امارات، ۴۰۰ میلیارد دلاری عربستان و ۲۵۰ میلیارد دلاری ترکیه قابل توجه است و طبیعتا خبری از ایران نیست!



عبدالله باباخانی:فروش خودرو های برقی در ماه آگوست، همه را شگفت زده کرد. فروش خودروهای برقی در اروپا در ماه آگوست به ۳۰ درصد از بازار رسید. خودرو برقی کامل ۲۲ درصد بود.

فروش خودروهای برقی در چین در همین ماه ۴۰ درصد از بازار را به خود اختصاص داد. خودرو فول برقی حدود ۲۵ درصد بازار بود. این اعداد که بسیار بیشتر از برآورد سازمانهای جهانی هستند، خبر از سرعت زیاد گذار از خودروهای احتراقی و همینطور کاهش مصرف فرآورده های نفتی در سال های آینده را میدهد. در منطقه خاورمیانه نیز (عربستان و ترکیه) میتوانند پرچمدار این صنعت باشند، تا منطقه زیاد از دنیای خودرو برقی عقب نیفتد.

علی کلاهی: یکی از بزرگترین مشکلات صادر کنندگان ایرانی در عراق اختلاف نرخ بانکی و غیر رسمی دلار است؛ تاجر عراقی از هر کشوری خرید کند پروفورما را به بانک میدهد و بدون مشکل ارز دریافت میکند، اما برای پرداخت به ایران باید از صرافی تهیه کند و اخیرا نزدیک به ۱۵٪ بیشتر پرداخت نماید. دولت عراق سالیانه ۱۰ میلیارد دلار اسکناس از آمریکا دریافت میکند که بر اساس برخی گزارش ها تا ۵۰٪ انصرف پولشویی و سایر فعالیت های غیرقانونی میشود. اکنون با این مصوبه کار صادر کنندگان ایرانی دشوار تر خواهد شد. و با همه ی این مشکلات، بانک مرکزی از صادر کننده دلاری میخواهد که باید از بازار بخرد و به اتاق مبادله بفروشد

محمود نجفی‌عرب: بخش خصوصی خواستار معافیت صادرات از پیمان‌سپاری ارزی است و پیشنهاد می‌کند که تخصیص ارز برای واردات از محل تهاثر ارز حاصل از صادرات، حذف شود.

حمید عرفانی: غول نفتی اگزان درحالی که ۳۰ میلیارد پول نقد در حساب خودش داره به نظر میرسه که میخواد حدود ۶۰ میلیارد دلار خرج کنه و Pioneer Resources رو بخره. پاپونیر حدود ۷۱۱ هزار بشکه در روز نفت از Permean Basin تولید میکنه که سومین تولید کننده بعد از شوران و کونوکو فیلیپس هست.



همت قلی زاده: درسال ۱۴۰۰ هر بشکه نفتخام در داخل کشور به قیمت ۱۵۴۳۲۵۲ تومان به فروش رفته و به خارج از کشور ۱۱۹۵۵۳۵ تومان صادر شده است. هر‌بشکه نفت در داخل کشور ۳۴۷۷۱۷ تومان گرانتر از خارج فروش رفته است. نمی دانم به کدام “ایسم” ربط دارد ولی این راه به خوشبختی منتهی نمی شود!

مسیر اقتصاد: همه کشورهای جهان و از جمله ایران، هیچ راهی برای توسعه اقتصادی جزصنعتی شدن ندارند.براساس مقالاتمعتبربین‌المللی، تقویت تولیدات صنعتی و کارخانه‌ای تنهابخشی از اقتصاداست که‌می‌تواند بدون هیچ قید و شرطی، رشد اقتصادی را برای کشورها تضمین کند.

علی آهنگر:نخستین قطار هیدروژنی خاورمیانه هفته آینده در عربستان آزمایش می‌شود.قرارداد تولید این قطار در ژانویه ۲۰۲۰ با شرکت آلستوم فرانسه بسته شده بود و این خبر از سوی شخص وزیر انرژی عربستان اعلام گردید.

شانان: نمایندگان مجلس شورای اسلامی وزارت نفت را مجاز به امضای قرارداد مشارکت در تولید میدان‌های مشترک کردند. بر اساس بند (الف) ماده ۴۴ لایحه پادشده، با هدف تولید حداکثری و همسو با توسعه دیپلماسی انرژی و حضور در بازارهای بین‌المللی، اقدام زیر انجام می‌شود: وزارت نفت مجاز است از طریق شرکت ملی نفت ایران بدون واگذاری مالکیت در میدان‌های مشترک، نسبت به امضای قراردادهای بهره‌برداری مشترک با همسایگان، همچنین امضای قراردادهای مشارکت در تولید میدان‌های مشترک با رعایت قانون اقدام کند.

سیدیاسر جبراییلی: هفته نامه اکونومیست در سرمقاله شماره ۹ سپتامبر ۲۰۲۳ خود، تعبیر جالبی درباره منطقه غرب آسیا (به تعبیر خودشان خاورمیانه) داشت: چه رئیس جمهور یک کشور ابرقدرت باشید، چه یک بنگاه اقتصادی کوچک داشته باشید، خاورمیانه برای شما مهم است.

بازار نفت ایران: تقابل آمریکا و اوپک پلاس برای کنترل بازار نفتاوپک پلاس احتمالاً تحت فشار سیاسی فزاینده‌ای قرار خواهد گرفت تا در صورت افزایش قیمت‌ها، عرضه بیشتری را به بازار بازگرداند. در سال آینده در دو کشور کلیدی مصرف کننده نفت ایالات متحده و هند انتخابات برگزار می شود و این دولت ها احتمالاً می خواهند هرگونه فشار تورمی بالقوه را به حداقل برسانند.

مسعود مجیدی:اولین باری که قیمت هر بشکه نفت WTI به ۹۰ دلار رسید قیمت هر گالون بنزین در آمریکا ۲.۸۲ دلار بود. اما حالا که قیمت نفت به ۹۰ دلار رسیده قیمت هر گالون ۳.۷۳ دلار است. ۱۰ تا ۱۵ سنت از این ۹۱ سنت اختلاف بالا به دلیل استاندارها جدید پالایش است که هزینه تولید بنزین را افزایش داده است.

تولیدکننده و تامین کننده مواد شیمیایی و کاتالیست های فرآیندی



ایستگاهی برای تامین نیازهای آزمایشگاهی شما

ارائه دهنده خدمات فنی مهندسی
بهبود فرآیند های پالایشگاهی و کاتالیستی
و تامین کننده تجهیزات آزمایشگاهی



- کاتالیست:
- مرکاپتان زدایی
 - هیدروترتینگ
 - اکتان افزا
 - ستان افزا
 - افزودنی های سوخت:
 - آنتی اکسیدان
 - آنتی فوم
 - رنگ بنزین
 - به بهبود دهنده CFPP



- دستگاه اندازه گیری گوگرد کل در نمونه های هیدروکربنی به روش XRF
- دارنده مجوز واردات و ارائه خدمات دستگاه های اشعه X از سازمان انرژی اتمی ایران



- دستگاه پیشرفته GFC با انعطاف پذیری و کارایی بالا برای پاسخگویی به همه چالش های آنالیزی حوزه نفت و گاز
- دارای ژنراتور هیدروژن و نیترژن
- دارای اتوسمپلر تک پورت و سه بعدی
- دارای ژنراتور هوا
- دارای دستگاه فیلتر کاتالیستی

شرکت آرتین آزما دارای نمایندگی انحصاری از شرکت های تولیدکننده



Contact info:

Phone call
021-91008898
Fax
021-77809344

Website
www.ArtinAzma.net
Email
info@artinazma.net



Instagram



Catalogue

نفت پاسارگاد برمدار صعود مثبت فروش بیش از ۸ همت در شپاس



داشته است. این شرکت در فروش ۵ ماهه نیز از فروش محصولات خود به درآمد یک هزار و ۴۲۹ میلیارد تومانی دست پیدا کرد که در مقایسه با ماه قبل از آن با افزایش ۱۶ درصدی و در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته، با افزایش ۲۵ درصدی همراه بوده است. همچنین میزان درآمد تجمیعی دوره ۵ ماهه نفت پاسارگاد با رشد ۴۸ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو بود. نفت پاسارگاد با بهره گیری از ۶ مجتمع تولیدی و ۲ پایانه صادراتی بزرگترین تولیدکننده قیر در خاورمیانه محسوب می شود.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل شرکت، نفت پاسارگاد در ۶ ماهه نخست سال ۸۱۰۴ میلیارد تومان درآمد کسب نموده است که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته رشد ۳۹ درصدی را نشان می دهد. مبلغ فروش صادراتی نفت پاسارگاد به میزان ۴۹۵۴ میلیارد تومان محقق شده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۶۶ درصد رشد داشته است. همچنین مبلغ فروش داخلی به میزان ۳۱۵۰ میلیارد تومان محقق شده است که نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۱ درصد رشد

تقدیر جشنواره امین الضرب از خبرنگار ماهنامه "دنیای انرژی"



ویدئو ژورنال و پادکست جایزه تعلق گرفت. مصاحبه مریم میخانک بابایی خبرنگار ماهنامه دنیای انرژی با دکتر محمد حسین عادلی رئیس پیشین بانک مرکزی با عنوان ادامه وضع موجود در صنعت نفت و گاز کشور، یک "ناگزین" که در ماهنامه دنیای انرژی شماره ۵۲ منتشر شد در بخش مصاحبه و گفت و گو حائز رتبه دوم شده و مورد تقدیر قرار گرفت. مریم بابایی در جشنواره سال گذشته امین الضرب نیز جایزه مصاحبه دنیای انرژی با رئیس سندیکای برق درباره چالشهای این صنعت را نیز دریافت کرده بود.

اختتامیه ششمین دوره جشنواره فرهنگی امین الضرب در اتاق بازرگانی تهران برگزار شد و در تقدیر از آثار برگزیده اقتصادی در رسانه ها، در بخش مصاحبه و گفت و گو، مریم میخانک بابایی عضو تحریریه ماهنامه دنیای انرژی رتبه دوم را کسب کرد. با پایان یافتن داوری آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره، مراسم اختتامیه ششمین دوره جشنواره فرهنگی امین الضرب در اتاق بازرگانی تهران برگزار شد. در این مراسم که با حضور تعدادی از اعضای هیات رئیسه اتاق تهران و اصحاب رسانه برپا شد، به ۲۰ اثر در حوزه های گزارش توصیفی، گزارش خبری-تحلیلی، یادداشت و مقاله، مصاحبه، تپتر،

Biden administration to hold smallest auction for offshore oil drilling rights in Gulf of Mexico



Bloomberg

The Biden administration released plans on Friday to hold three auctions of offshore drilling rights over the next five years — part of what it cast as an effort to phase down oil leasing. The leasing program charts sales of Gulf of Mexico oil and gas leases in 2025, 2027 and 2029 — the fewest-ever since the government started planning the auctions in five-year blocks. The level was carefully calibrated to sustain offshore wind development, since last year's climate law ties the fate of those renewable projects to the sale of oil leases. "These three proposed lease sales are the minimum number that will enable the Interior Department to continue to expand its offshore wind leasing program through 2030," the agency said

in a release. The schedule of auctions — focused solely on the Gulf — represents the latest attempt by President Joe Biden to balance competing climate and energy priorities while navigating within the bounds of federal laws meant to promote fossil fuels. On the campaign trail, Biden promised to confront climate change and ban new oil and gas permitting on public lands and waters. But a 1953 law requires the government prepare and maintain an offshore oil and gas leasing program determined to "best meet national energy needs for the five-year period following" its development, reflecting affected states, the environmental sensitivity of the region and potential company interest. Last year's climate law goes further by blocking the Interior Department from issuing new offshore wind leases unless it held an oil lease sale with at least 60 million acres up for grabs in the prior year. Oil industry leaders and their advocates on Capitol Hill have said more auctions are necessary to sustain production in the Gulf of Mexico that now provides about 15% of U.S. crude output. Because it can take years for companies to find and obtain crude from newly sold leases — and some never produce a drop — leasing now helps sustain production for decades to come. Rising oil prices — marching toward \$100 a barrel — only underscore the need for sustained development, industry advocates said. "This restrictive offshore leasing program is the latest tactic in a coordinated strategy to reduce energy production, ultimately weakening America's energy dominance, limiting consumers access to affordable reliable energy and compromising our ability to lead on the

global stage," said Mike Sommers, President of the American Petroleum Institute. "For decades, we've strived for energy security, and this administration keeps trying to give it away." The five-year program is a legally required precursor to leasing offshore waters for oil development. The plan is now subject to a 60-day waiting period before it can be formally approved, giving time for Congress to intervene and advance legislation seeking changes. Interior Secretary Deb Haaland said the schedule reflects a Biden administration commitment "to building a clean energy future that ensures America's energy independence." "The proposed program, which represents the smallest number of oil and gas lease sales in history, sets a course for the department to support the growing offshore wind industry and protect against the potential for environmental damage and adverse impacts to coastal communities," Haaland said in a news release. The tempo of biennial oil lease sales represents a big shift from the recent approach, with parcels in the Gulf typically sold twice each year. The government is still on track to auction oil leases across some 73 million acres of the Gulf by Nov. 8, in a sale first scheduled by President Barack Obama and subsequently mandated by the Inflation Reduction Act. Biden's Interior Department last year proposed as many as 11 sales — with 10 in the Gulf and one in Alaska's Cook Inlet — matching the number under the previous, Obama program. It's a marked reduction from the 47 potential sales under President Donald Trump outlined under an earlier draft of the program — with territory earmarked along almost every coast.

Russia Sends Oil Tanker Without Ice Protection Through Arctic For First Time

High North News

In a sign of things to come Russia has sent the first non-ice class Aframax oil tanker into the Arctic. Hampered by Western sanctions a desperate Russia has decided to forgo long standing practices regarding ice-protection in an effort to re-route ever-larger amounts of crude oil to China, experts say. In what will likely become a watershed moment for the Arctic, Russia has dispatched the first-ever conventional oil tanker across its Northern Sea Route. Leonid Loza departed from the Umba FSO anchorage outside Murmansk in the early hours of 11 September 2023 with destination Ningbo, China. Given its current speed and heading the Aframax tanker – capable of carrying up to one million barrels of crude oil – will enter Russia's Northern Sea Route to the north of the Novaya Zemlya archipelago on Wednesday.

Russia announced plans earlier this year

In line with announcements by Russian officials in early 2023, the country is following through on plans to send crude oil shipments via its Northern Sea Route in non-ice class oil tankers. Until now oil shipments have only occurred in ice-protected ships; Leonid Loza is the first conventional oil tanker attempting to traverse the NSR. The ship's operator NS Breeze Shipping received permission from Russia's Rosatom, the ad-

ministrator of the NSR, on 1 September 2023. The permit confirms that the ship does not possess any ice classification. The vessel is permitted to travel unassisted in ice-free waters and with icebreaker escort in light ice conditions.

Rerouting as a result of sanctions

With the European oil market off-limits due to sanctions, Russia has rerouted some of its Arctic and Urals crude to China. Throughout July and August it dispatched around a dozen ice-class tankers from Primorsk and Ust-Luga in the Baltic as well as Murmansk in the Barents Sea. Challenging ice conditions in the East Siberian Sea delayed initial shipments this summer by more than a week as oil tankers with lighter ice classification were required to wait for a more favorable setup and icebreaker escorts. The latest available ice chart by the Russian Arctic and Antarctic Research Institute continues to show moderate ice conditions along parts of the NSR, possibly incompatible with Leonid Loza's permit. The annual minimum sea ice extent traditionally occurs during the second half of September.

Selling oil to China via the Arctic

"Desperate countries do desperate things. At least the tanker is double-hulled, thanks to the legal changes made at the International Maritime Organisation after the Exxon Valdez accident," explains Michael Byers, Professor and Canada Research Chair in Global Politics and International Law at the University of British Columbia "Russia is at war, of course, and under severe sanctions. The Kremlin will be desperate to deliver oil to those countries still willing to purchase it, such as China, in order to keep the Russian economy alive," he further elaborated. On its route to China, Leonid Loza will also pass through the Bering Strait adjacent to Alaska's western coast line. Oil tankers passing through the Strait were a rarity until this year. With the massive Vostok oil project on the Yenisei Bay in the Arctic coming online next year, transit oil shipments through these seasonally ice-covered waters are bound to increase. Tankers without ice-classification represent a new escalation of risk, experts say. "It does raise the question: Can a rogue state change the general practice of Arctic states? I do not expect to see any of the others following Russia on this," concludes Byers.



Saudi Arabia wants to become a force in electric-vehicle manufacturing Its ambitions may yet meet a number of obstacles

Economist

When Saudi Arabia's autocratic crown prince, Muhammad bin Salman (known as mbs), last year launched Ceer, the kingdom's first electric-vehicle (ev) brand, his ambition was clear. His country was not just building a new automotive company, he gushed, it was "igniting a new industry". Saudi Arabia is powering up its efforts to become a force in manufacturing evs. If this project is a success, it could mark a significant step towards diversifying its economy away from oil. But big potholes remain. Saudi officials have long talked of becoming a manufacturing hub for both petrol-powered and electric cars as part of the kingdom's wider industrial strategy and its plans to tackle climate change. It says it wants to make 500,000 evs a year by 2030, roughly equivalent to annual demand for cars in Saudi Arabia today. Now the Saudis are pushing money towards these ambitions. Of \$32bn targeted by the ministry of industry and mineral resources for nine projects in mining, \$6bn will be invested in a steel-plate mill and a plant for battery metals for evs. They have made it faster and easier for companies to get licences and permits, which are often a hassle elsewhere in the world. Saudi Arabia is making some progress. Hyundai, a big South Korean carmaker, has agreed to build a factory to assemble its vehicles in the country. Tesla, the world's largest full ev producer, is said to be in talks about setting up a manufacturing facility in the kingdom, though the company's boss, Elon Musk, has denied the rumours. The Saudis have signed a \$5.6bn deal with Human Horizons, a Chinese firm that makes luxury evs, to collaborate on development, manufacturing and sales. Ceer, a joint venture between the Saudi sovereign-wealth fund and Foxconn, one of the world's biggest electronics manufacturers, is working with BMW, a German carmaker, to produce electric cars in Saudi Arabia. And Lucid, a loss-making American new entrant majority-owned by the fund, opened a factory near Jeddah on September 27th. Its annual production will be 5,000 cars; the firm claims production capacity will eventually rise to 155,000. Saudi may have to find other ways to boost its appeal. Carmakers everywhere face rising costs, tariffs and geopolitical worries. To attract ev manufacturing at scale, the kingdom may have to offer cheap renewable energy. It will also have to draw in suppliers to the big manufacturers. Hyundai Kefico, a component maker, recently signed a deal with Ceer. Saudi Arabia has rivals in trying to develop an ev industry. Hungary has used its labour-cost advantage to attract battery-cell

makers. Indonesia reckons that its nickel reserves mean it can do something similar, though its success is far from assured. Closer to the kingdom, Turkey and Morocco already have well-established auto industries that make internal-combustion-engine cars, so investors may be drawn to those countries instead. Meanwhile, Saudi Arabia's blistering temperatures and limited supplies of water mean that building and running factories there will be complicated. It does not yet have much of an industrial base. The kingdom has plenty of cash and a determined ruler but money gets you only so far. China owes its success to the fact that it moved early—and strategically—on evs before the rest of the world's carmakers (Tesla excepted). That has given it an advantage that Saudi Arabia cannot hope to replicate. And the kingdom's domestic car market is small. The automotive industry is hard to enter even if the advent of electric cars has lowered the barriers. The claims being made are extraordinary. Ceer alone, the company suggests, could generate \$8bn of gross value-added by 2034 (equivalent to 0.7% of GDP in 2022). It is easy to be sceptical of Saudi's ev aspirations, especially since other hyperbolic targets are being set in the kingdom across many industries. Nonetheless its ev efforts are a serious attempt on the part of the world's biggest oil exporter to diversify its economy and create new industries in anticipation of the bigger changes coming down the road.



SOLVEX

Global Conference

2023

November 8th & 9th

The Leela Ambience Gurugram, Delhi

Bitumen, Petrochemicals
& Petroproducts



BIF

Bitumen India Forum

بزرگترین گردهمایی جهانی فعالین نفت، گاز و پتروشیمی
با محوریت قیر، روغن و هیدروکربن با حضور بیش از ۸۰۰ فعال این صنعت
زمان: ۱۷ و ۱۸ آبانماه ۱۴۰۲، هتل لیلا امبیانس، دهلی نو، هند

SOLVEX 2024

Dubai Grand Event is back at
Intercontinental Hotel - Festival City
on February 12th & 13th, 2024

همایش بعدی مقارن با دوشنبه ۲۳ و ۲۴ بهمن سال ۱۴۰۲



+98 912 107 2025

farjam.behrouzi@gmail.com



MEHRJAM INTERNATIONAL
BUSINESS DEVELOPMENT



Rex Conferences



دستگاه کروماتوگراف گازی (GC)



دستگاه پیشرفته GC با انعطاف پذیری و کارایی بالا برای پاسخگویی به همه‌ی چالش‌های آنالیزی حوزه نفت و گاز

- دارای ژنراتور هیدروژن و نیتروژن
- دارای ژنراتور هوا
- دارای نمونه گیر خودکار تک پورت و سه بعدی
- دارای دستگاه فیلتر کاتالیستی

آرتین آزما، ایستگاهی برای تامین نیازهای آزمایشگاهی شما

Contact info:

Phone call
021-91008898
Fax
021-77809344

Website
www.ArtinAzma.net
Email
info@artinazma.net



Instagram



Cataloge

قیران پخش

تولید کننده قیرهای راهسازی با همکاری دانشگاه شریف

GPSI



کارخانه:

تهران، جاده قدیم قم، بعد از کهریزک

بلوار امام حسین، خیابان سعدن هفتم

تلفن: ۰۲۱-۵۹۵۴۵۱۵۱

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ولی عصر، بعد از خیابان

بهشتی بن بست پردیس، شماره ۱، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۵۱۹۴۵-۶

www.gpsi.ir

« واحد نمونه کیفی در ۹۷، ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ »

« کنترل کیفیت نمونه کشوری در ۱۳۹۸ »

« آزمایشگاه همکار اداره استاندارد »